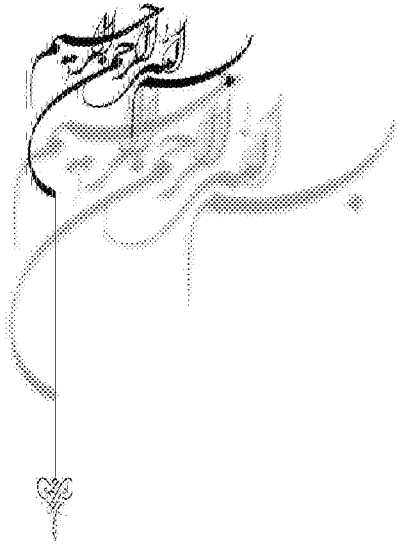

تفسیر سوره

احزاب

محسن قرائتی

فهرست‌نویسی پیش از انتشار کتابخانه‌ی ملی ایران:

قرائتی، محسن / ۱۳۲٤
تفسیر سوره احزاب مؤلّف: محسن قرائتی
ناشر: تهران / «مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن» / ۱۳۷۵.
۱۰۸ ص. ۷۵۰۰ ریال ISBN: 978-600-5421-18-7
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیپا
کتابنامه به صورت زیرنویس.
۱. تفاسیر -- قرن ۱٤. الف. عنوان.
۱۳۸۹ ۷ ت٤٤ق/۱۰۲/٦٥٤ BP ۲۹۷/۱۸ ۲۰۳٤۲۸۵

تفسیر سوره احزاب

ناشر:	مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن
چاپ:	سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
نوبت چاپ:	اول ـ بهار ۱۳۸۹
شمارگان:	۵/۰۰۰ نسخه
قیمت:	۷۵۰۰ ریال
شابک:	۹۷۸ـ٦۰۰ـ٥٤۲۱ـ۱۸ـ۷

مرکز پخش ۱: تهران ـ تلفن و نمابر ٤ـ٦٦۹٤٦۳٦۳
مرکز پخش ۲: اصفهان ـ ۱ـ۸۸۹۲٦۲۷۰
مرکز پخش ۳: مشهد ـ ۱ـ۸۸۹۲٦۲۷۰
www.Qaraati.ir

سخن ناشر

«مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن» در سال ۱۳۷۵ با هدف نشر آثار قلمی، صوتی و تصویری حجّت الاسلام و المسلمین محسن قرائتی تأسیس گردید و در این راستا فعالیّت‌های گوناگونی را به انجام رسانیده است. از جمله:

۱ـ نشر و تجدید چاپ کتب قبلی ایشان با ویراستاری جدید.

۲ـ نشر مجموعه دوره ده جلدی تفسیر نور (تفسیر کامل قرآن).

۳ـ عرضه نرم‌افزارهای مختلف رایانه‌ای مانند توشه تبلیغ برای استفاده طلاب و فرهنگیان.

۴ـ عرضه نرم‌افزار بلاغ (متن و صوت برنامه تلویزیونی درسهایی از قرآن از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۸۶).

۵ ـ راه اندازی پایگاه اینترنتی به نشانی: www.Qaraati.ir با امکان دسترسی به کلیه متون تفسیری و کتب حجّت الاسلام قرائتی و شرکت در مسابقه تلویزیونی درسهایی از قرآن.

۶ـ نشر تفسیر سوره‌های مختلف به صورت مجزّا و در قطع پالتویی.

کتاب حاضر یکی از این مجموعه‌هاست که بحمداللّه استقبال بسیار گرم قرآن دوستان عزیز در اقشار مختلف را به همراه داشته است.

از همه جوانان و علاقمندان به قرآن کریم انتظار داریم که نظرات و پیشنهادات خود را جهت رشد حرکت‌های قرآنی و تفسیری و فراگیر شدن فرهنگ قرآنی به نشانی: تهران ـ صندوق پستی ۱۴۱۸۵/۵۸۶ ارسال نمایند.

مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن

سیمای سوره‌ی احزاب

این سوره در مدینه نازل شده و هفتاد و سه آیه دارد.

یهودیان مدینه، مشرکان مکّه و منافقان پنهان در میان مسلمانان، در سال پنجم هجری برای جنگ با مسلمانان متّحد شدند و پیامبر و یارانش در برابر هجوم آنان، در اطراف مدینه خندق کندند.

این جنگ از آن جهت که توسط گروه‌های مختلف برنامه‌ریزی شد، جنگ احزاب، و از آن جهت که مسلمانان برای دفاع از خود، خندق کندند، به جنگ خندق معروف شد.

در مجموع، هفده آیه از این سوره درباره‌ی جنگ احزاب است و چون در آیات ۲۰ و ۲۲، سه بار کلمه‌ی احزاب به کار رفته، لذا این سوره، «احزاب» نام گرفته است.

علاوه بر جنگ احزاب، مسائلی در مورد ظهار و طلاق جاهلی، احکام پسرخواندگی، موضوع حجاب و توجّه به معاد در این سوره مطرح شده است.

بِسْمِ ٱللهِ ٱلرَّحْمـٰنِ ٱلرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان

﴿۱﴾ يَا أَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ ٱتَّقِ ٱللهَ وَلَا تُطِعِ ٱلْكَافِرِينَ وَٱلْمُنَافِقِينَ إِنَّ ٱللهَ كَانَ عَلِيماً حَكِيماً

ای پیامبر! از خداوند پروا کن و از کافران و منافقان اطاعت مکن که خداوند دانا و حکیم است.

نکته‌ها:

▣ کلمه‌ی «ایّها» به دنبال حرف ندای «یا» برای آن است که غیر از مخاطب، دیگران نیز متوجّه باشند؛ وقتی گفته می‌شود: «یا رسول اللّه» مخاطب، تنها پیامبر است، ولی «یا ایّها الرّسول» یعنی: ای مردم! من پیامبر را صدا می‌زنم.[1]

پیام‌ها:

۱ـ پیامبر اسلام، در پیشگاه خداوند مقام خاصّی دارد. ﴿یا ایّها النّبیّ﴾ (در قرآن سایر انبیا با نام خوانده شده‌اند؛ یا ابراهیم! یا نوح! یا موسی! یا یحیی! ولی «یا محمّد» در قرآن نیامده است.)

۲ـ حتّی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز، به موعظه‌ی الهی نیازمند است. ﴿یا ایّها النّبی اتّق اللّه﴾

۳ـ دستور به پیامبر، در حقیقت دستور به پیروان است. ﴿یا ایّها النّبی﴾

۱. تفسیر کبیرفخررازی.

٤ـ با احیای معروف، جلو منکر را بگیریم. (اوّل، اطاعت از خدا، بعد دوری از کافران و منافقان) ﴿اتّق اللّه و لاتطع الکافرین و المنافقین﴾

۵ ـ پیروی از کافران و منافقان، بی‌تقوایی است. ﴿اتّق اللّه و لاتطع الکافرین و المنافقین﴾

٦ـ کفّار و منافقان در نظر دارند به هر نحو ممکن نظر رهبران دینی را به خود جلب کنند. ﴿لاتطع الکافرین و المنافقین﴾

۷ـ زمانی می‌توان با انحراف‌ها و پیشنهادهای سازشکارانه مبارزه کرد که ایمان و تقوا قوی باشد. ﴿اتّق اللّه ولا تطع﴾

۸ ـ کافران و منافقان در یک خط هستند. ﴿الکافرین والمنافقین﴾

۹ـ اطاعت از خدای علیم و حکیم توجیه دارد، ﴿علیماً حکیماً﴾ ولی پیروی از کافران و منافقان بی‌علم وحکمت چه توجیهی دارد؟ ﴿اتّق اللّه... علیماً حکیما﴾

۱۰ـ سرچشمه‌ی دستورهای خداوند مبنی بر ترک اطاعت از کفّار و منافقین، علم و حکمت اوست. ﴿علیماً حکیما﴾

﴿۲﴾ وَٱتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ إِنَّ ٱللهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيراً

و از آنچه از سوی پروردگارت به تو وحی می‌شود پیروی کن که خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است.

پیام‌ها:

۱ـ هرگاه راه انحرافی را می‌بندید، راه روشنی را باز بگذارید. ﴿لا تطع ـ واتّبع﴾

۲ـ راه رسیدن به تقوا، تنها پیروی از وحی است. (در آیه‌ی قبل فرمود: ﴿اتّق اللّه﴾، در این آیه می‌فرماید: ﴿اتّبع ما یوحی الیك﴾)

۳ـ وحی، از شئون ربوبیّت خداوند است. ﴿من ربّك﴾ (پیروی از

وحی، وسیله‌ی رشد و تربیت شماست.) ﴿ربّك﴾

٤ـ ایمان به علم الهی، قوی‌ترین اهرم برای پیروی از وحی است. ﴿واتّبع ... انّ اللّه... خبیر﴾

﴿۳﴾ وَتَوَكَّلْ عَلَى ٱللَّهِ وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ وَكِيلاً

و بر خداوند توکّل کن، و همین بس که خداوند وکیل و نگهبان (تو) است.

﴿٤﴾ مَا جَعَلَ ٱللَّهُ لِرَجُلٍ مِّن قَلْبَيْنِ فِى جَوْفِهِ وَمَا جَعَلَ أَزْوَاجَكُمُ ٱلَّٰٓـِٔى تُظَٰهِرُونَ مِنْهُنَّ أُمَّهَٰتِكُمْ وَمَا جَعَلَ أَدْعِيَآءَكُمْ أَبْنَآءَكُمْ ذَٰلِكُمْ قَوْلُكُم بِأَفْوَٰهِكُمْ وَٱللَّهُ يَقُولُ ٱلْحَقَّ وَهُوَ يَهْدِى ٱلسَّبِيلَ

خداوند برای هیچ مردی در درونش دو دل قرار نداده است؛ و هرگز همسرانی را که مورد «ظِهار» قرار می‌دهید مادران شما قرار نداده؛ (و نیز) فرزند خوانده‌های شما را پسر (واقعی) شما قرار نداده است. این (قرار دادن همسر به منزله‌ی مادر و فرزند خوانده به منزله‌ی فرزند) سخنی است که شما به زبان می‌گویید، و خداوند حقّ می‌گوید و اوست که به راه (راست) هدایت می‌کند.

نکته‌ها:

▣ «ادعیاء» جمع «دَعیّ»، به معنای ادّعا و نسبت فرزند و یا چیزی دیگر به دیگران است.

▣ «ظِهار» یعنی آنکه مردی به همسرش بگوید: تو همچون مادرم بر من حرام هستی. این کار که در زمان جاهلیّت به عنوان نوعی طلاق رسم بوده، حرام است و کفّاره دارد. برای توضیح بیشتر به کتب فقهی مراجعه کنید.

▣ قرآن، احساسات و عواطف و گرایش‌های درونی را به قلب انسان نسبت می‌دهد.

پیام‌ها:

۱ـ پیروی نکردن از کافران و منافقان و پیروی از وحی، مشکلاتی دارد که راه مبارزه با آن توکّل به خداست. ﴿لا تطع ـ واتّبع ـ و توکّل﴾

۲ـ سعی کنیم دلیل دستورها را بیان کنیم. ﴿توکّل علی اللّه ـ کفی باللّه وکیلا﴾ (کسی که خدا دارد چه ندارد؟)

۳ـ گرایش‌های قلبی و فطری انسان، یک چیز بیشتر نیست و هر چه انسان بر خلاف آن بگوید یا عمل کند، نفاق شخصی اوست نه اراده‌ی الهی. ﴿و ما جَعَل اللّه لرجل من قلبین﴾

٤ـ در یک دل، دو دوستی متضادّ جمع نمی‌شود. ﴿من قلبین﴾ (دوستی و پیروی از وحی، با ولایت و پیروی از کافران و منافقان سازگار نیست.)

۵ ـ رابطه‌ی پدر و مادر با فرزند، یک رابطه‌ی حقیقی و طبیعی است نه تشریفاتی و قراردادی. (نه همسر، مثل مادر می‌شود، ﴿ما جعل ازواجکم الّائی تظاهرون منهنّ امّهاتکم﴾ و نه فرزند خوانده، فرزند می‌شود. ﴿ما جعل ادعیائکم ابنائکم﴾

٦ـ یکی از وظایف انبیا، زدودن خرافات از جامعه است. ﴿ما جعل... ذلکم قولکم بافواهکم﴾

۷ـ معیار حقّ و باطل، وحی الهی است، نه رسم و رسوم و آداب و عادات اجتماعی. ﴿ذلکم قولکم بافواهکم و اللّه یقول الحقّ﴾

﴿۵﴾ اُدْعُوهُمْ لِآبَـآئِهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِندَ ٱللهِ فَإِن لَّـمْ تَـعْلَمُوٓاْ آبَآءَهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ فِى ٱلدِّينِ وَ مَوَالِيكُمْ وَ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَآ أَخْطَأْتُم بِهِ وَلَـكِن مَّا تَعَمَّدَتْ قُلُوبُكُمْ وَكَانَ ٱللهُ غَفُوراً رَّحِيماً

آنان (پسر خواندگان) را به نام پدرانشان بخوانید، که این نزد خداوند عادلانه‌تر است، پس اگر پدرانشان را نمی‌شناسید، آنان برادران دینی و موالی شما هستند؛ و در آنچه (پیش از این) خطا کردید (و پسر خواندگان را فرزند خود دانستید) گناهی بر شما نیست، ولی در آنچه دل‌هایتان قصد و عمد داشته (مسئولید) و خداوند آمرزنده‌ی مهربان است.

پیام‌ها:

۱ـ رابطه‌ی نسبی افراد را با پدران واقعی‌شان حفظ کنیم. ﴿ادعوهم لابائهم﴾ (در شناسنامه‌ی افراد باید نام پدرشان باشد.)

۲ـ با افرادی که پدرشان شناخته شده نیست، محترمانه، عاطفی و برادرانه رفتار کنیم. ﴿فاخوانکم فی الدین﴾ (افرادی در جنگ‌ها اسیر و سپس مسلمان می‌شدند، ولی مسلمانان پدر آنان را نمی‌شناختند.)

۳ـ «برادر دینی»، یک اصطلاح قرآنی است. ﴿اخوانکم فی الدین﴾

٤ـ برده‌های آزاد شده‌ای را که پدرشان معلوم نیست، دوست و مولی بخوانید. ﴿و موالیکم﴾

۵ ـ قصد، نیّت و آگاهی، در ارتکاب جرم مؤثّر است. ﴿اخطأتم ـ تعمّدت قلوبکم﴾

٦ـ تغییر آگاهانه‌ی شناسنامه‌ها و نسبت‌ها جرم است. ﴿و لکن ما تعمّدت قلوبکم﴾

۷ـ به حساب نیاوردن گناهان غیر عمد و خطایی، برخاسته از آمرزندگی و مهربانی خداوند است. ﴿لیس علیکم جناح فیما اخطأتم... و کان اللّه غفوراً رحیماً﴾

۸ ـ مغفرت خداوند همراه با مهربانی و شفقت است. ﴿غفوراً رحیماً﴾

﴿٦﴾ ٱلنَّبِىُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّـهَاتُهُمْ وَأُوْلُواْ ٱلْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِـبَعْضٍ فِـى كِـتَابِ ٱللهِ مِـنَ ٱلْمُؤْمِنِينَ وَ ٱلْمُهَاجِرِينَ إِلَّآ أَن تَفْعَلُوٓاْ إِلَىٰٓ أَوْلِيَآئِكُم مَّعْرُوفاً كَانَ ذَٰلِكَ فِى ٱلْكِتَابِ مَسْطُوراً

پیامبر به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است، و همسران او (در حرمت نکاح مانند) مادران مؤمنان محسوب می‌شوند، و در کتاب خداوند، خویشاوندان (نسبی) بعضی نسبت به بعضی از مؤمنان و مهاجران (که قبلاً بر اساس ایمان و هجرت ارث می‌بردند، در ارث بردن) اولویّت دارند، مگر آن که بخواهید نسبت به دوستانتان نیکی کنید (و سهمی از اموال خود را در قالب وصیّت به آنان بدهید)؛ این (حکم) در کتاب (الهی) نوشته شده است.

نکته‌ها:

▣ در تفسیر مجمع البیان می‌خوانیم: پیامبر اکرم ﷺ میان مسلمانان (انصار و مهاجرین) عقد اخوّت برقرار کرده بود، به گونه‌ای که مثل برادر حقیقی از یکدیگر ارث می‌بردند، زیرا مهاجران در آغاز، از وطن و اموال و بستگان خود دور شده بودند و عقد اخوّت، این موارد را جبران می‌کرد تا آنکه آیه نازل شد و چنین ارثی را لغو کرد و فرمود: ملاک ارث بردن، خویشاوندی است.

▣ هنگامی که فرمان پیامبرﷺ در مورد حرکت برای جنگ تبوک صادر شد، بعضی گفتند: ما باید از والدین خود اجازه بگیریم. این جمله نازل شد که ﴿**النّبی اولی بالمؤمنین**﴾.[1]

▣ پیامبر اکرمﷺ در روز غدیرخم که به فرمان خداوند، حضرت علی علیه‌السلام را به جانشینی خود منصوب فرمود، قبل از معرّفی و نصب آن حضرت، جمله‌ی «**ألستُ اولیٰ بکم من انفسکم**» را بیان فرمودند و از آنان اقرار گرفتند که آیا طبق آیه قرآن، من از شما حتّی نسبت به خودتان اولویّت ندارم؟! همه گفتند: بله.

آنگاه پیامبرﷺ فرمودند: «**مَن کنتُ مولاه فهذا علیّ مولاه**»[2]

▣ اولویّت پیامبر بر مؤمنان، در مسایل حکومتی و فردی و تمام امور است. ﴿**النّبی اولی**﴾

چنانکه در آیه‌ی ۳۶ همین سوره می‌خوانیم: برای هیچ زن و مرد با ایمانی در برابر قضاوت پیامبر حقّ انتخاب و اختیاری نیست. ﴿**ما کان لمؤمن ولا مؤمنة اذا قضی اللّه و رسوله امرا ان یکون لهم الخیرة**﴾

در روایات بسیاری آمده است: پیامبر اکرمﷺ، این اولویّت را برای امامان معصومعلیهم‌السلام نیز قائل بودند.[3]

▣ در حدیث می‌خوانیم: رسول خداﷺ فرمود: «**والذّی نفسی بیده لا یؤمن احدکم حتّی اکون اَحَبَّ الیه من نفسه و ماله و ولده والناس اجمعین**» سوگند به خدایی که جانم در دست اوست، ایمان هیچ یک از شما کامل نیست، مگر این که مرا از جان و مال و فرزند و از همه‌ی مردم بیشتر دوست داشته باشد.[4]

۱. تفسیر مجمع‌البیان.
۲. بحار، ج ۲۱، ص۳۸۷.
۳. تفسیر نورالثقلین.
٤. تفسیر نمونه به نقل از فی ظلال.

پیـام‌ها:

۱ـ پیامبر، بر تمام مؤمنان ولایت کامل دارد و ولایت آن حضرت بر مردم، از ولایت خودشان بر امورشان برتر است. ﴿**النبیّ اولیٰ بالمؤمنین**﴾ (در جامعه اسلامی، باید دین سالاری باشد.)

۲ـ لازمه‌ی ایمان به خداوند، پذیرش ولایت رسول خداست. ﴿**النّبی اولی**﴾

۳ـ احترام همسران پیامبر لازم است. ﴿**ازواجه امّهاتهم**﴾ (حتّی پس از رحلت پیامبر، کسی حقّ ندارد با همسران پیامبر ازدواج کند.)

٤ـ قرار گرفتن همسران پیامبر به منزله‌ی مادر، سبب ارث بردن آنان از مردم نمی‌شود. ﴿**و ازواجه امّهاتهم و اولوا الارحام بعضهم اولی ببعض**﴾

۵ ـ خویشاوندی و پیوندهای خانوادگی، اولویّت‌آور است. ﴿**اولوا الارحام بعضهم اولی ببعض**﴾

٦ـ قوانین ثابت ارث، مانع رسیدگی به وضعیّت دوستان محروم نشود. ﴿**الاّ ان تفعلوا الی اولیائکم معروفا**﴾

۷ـ اولویّت خویشاوندان در ارث، بعد از عمل به وصیّت است. ﴿**و اولوا الارحام بعضهم اولی ببعض... الاّ تفعلوا...**﴾ (آری، اگر فردی وصیّت کرد که بخشی از مال او صرف دوستانش شود، اوّل باید به وصیّت عمل شود و سپس تقسیم شود.)

۸ ـ احکام ومسایل حقوقی را در امور خانوادگی جدّی بگیریم. ﴿**فی الکتاب مسطورا**﴾

۹ـ ثبت و ضبط امور، کاری الهی است. ﴿**فی الکتاب مسطورا**﴾

﴿٧﴾ وَ إِذْ أَخَذْنَا مِنَ ٱلنَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَمِنكَ وَمِن نُّوحٍ وَ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَىٰ وَعِيسَى ٱبْنِ مَرْيَمَ وَأَخَذْنَا مِنْهُم مِّيثَاقاً غَلِيظاً

(و به یاد آور) هنگامی که ما از پیامبران پیمان گرفتیم، و (همچنین) از تو و از نوح و ابراهیم و موسیٰ و عیسیٰ فرزند مریم، و از همه‌ی آنان پیمانی استوار گرفتیم (که در ادای مسئولیّت و دعوت کوتاهی نکنند).

نکته‌ها:

▣ از میان پیامبران، پنج نفر اولوا العزم یعنی دارای کتاب و شریعت بوده و از جایگاه خاصّی نزد خداوند برخوردار بوده‌اند، این آیه آنان را به خصوص نام برده است.

البتّه پیامبر اسلام قبل از بقیه بیان شده، که دالّ بر عظمتی دیگر است،[1] چنانکه از مادر حضرت عیسی نام برده شده که بیانگر موقعیّت ویژه حضرت مریم و تولّد معجزه‌آسای آن حضرت است.

پیام‌ها:

١ـ برای آماده سازی روحی و تربیتی، آشنایی با تاریخ و سنّت‌های الهی لازم است. (اگر ما از تو میثاق می‌گیریم، سنّت و برنامه‌ی ما این است که از همه‌ی انبیا پیمان گرفته‌ایم.) ﴿اخذنا من النّبيّين﴾

٢ـ اگر پیامبر اولیٰ بر مردم است، مسئولیّت و پیمان سختی نیز بر عهده‌ی اوست. ﴿اخذنا ـ ميثاقهم و منك﴾ هر کس مقام برتری دارد، وظیفه‌اش سخت‌تر است. (خداوند از همه انبیا میثاق گرفت ولی از پیامبران اولواالعزم، میثاق غلیظ گرفت) ﴿ميثاقاً غليظاً﴾

١. بحار، ج ٥، ص٢٣٦.

﴿٨﴾ لِيَسْئَلَ ٱلصَّادِقِينَ عَن صِدْقِهِمْ وَأَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَاباً أَلِيماً

(خداوند از پیامبران پیمان محکم گرفت) تا راستگویان را از صداقتشان (در ایمان و عمل صالح،) بازخواست کند؛ و برای کافران عذابی دردناک آماده کرده است.

نکته‌ها:

▣ شاید مراد از صادقین، انبیا باشند، یعنی خداوند از آنان پیمان گرفت تا در قیامت طبق همان پیمان و اقرار بازخواست کند و شاید مراد این باشد که خداوند از انبیا در ابلاغ وحی الهی به مردم پیمان سخت گرفت تا بشود از صداقت یا کفر مردم بازخواست کرد.

▣ در قرآن، صادقان جایگاه خاصّی دارند که با تعبیر ﴿صدقوا ما عاهدوا اللّه عليه﴾،[1] ﴿اولئك هم الصّادقون﴾[2] و ﴿كونوا مع الصّادقين﴾[3] از آنان یاد شده است.

▣ امام صادق عليه‌السلام فرمود: «در صورتی که راستگو از راستی‌اش سؤال می‌شود که به چه انگیزه‌ای بوده و بر طبق آن جزا داده می‌شود، پس حال دروغگو چگونه خواهد بود؟!»[4]

▣ در این آیه به جای آنکه در مقابلِ کافرین، مؤمنان قرار گیرد، صادقین آمده است. یعنی لازمه‌ی تفکیک‌ناپذیر ایمان، صداقت است.

پیام‌ها:

١ـ پیمان گرفتن‌های الهی، هدفدار است و هدف، تفکیک صادقان از کافران است. ﴿ليسئل الصادقين ـ اعدّ للكافرين﴾

١. احزاب، ٢٣.
٢. حجرات، ١٥.
٣. توبه، ١١٩.
٤. تفاسیر مجمع‌البیان و برهان.

﴿۹﴾ يَآ أَيُّهَا ٱلَّذِينَ آمَنُواْ ٱذْكُرُواْ نِعْمَةَ ٱللهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَآءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحاً وَ جُنُوداً لَّمْ تَرَوْهَا وَ كَانَ ٱللهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيراً

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! نعمت خدا را بر خود به یاد آورید، آن گاه که (دشمنان شما در قالب) لشکریانی به سراغتان آمدند، ولی ما (برای دفاع از شما) تند بادی (سخت) و لشکریانی که آنها را نمی‌دیدید بر آنان فرستادیم، (و بدین وسیله دشمنان را قلع و قمع کردیم)، و خداوند به آنچه انجام می‌دهید بیناست.

نکته‌ها:

▣ این آیه و شانزده آیه پس از آن، به جنگ احزاب مربوط است که در سال پنجم هجری واقع شد. در این جنگ که یهودیان و مشرکان و منافقان قصد کودتا و تصرّف مدینه را داشتند، مسلمانان با پیشنهاد سلمان فارسی و موافقت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اطراف مدینه را خندق کندند و در برابر دشمن استقامت کردند. در حفر خندق نیز، اوّلین کلنگ را خود رسول اللّه به زمین زد و هر بار که بر اثر اصابت کلنگ به سنگ برقی می‌جهید، پیامبر پیروزی اسلام بر منطقه‌ای از جهان را بشارت می‌داد. خداوند در این نبرد به وسیله‌ی وزش باد و نزول فرشتگان مسلمانان را یاری کرد.

پیام‌ها:

۱ـ شرط دریافت امدادهای الهی، ایمان و تلاش است. ﴿یا ایها الّذین آمنوا اذکروا نعمة اللّه﴾ (مسلمانان آماده‌ی دفاع شدند، خندق کندند و سپس یاری شدند.)

۲ـ یاد نعمت‌ها، مورد سفارش خداوند است. ﴿اذکروا نعمة اللّه﴾ یاد امدادهای الهی، روحیّه‌ی رزمندگان را بالا می‌برد.

۳ـ انسان در معرض فراموشی نعمت است و به تذکّر نیاز دارد.

﴿اذکروا نعمة اللّه﴾

٤ـ پاسخ جنود را باید با جنود داد. ﴿جاءتکم جنودٌ ـ فارسلنا ... جنوداً﴾

۵ ـ پیروزی‌ها را از خدا بدانیم.[1] ﴿فارسلنا علیهم﴾

٦ـ با اراده خداوند بادها هم سرباز می‌شوند. ﴿فارسلنا علیهم ریحاً﴾

۷ـ فرشتگان، هم به مؤمنان دعا می‌کنند و هم آنان را بشارت و امداد می‌دهند. ﴿فارسلنا ـ جنودا﴾

۸ ـ اگر خداوند ببیند که ما به وظیفه‌ی خود عمل می‌کنیم، امدادهای خود را بر ما نازل می‌کند. ﴿کان اللّه بما تعملون بصیراً﴾

﴿۱۰﴾ إِذْ جَآءُوكُم مِّن فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنكُمْ وَإِذْ زَاغَتِ ٱلْأَبْصَارُ وَ بَلَغَتِ ٱلْقُلُوبُ ٱلْحَنَاجِرَ وَتَظُنُّونَ بِٱللهِ ٱلظُّنُونَاْ

آن گاه که دشمنان از بالا و پایین (شهر) شما به سراغتان آمدند (و مدینه را محاصره کردند)، و آن گاه که چشم‌ها (از ترس) خیره شده بود و جان‌ها به حنجره‌ها رسیده بود، و به خداوند گمان‌های (بدی) می‌بردید.

﴿۱۱﴾ هُنَالِكَ ٱبْتُلِيَ ٱلْمُؤْمِنُونَ وَ زُلْزِلُواْ زِلْزَالًا شَدِيداً

آن جا بود که مؤمنان آزمایش شدند و به لرزه‌ی سختی دچار شدند.

پیام‌ها:

۱ـ زمانی مزه‌ی الطاف الهی را می‌چشید که صحنه‌های تلخ را نزد خود مجسّم کنید. ﴿اذ جاؤکم ـ اذ زاغت﴾

۲ـ مسلمانان باید مراقب تمام مرزهای کشور خود باشند. ﴿فوقکم ـ اسفل منکم﴾

---

۱. امام خمینی قدس سره در فتح خرمشهر فرمود: «خرمشهر را خدا آزاد کرد».

۳ـ حالت‌های روحی در جسم اثر می‌گذارد. (ترسیدن سبب می‌شود که چشم و دل کار عادّی خود را از دست بدهند، خیره شدن چشم و تند شدن ضربان قلب نمونه آن است.) ﴿**زاغت الابصار و بلغت القلوب الحناجر**﴾

٤ـ بعضی مؤمنان، به هنگام بروز پیش آمدهای سخت به قدرت خداوند سوءظن می‌برند. ﴿**تظنّون باللّه**﴾

۵ ـ مؤمن در معرض ابتلا و آزمایش است. ﴿**ابتُلی المؤمنون**﴾

٦ـ جنگ، ترس، وحشت و شرایط سخت، وسیله آزمایش‌اند. ﴿**هنالك ابتلی**﴾

۷ـ در سختی‌ها، انسان‌ها شناخته و صف‌ها جدا می‌شوند. ﴿**هنالك ابتُلی**﴾ (در میدان‌های جنگ، از حضور روشنفکرنماها و منافقان خبری نبود.)

۸ ـ استواری انسان، در گرو استواری روحیّه‌ی اوست. (اگر روح ضربه دید انسان متزلزل می‌شود.) ﴿**زلزلوا**﴾

﴿۱۲﴾ وَإِذْ يَقُولُ ٱلْمُنَافِقُونَ وَٱلَّذِينَ فِى قُلُوبِهِم مَّرَضٌ مَّا وَعَدَنَا ٱللَّهُ وَ رَسُولُهُ إِلَّا غُرُوراً

و آن گاه که منافقان و کسانی که در روحشان بیماری (شکّ و تردید) بود، گفتند: خدا و پیامبرش جز وعده‌های فریبنده به ما ندادند.

پیام‌ها:

۱ـ تلاش‌های تبلیغاتی منافقان دائمی است. ﴿**یقول المنافقون**﴾

۲ـ مأیوس کردن رزمندگان و تضعیف روحیّه‌ی آنان، نشانه‌ی انحراف و نفاق است. ﴿**ما وعدنا اللّه...**﴾

۳ـ در میان یاران پیامبر، برخی دچار شک و تردید و برخی دچار نفاق و دورویی بودند. ﴿**ما وعدنا اللّه و رسوله الاّ غرورا**﴾

﴿۱۳﴾ وَإِذْ قَالَت طَّآئِفَةٌ مِّنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُواْ وَ يَسْتَئْذِنُ فَرِيقٌ مِّنْهُمُ ٱلنَّبِىَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِىَ بِعَوْرَةٍ إِن يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَاراً

و آن گاه که گروهی از آنان گفتند: ای مردم مدینه! (در صحنه جنگ) برای شما جای ماندن نیست، پس برگردید. و گروهی از آنان از پیامبر اجازه (بازگشت) می‌خواستند (و) می‌گفتند: همانا خانه‌های ما بی حفاظ است. در حالی که بی حفاظ نبود و آنان جز فرار (از جنگ) قصد دیگری نداشتند.

پیام‌ها:

۱ـ گروهی از منافقان با شایعه پراکنی، ﴿**قالت طائفة... لا مقام لکم**﴾ و گروهی با فرار از جبهه، ﴿**یستأذن فریق منهم**﴾ در صدد تضعیف روحیه مؤمنان بودند.

۲ـ از تبلیغات منافقان برای دلسرد کردن رزمندگان، غافل نباشیم. ﴿**لا مقام لکم**﴾

۳ـ فرمانده جنگ، شخص پیامبر اکرمﷺ بود. ﴿**یستأذن فریق منهم النبیّ**﴾

٤ـ قوای مسلح باید به قدری منظم باشد که هیچ کس حقّ خروج از لشکر را بدون مرخصی نداشته باشد. ﴿**یستأذن فریق منهم النبیّ**﴾

۵ ـ آرامش و امنیّت فکری و خانوادگی برای رزمنده به قدری ضروری است که منافقان، دغدغه آن را بهانه ترک جبهه خود قرار دادند. ﴿**انّ بیوتنا عورة**﴾

٦ـ کسی که از خانه و زندگی دل نکند، نمی‌تواند موفّق باشد. ﴿**انّ بیوتنا عورة**﴾

۷ـ منافق، ترسو و بهانه‌گیر است. (به خاطر نداشتن شهامت، به جای

موضع‌گیری صریح، بهانه‌گیری می‌کند.) ﴿بیوتنا عورة﴾

۸ـ دشمن از مذهب، علیه مذهب استفاده می‌کند. (بهانه‌ی منافقان «حفظ ناموس» بود که یک دستور مذهبی است.) ﴿بیوتنا عورة﴾

۹ـ وحی، افکار پلید منافقان را آشکار و آنان را رسوا می‌کند. ﴿و ما هی بعورة ان یریدون الاّ فرارا﴾

﴿۱٤﴾ وَلَوْ دُخِلَتْ عَلَيْهِم مِّنْ أَقْطَارِهَا ثُمَّ سُئِلُواْ ٱلْفِتْنَةَ لَأَتَوْهَا وَمَا تَلَبَّثُواْ بِهَآ إِلَّا يَسِيراً

و (آن منافقان و بیمار دلان چنان بودند که) اگر (دشمنان) از اطراف مدینه بر آنان وارد می‌شدند و از آنان تقاضای فتنه‌گری می‌کردند، به سرعت می‌پذیرفتند، و جز مدّت کمی درنگ نمی‌کردند.

﴿۱۵﴾ وَلَقَدْ كَانُواْ عَاهَدُواْ ٱللَّهَ مِن قَبْلُ لَا يُوَلُّونَ ٱلْأَدْبَارَ وَكَانَ عَهْدُ ٱللَّهِ مَسْئُولًا

در حالی که آنان پیش از این با خداوند پیمان بسته بودند که (به دشمن) پشت نکنند؛ و پیمان الهی بازخواست شدنی است.

نکته‌ها:

▣ فرار نکردن از جبهه و جنگ، ﴿لا یولّون الادبار﴾ از شروط ایمان به خدا و پیامبر است؛ خداوند می‌فرماید: این عهد مورد بازخواست و سؤال واقع خواهد شد. ﴿کان عهد اللّه مسئولا﴾

پیام‌ها:

۱ـ دشمن برای ایجاد فتنه از منافقان داخلی کمک می‌گیرد. ﴿سُئلوا الفتنة﴾

۲ـ منافقان به راحتی از حقّ برگشته، به دشمن رو می‌کنند و فتنه به پا می‌نماید. ﴿لأتوها﴾

۳ـ پذیرش درخواست کافران به صورت عجولانه و بی تفکّر، نشانه‌ی بی هویّتی است. ﴿سئلوا... ما تلبّثوا بها الاّ یسیرا﴾

٤ـ پیمان بستن مهم نیست، وفاداری مهم است. ﴿عاهدوا اللّه... لا یولّون الادبار﴾

۵ ـ پیمان خداوند را سرسری نگیریم که قطعاً مورد سؤال و توبیخ قرار می‌گیریم. ﴿کان عهد اللّه مسئولاً﴾

﴿۱٦﴾ قُل لَّن يَنفَعَكُمُ ٱلْفِرَارُ إِن فَرَرْتُم مِّنَ ٱلْمَوْتِ أَوِ ٱلْقَتْلِ وَإِذاً لَّا تُمَتَّعُونَ إِلَّا قَلِيلاً

بگو: اگر از مرگ یا کشته شدن فرار کنید، این فرار هرگز برای شما سودی ندارد و (بر فرض که سودتان دهد) در آن صورت جز بهره اندکی نخواهید برد.

پیام‌ها:

۱ـ از مقدّرات حتمی خداوند، نظیر مر نمی‌توان فرار کرد. ﴿لن ینفعکم الفرار... من الموت او القتل﴾

۲ـ به خاطر کامیابی زودگذر، سعادت ابدی را از دست ندهید. ﴿لا تمتّعون الاّ قلیلا﴾

﴿۱۷﴾ قُلْ مَن ذَا ٱلَّذِي يَعْصِمُكُم مِّنَ ٱللَّهِ إِنْ أَرَادَ بِكُمْ سُوٓءاً أَوْ أَرَادَ بِكُمْ رَحْمَةً وَلَا يَجِدُونَ لَهُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ وَلِيّاً وَلَا نَصِيراً

بگو: اگر خداوند برای شما رنجی یا رحمتی اراده کند، کیست که شما را در برابر (اراده) خداوند مصون بدارد؟ در حالی که آنان غیر از خداوند برای خود نه کارسازی می‌یابند و نه یاری دهنده‌ای.

نکته‌ها:

▣ اراده خداوند در مورد بروز گرفتاری و سختی برای انسان بدین معناست

که انسان با اختیار خود و انجام اعمال ناشایست (مانند فرار از جنگ)، خود را به سمت آتش قهر الهی می‌کشاند و چون تمام کارها به اراده‌ی الهی صورت می‌گیرد، این گرفتاری‌ها به خداوند نسبت داده می‌شود.

پیام‌ها:

١ـ وجدان‌ها را با طرح سؤال بیدار کنید. ﴿**قل من ... یعصمکم من اللّه**﴾

٢ـ رحمت و عذاب، تلخی و شیرینی، در مدار اراده‌ی خداوند به انسان می‌رسد. ﴿**اراد بکم سوءاً ـ اراد بکم رحمة**﴾ (البتّه اراده‌ی سوء یا رحمت خداوند، با توجّه به حکمت است.)

﴿١٨﴾ **قَدْ يَعْلَمُ ٱللَّهُ ٱلْمُعَوِّقِينَ مِنكُمْ وَٱلْقَآئِلِينَ لِإِخْوَانِهِمْ هَلُمَّ إِلَيْنَا وَلَا يَأْتُونَ ٱلْبَأْسَ إِلَّا قَلِيلاً**

بدون شک خداوند کسانی از شما که مردم را (از جبهه و جهاد) باز می‌داشتند و کسانی را که به برادران خود می‌گفتند: به سوی ما بیایید (و خود را به کشتن ندهید) به خوبی می‌شناسد؛ (آنان ضعیف و ترسو هستند) و جز اندکی به جبهه نمی‌روند.

نکته‌ها:

▣ «مُعَوِّق» به معنای باز دارنده و «بأس» به معنای سختی و میدان کارزار و جهاد است.

▣ در قرآن به انواع برادری اشاره شده است:

الف: برادری طبیعی که از طریق والدین می‌باشد.

ب: برادری دینی که به واسطه‌ی هم کیشی حاصل می‌شود ﴿**انّما المؤمنون اخوة**﴾[1]

١. حجرات، ١٠.

ج: برادری سیاسی و حزبی که در این آیه به آن اشاره شده است.

د: برادری رفتاری که به واسطه‌ی پیروی حاصل می‌شود. چنانکه مبذّرین، برادران شیطان معرّفی شده‌اند. ﴿**انّ المبذّرین کانوا اخوان الشیاطین**﴾[1]

▣ مراد از جمله ﴿**القائلین لاخوانهم**﴾، دعوت منافقان از مسلمانان ضعیف الایمان برای ترک جبهه است.

پیام‌ها:

١ـ خداوند به تمام حرکات و تبلیغات سوء دشمنان، آگاه است. ﴿**یعلم اللّه**﴾

٢ـ منافقان بزدل که خود از جبهه فرار می‌کنند، مانع حضور دیگران در جبهه می‌شوند. ﴿**المعوّقین... القائلین**﴾

٣ـ هر گونه دلسرد کردن رزمندگان، نزد خداوند گناه است. ﴿**یعلم اللّه... القائلین... هلمّ الینا**﴾

٤ـ جبهه رفتن مهم نیست، جبهه ماندن مهم است. ﴿**لا یأتون البأس الاّ قلیلا**﴾

١. اسراء، ٢٧.

﴿١٩﴾ أَشِحَّةً عَلَيْكُمْ فَإِذَا جَآءَ ٱلْخَوْفُ رَأَيْتَهُمْ يَنظُرُونَ إِلَيْكَ تَدُورُ أَعْيُنُهُمْ كَٱلَّذِى يُغْشَىٰ عَلَيْهِ مِنَ ٱلْمَوْتِ فَإِذَا ذَهَبَ ٱلْخَوْفُ سَلَقُوكُم بِأَلْسِنَةٍ حِدَادٍ أَشِحَّةً عَلَى ٱلْخَيْرِ أُوْلَٰٓئِكَ لَمْ يُؤْمِنُواْ فَأَحْبَطَ ٱللَّهُ أَعْمَالَهُمْ وَكَانَ ذَٰلِكَ عَلَى ٱللَّهِ يَسِيراً

در حالی آنان بر یاری شما بخیل هستند، که هرگاه (لحظات) بیم (و جنگ) پیش آید، آنان را می‌بینی چنان به تو می‌نگرند که چشمانشان (در حدقه) می‌چرخد، همچون کسی که مرگ او را فراگرفته، پس همین که ترس از میان رفت، زبان‌های تند و خشن (خود را) بر شما می‌گشایند، در حالی که نسبت به خیر (مال و غنیمت) بخیل هستند، آنان ایمان (واقعی) ندارند و خداوند اعمالشان را محو نموده؛ و این کار بر خداوند آسان است.

نکته‌ها:

▣ کلمه‌ی «اشحّة» جمع «شحیح» از «شُحّ» به معنای بخلی است که همراه با حرص باشد.

«سلقوکم» از «سلق»، به معنای مغلوب کردن و شکست دادن است، یعنی می‌خواهند با تبلیغات و زخم زبان خود مسلمانان را مغلوب کنند و شکست دهند.

«حِداد» جمع «حدید» به معنای تیز و خشن است.

پیام‌ها:

١ـ منافقان، هرگز خیرخواه شما نیستند؛ به هنگام خطر از کمک و حضور در جبهه بخل می‌ورزند، ﴿اشحّة علیکم﴾ و پس از برطرف شدن خطر، به جمع غنائم حریص هستند. ﴿اشحّة علی الخیر﴾

٢ـ منافقان، تلخی‌ها را از جانب پیامبر و مسلمانان می‌بینند. ﴿فاذا

جاء الخوف... ینظرون الیك﴾

٣ـ منافقان در شرایط بحرانی تعادل خود را از دست می‌دهند. ﴿فاذا جاء الخوف... تدور اعینهم﴾

٤ـ حالات روحی، در چهره‌ی انسان اثر می‌گذارد. ﴿تدور اعینهم﴾

٥ ـ منافقان، کم کار و پرگو هستند. هنگام جنگ و سختی ترسوترین مردم و هنگام آرامش طلبکارترین مردم هستند. ﴿اشحّة علیکم ـ اشحّة علی‌الخیر﴾

٦ـ ترس، بخل، زخم زبان و توقّع نابجا از نشانه‌های بارز منافقان است. ﴿اشحّة ـ تدور اعینهم ـ السنة حداد﴾

٧ـ حبط اعمال گناهکاران، حکیمانه و بر اساس عملکرد خود انسان است. ﴿لم یؤمنوا فاحبط اللّه اعمالهم﴾

٨ ـ نفاق، عامل حبط و تباه شدن اعمال است. ﴿احبط اللّه اعمالهم﴾

٩ـ رفتار منافقان، (بخل، زخم زبان و دلسرد کردن مردم از حضور در جبهه و...) نمی‌تواند مشکلی برای اراده خداوند به وجود آورد. ﴿کان ذلك علی اللّه یسیرا﴾

﴿٢٠﴾ يَحْسَبُونَ ٱلْأَحْزَابَ لَمْ يَذْهَبُواْ وَإِن يَأْتِ ٱلْأَحْزَابُ يَوَدُّواْ لَوْ أَنَّهُم بَادُونَ فِى ٱلْأَعْرَابِ يَسْئَلُونَ عَنْ أَنبَآئِكُمْ وَلَوْ كَانُواْ فِيكُم مَّا قَاتَلُوٓاْ إِلَّا قَلِيلاً

(آنها به قدری وحشت‌زده شده‌اند که) می‌پندارند احزاب (مشرک و یهود مهاجم) هنوز پراکنده نشده‌اند و اگر (بار دیگر) دسته‌های دشمن (به سراغ مسلمانان) آید، دوست دارند کاش میان اعراب بادیه نشین بودند (و درگیر جنگ نمی‌شدند) و تنها از اخبار (مربوط به) شما جویا می‌شدند و این افراد اگر در میان شما بودند جز اندکی نمی‌جنگیدند.

نکته‌ها:

▣ به عربِ شهرنشین «عربی» و به عرب بادیه نشین «اَعرابی» گویند. کلمه‌ی «بادون» جمع «بادی» است و به کسی گفته می‌شود که در بادیه و بیابان ساکن باشد.

پیام‌ها:

۱ـ افراد ترسو و سست ایمان، همواره دشمن را قوی‌تر از مسلمانان تصوّر می‌کنند. (منافقان گمان می‌کردند تا احزابِ یهود و مشرک مدینه را فتح نکنند پراکنده نخواهند شد). ﴿یحسبون الاحزاب لم یذهبوا﴾

۲ـ خود باختگی، قدرت فهم واقعیّات را از انسان می‌گیرد. ﴿یحسبون... لم یذهبوا﴾

۳ـ افراد سست ایمان، زندگی در جوامع دور از فرهنگ را بر زندگی در جامعه‌ی دینی، ترجیح می‌دهند. ﴿یودّوا لو انّهم بادون﴾

٤ـ افراد سست ایمان به جای حضور در صحنه جامعه، به خواندن روزنامه‌ها و شنیدن اخبار رادیوها سرگرمند. ﴿یسئلون عن انبائکم﴾

۵ ـ افراد سست ایمان، اهل نبرد و استقامت نیستند. ﴿ما قاتلوا الاّ قلیلا﴾

﴿۲۱﴾ لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ ٱللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُواْ ٱللَّهَ وَ ٱلْيَوْمَ ٱلْآخِرَ وَذَكَرَ ٱللَّهَ كَثِيراً

همانا برای شما در (سیره‌ی) رسول خدا الگو و سرمشقی نیکوست، (البتّه)برای کسانی که به خدا و روز قیامت امید دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند.

نکته‌ها:

▣ «اُسوة» در مورد تأسّی و پیروی کردن از دیگران در کارهای خوب به کار می‌رود. در قرآن دوبار این کلمه درباره‌ی دو پیامبر عظیم الشّأن آمده است: یکی درباره حضرت ابراهیم علیه‌السلام و دیگری درباره پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله. جالب آن که اُسوه بودن حضرت ابراهیم در برائت از شرک و مشرکان است و اسوه بودن پیامبر اسلام در آیات، مربوط به ایستادگی در برابر دشمن است.

▣ نقش پیامبر در جنگ احزاب، الگوی فرماندهان است: هدایت لشکر، امید دادن، خندق کندن، شعار حماسی دادن، به دشمن نزدیک بودن و استقامت نمودن. حضرت علی علیه‌السلام فرمود: در هنگامه‌ی نبرد، خود را در پناه پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله قرار می‌دادیم و آن حضرت از همه‌ی ما به دشمن نزدیک‌تر بود. «اتّقینا برسول اللّه صلی‌الله‌علیه‌وآله فلم یکن منّا اقرب الی العدوّ منه»[1]

▣ این آیه گرچه در میان آیات جنگ احزاب است؛ امّا الگو بودن پیامبر، اختصاص به مورد جنگ ندارد و پیامبر در همه‌ی زمینه‌ها، بهترین الگو برای مؤمنان است.

پیام‌ها:

۱ـ در الگو بودن پیامبر شک نکنید. ﴿لقد﴾

۲ـ الگو بودن پیامبر، دائمی است. ﴿کان﴾

۳ـ گفتار، رفتار و سکوت معنادار پیامبر حجّت است. ﴿لکم فی رسول اللّه اسوة حسنة﴾

٤ـ معرّفی الگو، یکی از شیوه‌های تربیت است. ﴿لکم ـ اسوة﴾

۵ ـ باید الگوی خوب معرّفی کنیم، تا مردم به سراغ الگوهای بَدَلی نروند. ﴿رسول اللّه اسوة﴾

٦ـ بهترین شیوه‌ی تبلیغ، دعوت عملی است. ﴿اُسوة﴾

---

۱. نهج‌البلاغه، حکمت ۲٦۰.

۷ـ کسانی می‌توانند پیامبر اکرم را الگو قرار دهند که قلبشان سرشار از ایمان و یاد خدا باشد. ﴿لمن کان یرجوا اللّه ...﴾

۸ ـ الگوها هر چه عزیز باشند؛ امّا نباید انسان خدا را فراموش کند. ﴿رسول اللّه اُسوة ـ ذکر اللّه کثیرا﴾

﴿۲۲﴾ وَلَمَّا رَءَا ٱلْمُؤْمِنُونَ ٱلْأَحْزَابَ قَالُواْ هَـٰذَا مَا وَعَدَنَا ٱللَّهُ وَرَسُولُهُ وَ صَدَقَ ٱللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّآ إِيمَاناً وَتَسْلِيماً

و همین که مؤمنان دسته‌ها(ی لشکر دشمن) را دیدند، گفتند: این همان است که خدا و رسولش به ما وعده داده، و خدا و رسولش راست گفتند. و (دیدن لشکر مهاجم) جز بر ایمان و تسلیم آنان نیفزود.

نکته‌ها:

▣ در آیه‌ی ۱۲ خواندیم که منافقان و بیمار دلان وعده‌های پیامبر را فریب نامیدند، ولی در این آیه مؤمنان، این وعده‌ها را واقعی و صادق می‌دانند.

▣ در دو آیه قبل بیان شد که گروهی از افراد سست ایمان آرزو داشتند هنگام حمله‌ی دشمن، در مناطق دور از جبهه بودند، ولی در این آیه می‌فرماید: مؤمنان با دیدن دشمن، به ایمان و تسلیمشان در برابر خدا افزوده می‌شود.

پیام‌ها:

۱ـ ایمان عامل قدرت است. ﴿رءا المؤمنون الاحزاب قالوا...﴾

۲ـ منافقان، دشمنی را که حضور ندارد، حاضر می‌پندارند؛ ﴿یحسبون الاحزاب لم یذهبوا﴾ ولی مؤمنان، دشمنان موجود و مهاجم را ناچیز می‌شمرند. ﴿ولمّا رءا المؤمنون... ـ هذا ما وعدنا اللّه﴾

۳ـ هجوم دشمنان متّحد، برای مؤمن غیر منتظره نیست. ﴿هذا ما وعدنا اللّه﴾

۴ـ سخن رسول خدا، همان سخن خداست. ﴿وعدنا اللّه و رسوله﴾

۵ ـ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله مسلمانان را از وقوع جنگ احزاب باخبر نموده بود. ﴿هذا ما وعدنا اللّه و رسوله﴾

۶ـ مؤمنان، تحقّق وعده‌های خدا و رسولش را حتمی می‌دانند. ﴿وعدنا اللّه و رسوله ـ صدق اللّه و رسوله﴾

۷ـ جبهه و جنگ برای مؤمن، بستر رشد و ترقّی است. ﴿ما زادهم الاّ ایماناً و تسلیماً﴾

۸ ـ مؤمنان، از تعداد و تشکّل دشمنان نمی‌ترسند. ﴿ما زادهم الاّ ایمانا﴾

۹ـ ایمان و تسلیم دارای درجات و مراتبی است. ﴿ما زادهم الاّ ایماناً و تسلیماً﴾

۱۰ـ تحقق یافتن وعده‌های خدا و رسول، بر ایمان مؤمنان می‌افزاید. ﴿و لمّا رءا المؤمنون... ما زادهم الاّ ایماناً و تسلیماً﴾

﴿۲۳﴾ مِنَ ٱلْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُواْ مَا عَاهَدُواْ ٱللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُم مَّن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُم مَّن يَنتَظِرُ وَمَا بَدَّلُواْ تَبْدِيلاً

از میان مؤمنان مردانی هستند که آنچه را با خداوند پیمان بسته بودند صادقانه وفا کردند (و خود را آماده‌ی جهاد نمودند)، برخی از آنان پیمانشان را عمل کردند (و به شهادت رسیدند) و بعضی دیگر در انتظار (شهادت) هستند، و هرگز (عقیده و پیمان خود را) تغییر ندادند.

نکته‌ها:

▣ کلمه‌ی «نحب» دارای معانی زیادی است ولی در این جا به معنای نذر و عهد و پیمانی است که چه بسا انجام آن منجر به مرگ یا خطر بزرگی شود.

▣ در برابر گروهی که خواهان زندگی در رفاه بودند، «یودّوا لو انّهم بادون

فی الاعراب»[1] گروهی در انتظار شهادتند. «و منهم من ینتظر»

▣ امام حسین علیه‌السلام در کربلا هنگام وداع با اصحابش و گاهی بالای سر شهدا این آیه را تلاوت می‌فرمود.[2]

پیام‌ها:

۱ـ همه‌ی اصحاب پیامبر و مؤمنان در یک درجه نیستند. ﴿من المؤمنین﴾

۲ـ نقل کمالات دیگران یکی از راه‌های تربیت است. ﴿من المؤمنین رجال ...﴾

۳ـ دفاع از حقّ تا مرز شهادت، نشانه‌ی صداقت در ایمان است. ﴿صدقوا ما عاهدوا اللّه﴾

٤ـ تعهّد، لازم الاجرا و عمل به آن نشانه صداقت است. ﴿صدقوا ما عاهدوا﴾

۵ ـ بزرگداشت شهدا، پیام ودرسی قرآنی است. ﴿فمنهم من قضی نحبه﴾

٦ـ انتظار شهادت نیز یک ارزش است. ﴿و منهم من ینتظر﴾ آمادگی برای لقای خداوند، از صفات مؤمنان است.

۷ـ باب شهادت باز است. ﴿و منهم من ینتظر﴾

۸ ـ شهادت برخی مؤمنان، عامل عقب نشینی یا دلسردی دیگر مؤمنان نمی‌شود. (مؤمن با این‌که شهادت دوستان و عزیزان خود را می‌بیند، باز خود در انتظار شهادت است) ﴿و منهم من ینتظر﴾

۹ـ مؤمنان واقعی پایبند عهد و پیمان خود با خدا هستند و هیچ چیز حتّی شهادت دوستان و عزیزان، روحیه آنان را تغییر نمی‌دهد. ﴿و ما بدّلوا تبدیلا﴾

۱. احزاب، ۲۰ .
۲. تفسیر کنزالدّقائق.

﴿۲٤﴾ لِيَجْزِيَ ٱللَّهُ ٱلصَّٰدِقِينَ بِصِدْقِهِمْ وَيُعَذِّبَ ٱلْمُنَٰفِقِينَ إِن شَآءَ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ غَفُوراً رَّحِيماً

تا خداوند صادقان را به خاطر صداقتشان پاداش دهد، و منافقان را اگر بخواهد عذاب کند یا (اگر توبه کنند) لطف خود را بر آنان باز گرداند زیرا که خداوند آمرزنده‌ی مهربان است.

نکته‌ها:

▣ کلمه توبه اگر با حرف «الی» بیاید، منظور توبه بندگان به درگاه خداوند است و اگر با «علی» بیاید، منظور توجّه و لطف خداوند به بندگان است. ﴿یتوب علیهم﴾

پیام‌ها:

۱ـ حوادث تلخ و سخت هدفدار است، تا استعدادها شکوفا شود و انسان با کوشش و تلاش به پاداش برسد. ﴿لیجزی﴾

۲ـ با پاداش دادن به راستگویان، دیگران را به صداقت تشویق کنیم. ﴿لیجزی اللّه الصادقین بصدقهم﴾

۳ـ نجات در راستگویی است. ﴿لیجزی ... بصدقهم﴾

٤ـ دریافت پاداش بر اساس صداقت در عمل است. ﴿بصدقهم﴾

۵ ـ بشارت، قبل از انذار است. ﴿لیجزی ـ یعذّب﴾

٦ـ هیچ عملی بدون پاداش نیست. (نه صدق صادقین ونه نفاق منافقین) ﴿لیجزی ـ یعذّب﴾

۷ـ لطف خداوند، از منافقان نیز دورنیست، به شرط آنکه خود بخواهد. ﴿او یتوب علیهم﴾

۸ ـ توبه پذیری خداوند، با لطف او همراه است. ﴿غفوراً رحیما﴾

﴿٢٥﴾ وَرَدَّ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بِغَيْظِهِمْ لَمْ يَنَالُواْ خَيْراً وَكَفَى ٱللَّهُ ٱلْمُؤْمِنِينَ ٱلْقِتَالَ وَكَانَ ٱللَّهُ قَوِيّاً عَزِيزاً

و خداوند کسانی را که کفر ورزیدند با دلی پر از خشم برگرداند، بدون آن که هیچ خیری (پیروزی و غنیمتی) به دست آورند، و خداوند مؤمنان را از جنگ بی نیاز ساخت (و آنان را پیروز کرد)، و خداوند، توانای شکست‌ناپذیر است.

نکته‌ها:

▣ در جنگ احزاب، همین که حضرت علی علیه‌السلام «عَمربن عَبدُوَدّ»، پهلوان نامی عرب را که از خندق گذشت به قتل رساند، آنها حساب کار خود را کرده، بازگشتند.

پیام‌ها:

١ـ از همبستگی دشمنان نهراسیم. ﴿ردّ اللّه الّذین کفروا﴾ با این‌که در جنگ احزاب، سه گروه مشرکان، یهودیان و منافقان علیه مسلمانان متّحد شدند، ولی بدون دست‌یابی به پیروزی و غنائم سرگشته برگشتند.

٢ـ فراز و نشیب جنگ‌ها از تحت اراده الهی خارج نیست. ﴿ردّ اللّه ـ کفی اللّه﴾

٣ـ در جنگ احزاب (خندق)، امدادهای غیبی در کار بود. ﴿ردّ اللّه ـ کفی اللّه﴾

٤ـ گاهی باید از نگاه مخالف سخن گفت. ﴿لم ینالوا خیراً﴾ پیروزی بر اسلام و گرفتن غنایم، از دیدگاه کفّار خیر بود.

٥ ـ هدف جنگ‌های دشمن، رسیدن به پیروزی یا کسب غنائم، کشور گشایی و یا حفظ منافع خود است. ﴿لم ینالوا خیراً﴾ ولی

هدف جنگ‌های اسلامی، ﴿احدی الحسنیین﴾[1] است یعنی: یا انجام وظیفه‌ی دینی و دعوت و ارشاد ناآگاهان و رفع موانع گسترش حقّ و یا رسیدن به شهادت و لقای حق.

٦ـ سرچشمه‌ی عزّت و قدرت مسلمانان، خداست. ﴿کفی اللّه ـ کان اللّه قویّا عزیزا﴾

﴿٢٦﴾ وَأَنزَلَ ٱلَّذِينَ ظَاهَرُوهُم مِّنْ أَهْلِ ٱلْكِتَابِ مِن صَيَاصِيهِمْ وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ ٱلرُّعْبَ فَرِيقاً تَقْتُلُونَ وَتَأْسِرُونَ فَرِيقاً

و خداوند کسانی از اهل کتاب (یهودیان) را که از مشرکان عرب پشتیبانی می‌کردند، از برج و قلعه‌های مرتفعشان پایین کشید و در دل‌های آنان ترس و وحشت افکند، (که در نتیجه شما مسلمانان) گروهی (از آنان) را کشتید و گروهی را اسیر کردید.

﴿٢٧﴾ وَأَوْرَثَكُمْ أَرْضَهُمْ وَ دِيَارَهُمْ وَ أَمْوَالَهُمْ وَ أَرْضاً لَّمْ تَطَئُوهَا وَ كَانَ ٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيراً

و سرزمین آنان وخانه‌ها واموالشان و(نیز) زمینی را که در آن گام ننهاده بودید در اختیار شما گذاشت، و خداوند بر هر کاری تواناست.

نکته‌ها:

▣ «صیاصی» جمع «صیصة» به معنای قلعه‌های محکم است و به هر وسیله‌ی دفاعی مثل شاخ گاو و شاخک‌های پای خروس نیز گفته می‌شود.

▣ این آیه اشاره به غزوه‌ی بنی قریظه دارد یهود بنی قریظه در جنگ احزاب به خیال پیروزی، پیمان خود را با مسلمانان شکستند و در قالب ستون پنجم دشمن به مشرکان مکّه در جنگ احزاب کمک کردند ولی با

---

١. توبه، ٥٢.

رسوایی، شکست خوردند و تسلیم شدند.

▣ در مدینه سه طایفه‌ی یهودی بودند به نام‌های: «بنی قینقاع» «بنی نضیر» و «بنی قریظه» که هر سه با مسلمانان پیمان داشتند. در سال دوم بنی قینقاع پیمان شکنی کرده، با مسلمانان جنگ نمودند و شکست خوردند و از مدینه خارج شده، به سوی شام رفتند. در سال چهارم، بنی نضیر جنگیدند و شکست خوردند و به سوی شام رفتند و خیبر و مدینه را خالی کردند. در سال پنجم بنی قریظه پیمان خود را شکستند و با مشرکان همکاری نمودند که با شکست احزاب دلهره‌ای بر آنان حاکم شد. مسلمانان بعد از پیروزی بر احزاب، قلعه‌های آنان را محاصره کردند و پس از ۲۵ روز آنها را از مدینه بیرون راندند و برای همیشه مدینه از پلید طوایف یهود پیمان شکن پاک شد.[1]

▣ جنگ با بنی قریظه برکاتی داشت از جمله:

الف: آخرین گروه یهود برای همیشه از مدینه خارج شدند.

ب: اموال فراوانی از دشمن نصیب مسلمانان شد.

ج: جایگاه مسلمانان تثبیت و روشن شد که هرکس با آنان پیمان شکنی کند بدبخت می‌شود.

پیام‌ها:

۱ـ از نیروهای نفوذی و ستون پنجم دشمن نباید غافل شد. ﴿**و انزل الّذین ظاهروهم**﴾

۲ـ همزیستی مسالمت‌آمیز با اهل کتاب، تا زمانی است که آنان یاور مخالفان نباشند. ﴿**و انزل الّذین ظاهروهم من اهل الکتاب**﴾

۳ـ پیروزی از جانب خداوند است. ﴿**و انزل**﴾

٤ـ قلعه‌های محکم و بلند دشمن، فتح شدنی است. ﴿**و انزل... من**

۱. تفسیر نمونه.

صیاصیهم﴾

۵ ـ اهل کتاب یهود با آن که با مسلمانان مرز مشترک خداپرستی و ایمان به معاد داشتند ولی به حمایت مشرکان برخاستند. ﴿**ظاهروهم من اهل الکتاب**﴾

٦ـ تنها به دشمنِ رو در رو فکر نکنید، بلکه متوجّه حامیان آنان نیز باشید. ﴿**ظاهروهم**﴾

۷ـ یکی از امدادهای غیبی خداوند در جنگ‌ها، ایجاد رعب در دل دشمنان است. ﴿**قذف فی قلوبهم الرّعب**﴾

۸ ـ روحیّه رزمنده در شکست یا پیروزی جبهه نقش اصلی را دارد. ﴿**فی قلوبهم الرّعب... تقتلون و تأسرون**﴾

﴿۲۸﴾ يَآ أَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ قُل لِّأَزْوَاجِكَ إِن كُنتُنَّ تُرِدْنَ ٱلْحَيَاةَ ٱلدُّنْيَا وَزِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعْكُنَّ وَأُسَرِّحْكُنَّ سَرَاحاً جَمِيلاً

ای پیامبر! به همسرانت بگو: اگر شما زندگی دنیا و زینت (و زرق و برق) آن را می‌خواهید، بیایید تا شما را (با پرداخت مَهرتان) بهره‌مند سازم و به وجهی نیکو (بدون قهر و خشونت) رهایتان کنم.

نکته‌ها:

▣ به دنبال کسب غنایم جنگی به وسیله‌ی مسلمانان، همسران پیامبر اکرم ﷺ به توسعه‌ی زندگی رو آوردند و از آن حضرت وسایل و امکانات رفاهی طلب کردند. رسول خدا با خواسته آنان مخالفت کرد و به مدّت یک ماه از آنان فاصله گرفت تا آیات مورد بحث نازل شد.

پیام‌ها:

۱ـ زندگی رهبر مسلمانان باید ساده باشد. (موقعیّت دینی و اجتماعی، برای انسان وظیفه‌ی خاصّی به وجود می‌آورد.) ﴿**ان**

کنتن تردن الحیاة الدنیا... اُسرحکنّ﴾

۲ـ رهبر مسلمانان نباید تحت تأثیر تقاضاهای نابجای همسرش قرار گیرد. ﴿قل لازواجك﴾

۳ـ رشد درآمد بیت‌المال، نباید توقّع بستگان رهبر را بالا ببرد. ﴿قل لازواجك﴾

٤ـ نه تنها رهبر جامعه اسلامی، بلکه وابستگان او نیز تحت نظر و توجّه مردم قرار دارند. ﴿قل لازواجك﴾

۵ ـ مسئولیّت‌های الهی، فوق مسئولیّت‌های خانوادگی است. (گاهی به خاطر قداست رهبری، باید از مسایل عاطفی و خانوادگی گذشت.) ﴿قل لازواجك﴾

٦ـ زن آزاد است؛ می‌تواند با زندگی ساده و همراه با سعادت بماند و می‌تواند راه دیگری را انتخاب کند. ﴿ان کنتنّ تردن... اسرحکنّ﴾

۷ـ در برابر تقاضای نابجای همسر، نظر قطعی خود را صریح و روشن اعلام کنید. ﴿ان کنتنّ تردن﴾ (با قاطعیّت ولی همراه با مهربانی و عدالت، توقّعات بی‌جا را از بین ببرید.)

۸ ـ هنگام دسترسی به بیت المال و غنائم، با برخورد قاطع با خانواده و نزدیکان جلو توقّع و انتظارات بی مورد دیگران را بگیریم. ﴿ان کنتنّ... فتعالین امتّعکنّ﴾

۹ـ اگر زنی زندگی ساده و سالم را تحمّل نکرد، با رعایت عدالت و انصاف طلاقش دهید و به ادامه‌ی زندگی مجبورش نکنید. ﴿ان کنتنّ... امتعکنّ و اسرّحکنّ﴾

۱۰ـ خطر دنیاگرایی، حتّی خاندان نبوّت را تهدید می‌کند. ﴿ان کنتنّ تردن...﴾

۱۱ـ کامیابی از زر و زیور دنیا حرام نیست، لیکن در شأن خاندان نبوّت نیست. ﴿فتعالین امتّعکنّ﴾

۱۲ـ اگر مجبور به طلاق شدید، راه جدایی را با نیکویی و عدالت طی کنید. ﴿اسرّحکنّ سراحاً جمیلا﴾

﴿۲۹﴾ وَإِن كُنتُنَّ تُرِدْنَ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُ وَٱلدَّارَ ٱلْآخِرَةَ فَإِنَّ ٱللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنكُنَّ أَجْراً عَظِيماً

و اگر خدا و رسولش و سرای آخرت را می‌خواهید، پس (بدانید که) قطعاً خداوند برای نیکوکاران از شما پاداش بزرگی را آماده کرده است.

پیام‌ها:

۱ـ دنیاطلبی و آخرت‌طلبی با هم جمع نمی‌شود. ﴿تردن الحیاة الدنیا... تردن اللّه...﴾ البتّه لذّت بردن و استفاده حلال از نعمت‌ها، منافاتی با آخرت خواهی ندارد.

۲ـ انسان باید میان دلبستگی به دنیای فانی و آخرت باقی، باید یکی را انتخاب کند. ﴿و ان کنتنّ ...﴾

۳ـ قناعت وزهد و ساده زیستی به تنهایی عامل نجات نیست، عمل نیک هم لازم است. ﴿تردن اللّه و رسوله والدّار الآخرة... للمحسنات منکنّ﴾

٤ـ وعده‌های الهی را قطعی بگیریم. ﴿اعدّ﴾

۵ ـ خداوند ساده زیستی را برای خانواده رهبران دینی، امری نیک و حَسَن می‌داند. ﴿اعدّ للمحسنات منکنّ﴾

٦ـ همسر پیامبر بودن کمال نیست، نیکوکار بودن لازم است. ﴿للمحسنات منکنّ﴾

۷ـ همه‌ی زنان پیامبر یکسان نبودند. ﴿للمحسنات منکنّ﴾

۸ ـ کسانی که از دنیای قلیل بگذرند، به اجر عظیم خواهند رسید. ﴿اجراً عظیما﴾

﴿٣٠﴾ يَا نِسَآءَ ٱلنَّبِيِّ مَن يَأْتِ مِنكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبَيِّنَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا ٱلْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ وَكَانَ ذَٰلِكَ عَلَى ٱللَّهِ يَسِيراً

ای همسران پیامبر! هر کس از شما کار زشت (و گناهی) آشکار مرتکب شود، عذابش دو چندان خواهد بود و این (کار) برای خدا آسان است.

نکته‌ها:

▣ آیاتی که با زنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سخن می‌گوید، از طریق مقام رسالت است نه آن که مستقیماً به خود آنان خطاب و وحی شود، بر خلاف حضرت مریم که به خودش خطاب می‌شد. ﴿یا مریم﴾[1]

▣ گناهان دو دسته‌اند: کبیره و صغیره. سرچشمه‌ی این تقسیم آیه مبارکه‌ی ﴿اِن تجتنبوا کبائر ما تنهون عنه نکفّر عنکم سیّئاتکم﴾[2] است، یعنی اگر شما از گناهان بزرگ دوری کنید ما سیّئات و گناهان کوچک شما را می‌بخشیم. لیکن در مواردی گناه صغیره حکم گناه کبیره پیدا می‌کند، نظیر گناه در زمان خاص مانند ماه رمضان که جرم و مجازات آن بیشتر است. یا گناه در مکان خاص، تکرار گناه و اصرار بر آن، گناه همراه با شادی، گناهِ آشکارا و گناهِ افراد برجسته و الگو نظیر همسران پیامبر. به هر حال مسایل جنبی می‌تواند در گناه و کیفر آن اثر بگذارد.

▣ در روایات آمده است که گناه بزرگان، حساب دیگری دارد، حتّی اگر از انبیا یک «ترک اولیٰ» سر زند تنبیه می‌شوند؛ در حدیثی معروف آمده است: «یُغفَر للجاهل سبعون ذنباً قبل أن یُغفَر للعالم ذنبٌ واحد»[3] هفتاد گناه جاهل بخشیده می‌شود، قبل از آن که یک گناه عالم بخشیده شود.

۱. آل‌عمران، ٤٢ ـ ٤٣. ۲. نساء، ٣١.
۳. کافی، ج ۱، ص ٤٧.

پیام‌ها:

۱ـ در کیفر و پاداش، حَسَب و نسب اثری ندارد و هر متخلّفی باید مجازات شود. ﴿یا نساء النبی ...﴾

۲ـ همسری پیامبر، مستلزم عصمت نیست. ﴿من یأت منکنّ بفاحشة﴾ (آری در خانه پیامبر بودن انسان را بیمه نمی‌کند، این مکتب است که انسان را بیمه می‌کند.)

۳ـ حساب خلاف‌های علنی، از گناهان پنهان جداست. ﴿مبیّنه﴾

٤ـ عمل زشت به خودی خود، کیفر به دنبال دارد. ﴿یُضاعف﴾ و نفرمود: «نضاعف»

۵ ـ شدّت و ضعف کیفر و پاداش بر اساس آثار فردی و اجتماعی عمل است. ﴿نساء النبی... ضعفین﴾

٦ـ کسانی که چهره‌ی دینی و اجتماعی دارند و کارشان برای دیگران سرمشق است، اگر گناه کنند، کیفرشان بیش از دیگران است. ﴿نساء النبی... ضعفین﴾

۷ـ خانواده و بستگان مسئولان نظام اسلامی باید بدانند که اگر مرتکب خلافی شدند، نه تنها آزاد نمی‌شوند، بلکه چند برابر دیگران مجازات می‌بینند. ﴿یا نساء النبی... العذاب ضعفین﴾

۸ ـ اگر کیفر بستگان متخلّفِ یک مسئول چند برابر است، کیفر خود مسئولِ متخلّف چه میزان است؟ ﴿نساء النبی... العذاب ضعفین﴾ (قرآن در مورد کیفر تخلّف خود پیامبر می‌فرماید: ﴿لو تقوّل بعض الاقاویل... لقطعنا منه الوتین﴾[1] اگر سخن ناروایی را به ما نسبت دهد، ر های گردن او را قطع می‌کنیم.

۹ـ کیفر متخلّفان بر خداوند آسان است. ﴿علی اللّه یسیر﴾

۱. حاقّه، ٤٤ ـ ٤٦.

﴿۳۱﴾ وَمَن يَقْنُتْ مِنكُنَّ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ وَتَعْمَلْ صَالِحاً نُّؤْتِهَآ أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ وَأَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقاً كَرِيماً

و هر کس از شما نیز که در برابر خدا و رسولش فروتنی کند و عمل صالح انجام دهد، پاداش او را دو بار خواهیم داد و برایش روزی کریمانه و پر ارزشی فراهم کرده‌ایم.

نکته‌ها:

▣ «قنوت» به معنای اطاعت همراه با خضوع و ادب و کرنش است.

▣ شخصی به امام سجّاد علیه السلام عرض کرد: «انّکم اهل بیت مغفورٌ لکم» ـ شما اهل بیت پیامبر، بخشیده شده‌اید. امام علیه السلام خشمگین شد و فرمود: «در مورد ما همان آیاتی جریان دارد که درباره‌ی زنان پیامبر جاری است؛ اگر ما گناه کنیم، مجازاتمان دو برابر و اگر نیکوکار باشیم پاداشمان دو برابر است، آن گاه حضرت این آیه و آیه‌ی قبل را تلاوت فرمود».[1]

▣ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ضربت علی علیه السلام (و از پای در آوردن عمروبن عبدودّ) در روز نبرد خندق، از عبادت جنّ و انس برتر است. «ضربة علیّ یوم الخندق افضل من عبادة الثّقلین»[2]

پیام‌ها:

۱ـ تشویق و تهدید در کنار هم مؤثّر است. ﴿من یأت منکنّ بفاحشة ـ و من یقنت﴾

۲ـ اطاعتی ارزش دارد که بر اساس معرفت و عشق، و همراه با فروتنی باشد. ﴿یقنت... للّه و رسوله﴾

۳ـ هم باید دستورهای خدا را اطاعت کنیم و هم دستورهای رسول خدا را. ﴿یقنت... للّه و رسوله﴾

۱. تفسیر کنزالدّقائق.
۲. الغدیر، ج۷، ص ۲۰۶.

۴ـ انجام یک عمل صالح کافی نیست، استمرار آن لازم است. ﴿تعمل صالحاً﴾

۵ ـ همسر پیامبر بودن کافی نیست، عمل لازم است. ﴿تعمل صالحا﴾

۶ـ کوچکی یا بزرگی عمل مهم نیست، صالح بودن آن شرط است. ﴿صالحاً﴾ نکره آمده است.

۷ـ خداوند برای تشویق ما بندگان، پاداش را به خود نسبت می‌دهد. ﴿نُؤتها ـ اعتدنا﴾

۸ ـ اجر و پاداش بر اساس موقعیّت و آثار فردی و اجتماعی عمل، متفاوت می‌شود. ﴿نُؤتها اجرها مرّتین﴾

﴿۳۲﴾ يَا نِسَآءَ ٱلنَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ ٱلنِّسَآءِ إِنِ ٱتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ ٱلَّذِى فِى قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفاً

ای همسران پیامبر! شما مثل یکی از زنان (عادّی) نیستید. اگر تقوا پیشه‌اید پس به نرمی و کرشمه سخن نگویید تا (مبادا) آن که در دلش بیماری است طمعی پیدا کند، و نیکو و شایسته سخن بگویید.

پیام‌ها:

۱ـ حساب خانواده‌ی رهبران دینی از سایرین جداست و باید بیش از دیگران مراقب رفتار خود باشند. ﴿یا نساء النبی لستن کاحد من النساء﴾ (موقعیّت اجتماعی، محدودیّت آور است.)

۲ـ وقتی به زنان پیامبر که بیشترشان پیر و سالخورده بوده و زندگی ساده‌ای داشتند هشدار داده می‌شود که با کرشمه و ناز سخن نگویند، زنان جوان و زیبا باید حساب کار خود را بکنند. ﴿یا نساء النبیّ ... فلا تخضعن ...﴾

۳ـ با کرشمه سخن گفتن زن، بی تقوایی است. ﴿اِن اتّقیتنّ فلا تخضعن بالقول﴾

٤ـ قرآن برای سخن گفتن نیز آدابی بیان می‌کند. ﴿فلا تخضعن بالقول﴾

۵ ـ تنها طمع بیمار دلان، برای آنکه زن خود را کنترل کند کافی است، گرچه تصمیم جدّی نداشته باشند. ﴿لاتخضعن... فیطمع﴾

٦ـ افراد آلوده، از مقدّسات نیز دست طمع بر نمی‌دارند. ﴿یا نساء النبیّ ... فیطمع الّذی فی قلبه مرض﴾

۷ـ نباید گفتار و رفتار زن تحریک کننده باشد. ﴿فیطمع الّذی فی قلبه مرض﴾

۸ ـ در جامعه‌ی نبوی نیز همه‌ی افراد سالم نیستند. ﴿فیطمع الّذی فی قلبه مرض﴾

۹ـ نباید کاری کنیم که حتّی یک نفر دچار گناه و فساد شود. ﴿الّذی فی قلبه مرض﴾ و نفرمود ﴿الّذین فی قلوبهم﴾

۱۰ـ چشم چرانی و هوسبازی یک بیماری روحی است. ﴿فی قلبه مرض﴾

۱۱ـ گرچه کسی که بیمار دل است مشکل دارد، ﴿فی قلبه مرض﴾ امّا من نباید کاری کنم که او را تحریک کند. ﴿فلا تخضعن... فیطمع﴾

۱۲ـ طوری سخن بگویید که هم محتوا خوب باشد ﴿قولاً معروفا﴾ و هم شیوه، سالم باشد. ﴿فلا تخضعن بالقول﴾

چند اصل مهم در نهی از منکر (با توجه به آیه)

۱. از موقعیّت خانوادگی افراد کمک بگیریم. ﴿یا نساء النّبیّ﴾

۲. از موقعیّت اجتماعی افراد استفاده کنیم. ﴿لَستُنّ کاَحدٍ من النساء﴾

۳. القابی را به کار ببریم که محبوب همه است. ﴿اِن اتّقیتُنّ﴾

۴. از ساده‌ترین کار شروع کنیم. ﴿فلا تخضعن بالقول﴾

۵. از بزرگان و خودی‌ها شروع کنیم. ﴿یا نساء النّبیّ﴾

۶. از سرچشمه‌ی گناهان نهی کنیم. ﴿فلا تَخضعنَ بالقول فیطمع﴾

۷. از رفتارها و انحرافات کوچک غافل نباشیم. ﴿فلا تَخضعنَ بالقول﴾

۸. عوارض و پیامدهای فساد و انحراف را بیان کنیم. ﴿فیطمع الّذی فی قلبه مرض﴾

۹. امر به معروف و نهی از منکر در کنار هم باشد. ﴿فلا تخضعن ـ قلن﴾

۱۰. حتّی برای جلوگیری از یک منکر از یک فرد اقدام کنیم. ﴿فیطمع الّذی﴾ نفرمود: «فیطمع الّذین»

۱۱. با هوس و آرزوی گناه هم باید مبارزه کرد تا چه رسد به خود گناه. ﴿فیطمع﴾

﴿۳۳﴾ وَقَرْنَ فِی بُیُوتِکُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ ٱلْجَاهِلِیَّةِ ٱلْأُوْلَىٰ وَأَقِمْنَ ٱلصَّلاةَ وَآتِیْنَ ٱلزَّکَاةَ وَأَطِعْنَ ٱللهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا یُرِیدُ ٱللهُ لِیُذْهِبَ عَنکُمُ ٱلرِّجْسَ أَهْلَ ٱلْبَیْتِ وَیُطَهِّرَکُمْ تَطْهِیراً

و در خانه‌های خود قرار گیرید و همچون دوران جاهلیّتِ نخستین، با خودآرایی ظاهر نشوید (و زینت‌های خود را آشکار نکنید)، و نماز را بر پا دارید و زکات بدهید، و از خدا و رسولش اطاعت کنید؛ همانا خداوند اراده کرده است که پلیدی (گناه) را از شما اهل بیت (پیامبر) دور کند و کاملاً شما را پاک سازد.

نکته‌ها:

▣ «قَرْنَ» از «وقار» یا «قرار» است، و نتیجه‌ی هر دو معنا یکی است. یعنی برای خودنمایی از خانه‌های خود خارج نشوید.

▣ «تبرّج» از «بُرج» به معنای خودنمایی است، همان گونه که برج در میان ساختمان‌های دیگر جلوه‌ی خاصّی دارد.

▣ جاهلیّتِ اُولی نشان دهنده‌ی ظهور جاهلیّت اُخریٰ است که ما امروز

شاهد آنیم. در حدیث نیز آمده است: «**ستکون الجاهلیّة الاخری**»[1] به زودی جاهلیّت دیگری فرا می‌رسد.

اگر در جاهلیّت آن روز دختر را زنده به گور می‌کردند، امروز با سقط جنین، هم دختر را نابود می‌کنند، هم پسر را.

اگر در جاهلیّت آن روز قتل و آدم کشی وجود داشت، امروز در جنگ‌های بزرگ و جهانی کشتارهای میلیونی انجام می‌گیرد.

جاهلیّت آن روز مدرسه نبود و جنایت انجام می‌گرفت، امروز با وجود هزاران دانشگاه، مهم‌ترین حقوق انسان‌ها پایمال می‌شود.

در جاهلیّت آن روز فساد و زنا جرم بود؛ امّا امروز در مترقّی‌ترین کشورهای جهان همجنس بازی قانونی است.[2]

مطالبی درباره‌ی آیه‌ی تطهیر

﴿اِنَّما یُریدُ اللّهُ لیُذهِبَ عنکُمُ الرِّجسَ اَهلَ البَیتِ وَ یُطهِّرَکُمْ تَطهیراً﴾

* کلمه‌ی «**اِنّما**» نشانه‌ی این است که آیه‌ی شریفه درباره‌ی یک موهبت استثنایی در مورد اهل‌بیت علیهم‌السلام سخن می‌گوید.
* مراد از «**یُرید**»، اراده‌ی تکوینی است، زیرا اراده‌ی تشریعی خداوند، پاکی همه‌ی مردم است نه تنها اهل بیت پیامبر اکرم علیهم‌السلام.
* مراد از «**رجس**» هر گونه ناپاکی ظاهری و باطنی است.[3]
* مراد از «**اهل البیت**» همه‌ی خاندان پیامبر نیست، بلکه برخی افراد آن است که نام آنان در روایات شیعه و سنّی آمده است. این گروه عبارتند از: علیّ و فاطمه و حسن و حسین علیهم‌السلام.

۱. تفسیر نورالثّقلین.
۲. درباره‌ی جاهلیّت معاصر، کتابی به نام «جاهلیّت قرن بیستم» از سیّد قطب و کتاب دیگری به نام «سیمای تمّدن غرب» از سیّد مجتبی موسوی لاری نوشته شده که تاکنون به چند زبان ترجمه شده است.
۳. تفسیر برهان.

سؤال: دلیل این انحصار چیست؟ و چرا این بخش از آیه درباره‌ی زنان پیامبر یا تمام خاندان آن حضرت نیست؟

پاسخ: ۱. روایاتی از خود همسران پیامبر حتّی از عایشه و امّ سلمه نقل شده که آنان از رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله پرسیدند: آیا ما هم جزء اهل بیت هستیم؟ پیامبر فرمود: خیر.

۲. در روایات متعدّدی می‌خوانیم: پیامبر عبایی بر سر این پنج نفر کشید (که یکی از آنان خود حضرت بود) و فرمود: این‌ها اهل بیت من هستند و اجازه‌ی ورود دیگران را نداد.

۳. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله برای این که اختصاص اهل بیت را به پنج نفر ثابت کند، مدّت شش ماه (و به گفته‌ی بعضی روایات هشت یا نه ماه) به هنگام نماز صبح از کنار خانه‌ی فاطمه علیهاالسلام می‌گذشت و می‌فرمود: «**الصّلاة یا اهل البیت انّما یرید اللّه لیذهب عنکم الرّجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا**»

در کتاب احقاق الحق بیش از هفتاد حدیث از منابع معروف اهل سنّت درباره اختصاص آیه شریفه به پنج نفر ذکر شده و در کتاب شواهد التنزیل که از کتب معروف اهل سنّت است بیش از یکصد و سی روایت در همین زمینه آمده است.[1]

به هر حال این آیه شامل زنان پیامبر نمی‌شود زیرا:

آنها گاهی مرتکب گناه می‌شدند. در سوره‌ی تحریم می‌خوانیم: پیامبر رازی را به بعضی از همسرانش فرمودند و او امانت داری نکرد و به دیگری گفت. قرآن این عمل را گناه نامیده، فرمود: **﴿ان تتوبا اِلی اللّه فقد صغت قلوبکما﴾**[2]

عایشه که همسر پیامبر بود، جنگ جمل را علیه حضرت علی علیه‌السلام به راه انداخت و سپس پشیمان شد، با آنکه در این جنگ عدّه بسیاری از

۱. تفاسیر نورالثقلین و نمونه. ۲. تحریم، ٤ .

مسلمانان کشته شدند؟

چند سؤال

۱. آیا «**یطهّرکم**» به معنای آن نیست که اهل بیت علیهم‌السلام آلودگی داشته‌اند و خداوند آنان را تطهیر کرده است؟

پاسخ: شرط تطهیر آلودگی نیست، زیرا قرآن درباره‌ی حوریان بهشتی کلمه «**مطهّرة**» را به کار برده در حالی که هیچ گونه آلودگی ندارند. بـه عـبارت دیگر «**یطهّرکم**» به معنای پاک نگه‌داشتن است نه پاک کردن از آلودگی قبلی.

۲. اگر اهل‌بیت تنها پنج نفرند، چرا این آیه در میان جملاتی قرار گرفته که مربوط به زنان پیامبر است؟

پاسخ: الف: جمله‌ی «**انّما یرید اللّه ...**» به صورت جداگانه نازل شـده ولی هنگام جمع آوری قرآن در این جا قرار گرفته است.

ب: به گفته‌ی تفسیر مجمع البیان، رسم فصیحان و شاعران وادیبان عرب این بوده که در لابلای مطالب معمولی حرف جدید و مهمّی مطرح می‌کنند تا تأثیرش بیشتر باشد. چنانکه در میان اخبار صدا و سیما، اگر گوینده یک مرتبه بگوید: به خبری که هم اکنون به دستم رسید توجّه فرمایید، ایـن گونه سخن گفتن یک شوک روانی و تبلیغاتی ایجاد می‌کند. نظیر این آیه را در آیه‌ی سوّم سوره‌ی مائده خواندیم که مطلب مربوط به ولایت و امامت و کمال دین و تمام نعمت و یأس کفّار و رضای الهی، درکنار احکام مربوط به گوشت خوک و خون، نازل شده و این گونه جا سازی‌ها رمز حفظ قرآن از دستبرد نااهلان است. درست همان گونه که گاهی زنان هنگام خروج از خانه زیور آلات خود را در لابلای پنبه‌های متّکا قرار می‌دهند. با این که طلا و پنبه رابطه‌ای ندارند ولی برای محفوظ ماندن از دستبرد نااهلان این کار انجام می‌گیرد.

ج: در میان سفارش هایی که به زنان پیامبر می‌کند، یک مرتبه می‌فرماید: خدا اراده‌ی مخصوص بر عصمت اهل بیت دارد، یعنی ای زنان پیامبر! شما در خانه‌ای هستید که معصومین علیهم‌السلام هستند و حتماً بـاید تـقوا را بـیشتر مراعات کنید.

د: در مورد اهل‌بیت ضمیر جمع مذکر به کار رفته که نشان غـالب بـودن مردان است، به خلاف جملات مربوط به زنان پیامبر که در آنها از ضمیر جمع مؤنث استفاده شده است. ﴿**بیوتکنّ، اقمن ـ عنکم، یطهّرکم**﴾

▣ گرچه این آیه خطاب به زنان پیامبر است ولی قطعاً مراد همه‌ی زنـان مسلمان هستند که باید به این دستورها عمل کنند.

پیـام‌ها:

۱ـ جایگاه زن یا خانه است یا بیرون خانه بدون خود نمایی. ﴿**قرن ـ لا تبرّجن**﴾

۲ـ ارتجاع و عقب گرد به دوران جاهلی ممنوع است. ﴿**لا تـبرّجن تبرّج الجاهلیّه الاولی**﴾

۳ـ خودنمایی نشانه‌ی تمّدن نیست، نشانه‌ی جاهلیّت است. ﴿**تبرّج الجاهلیّه الاولی**﴾

٤ـ نماز و زکات دو عنصر ناگسستنی و متلازم یکدیگرند. ﴿**الصلاة و... الزکوة**﴾

۵ ـ اطاعت از رسول در کنار اطاعت از خـدا واجب است. ﴿**اَطِعن اللّه**﴾

٦ـ گناه، پلیدی روح است و خاندان نبوّت باید از این پـلیدی دور باشند. ﴿**لیذهب عنکم الرّجس اهل البیت**﴾

﴿۳٤﴾ وَٱذْكُرْنَ مَا يُتْلَىٰ فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ ٱللهِ وَٱلْحِكْمَةِ إِنَّ ٱللهَ كَانَ لَطِيفاً خَبِيراً

و آنچه که از آیات خدا و حکمت در خانه‌هایتان تلاوت می‌شود یاد کنید؛ همانا خداوند (نسبت به شما) دارای لطف و (از کارهای شما) آگاه است.

نکته‌ها:

▣ برای کلمه‌ی «ذکر» دو معنا بیان کرده‌اند: یکی به خاطر سپردن و دیگری به زبان آوردن. بنابراین «واذکرن» یا به این معناست که ای زنان پیامبر! به خاطر داشته باشید و فراموش نکنید که وحی الهی در خانه شما نازل می‌شود و یا به این معناست که آنچه از کتاب خدا در خانه شما تلاوت می‌شود و شما فرا می‌گیرید، برای سایرین بیان کنید.

پیام‌ها:

۱ـ تلاوت قرآن در منزل و تکرار آن توسط اهل خانه، سفارش قرآن است. ﴿واذکرن ما یتلی... من آیات اللّه﴾

۲ـ به جای فرهنگ ابتذال فرهنگ الهی را دنبال کنید. ﴿لا تبرّجن ... واذکرن﴾

۳ـ قرار گرفتن زن در خانه و پرهیز از جلوه‌گری، به معنای عقب ماندن از علم و حکمت نیست. ﴿قرن... لا تبرّجن... و اذکرن... آیات اللّه و الحکمة﴾

٤ـ خانواده‌ی نبوّت در انجام اعمال نیک سزاوارترند ﴿فی بیوتکنّ﴾ (زندگی در خانه‌ی وحی تکلیف آور است).

۵ ـ استقرار زن در خانه، نهی از خودنمایی، انجام نماز و زکات و ذکر آیات، ناشی از لطف خداوند بر زنان و آگاهی از مصالح و مفاسد است. ﴿لطیفاً خبیرا﴾

﴿۳۵﴾إِنَّ ٱلْمُسْلِمِينَ وَٱلْمُسْلِمَاتِ وَٱلْمُؤْمِنِينَ وَٱلْمُؤْمِنَاتِ وَ ٱلْقَانِتِينَ وَ ٱلْقَانِتَاتِ وَٱلصَّادِقِينَ وَٱلصَّادِقَاتِ وَٱلصَّابِرِينَ وَ ٱلصَّابِرَاتِ وَ ٱلْخَاشِعِينَ وَٱلْخَاشِعَاتِ وَٱلْمُتَصَدِّقِينَ وَ ٱلْمُتَصَدِّقَاتِ وَ ٱلصَّآئِمِينَ وَٱلصَّآئِمَاتِ وَٱلْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَ ٱلْحَافِظَاتِ وَ ٱلذَّاكِرِينَ ٱللهَ كَثِيراً وَٱلذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ ٱللهُ لَهُم مَّغْفِرَةً وَ أَجْراً عَظِيماً

همانا مردان مسلمان و زنان مسلمان، و مردان با ایمان و زنان با ایمان، و مردان مطیع خدا و زنان مطیع خدا، و مردان راستگو و زنان راستگو، و مردان شکیبا و زنان شکیبا، و مردان فروتن و زنان فروتن، و مردان انفاق‌گر و زنان انفاق‌گر، و مردان روزه دار و زنان روزه دار، و مردان پاکدامن و زنان پاکدامن، و مردانی که خدا را بسیار یاد می‌کنند و زنانی که بسیار به یاد خدا هستند، خداوند برای (همه‌ی) آنان آمرزش و پاداشی گرانقدر وبزرگ آماده کرده است.

نکته‌ها:

▣ به دنبال دستورهایی که برای همسران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گفته شد، این آیه ده کمال برای عموم زنان و مردان در مسایل اعتقادی، اخلاقی و عملی، بر شمرده است.

▣ زمانی ارزش این آیه روشن می‌شود که به تبعیضاتی که عرب و عجم میان زن و مرد قائل بودند بنگریم و تاریخ دلخراش زن را مطالعه کنیم.

▣ تفاوت میان زن و مرد در جسم است. روح، زن و مرد ندارد و همه‌ی کمالات بشری مربوط به روح اوست نه جسم او. لذا همه کمالاتی که در این آیه آمده، به صورت یکسان میان مرد و زن مطرح شده است.

پیـام‌ها:

۱ـ انسان زمانی کامل می‌شود که همه‌ی کمالات را در خود داشته باشد نه فقط بعضی را. ﴿انّ المسلمین ...﴾

۲ـ نشانه‌ی جامعیّت اسلام آن است کـه کـمال را در هـمه‌ی ابـعاد اعتقادی، اخلاقی، عملی، فردی و اجتماعی انسان مطرح می‌کند. ﴿انّ المسلمین ...﴾

۳ـ با تجلیل از خوبان، دیگران را به انجام خوبی‌ها تشویق کنیم. ﴿انّ المسلمین ...﴾

٤ـ رشد انسان، مرحله‌ای و گام به گام است. (ابتدا اسلام بـا زبـان، سپس ایمان با دل، سپس اطاعت، صداقت، صبر و ... ﴿انّ المسلمین ... المؤمنین ... الصابرین ...﴾

۵ ـ انسان کامل، علاوه بر اقرار به زبان (اسلام) و باور قلبی (ایمان)، باید شکم و شهوت و زبان خود را کنترل کند.

* کنترل شکم با روزه. ﴿الصائمین﴾
* کنترل زبان با صداقت. ﴿الصادقین﴾
* کنترل شهوت با دوری از حرام. ﴿والحافظین فروجهم﴾
* مبارزه با غرور، با داشتن تواضع. ﴿القانتین﴾
* غفلت زدایی با ذکر و یاد خدا. ﴿والذاکرین﴾
* مقاومت در برابر نیش‌ها و نوش‌ها با نیروی صبر. ﴿والصابرین﴾
* غافل نماندن از محرومان با انفاق. ﴿والمتصدّقین﴾

٦ـ اسلام هم به کمیّت توجّه دارد، هم به کیفیّت. (در مورد مـقدار می‌فرماید: ﴿والذاکرین اللّه کثیرا﴾ و در مورد کیفیّت می‌فرماید: ﴿والقانتین﴾ که اطاعت همراه با فروتنی است.)

۷ـ زن، حقّ مالکیّت و بخشش مالی دارد. ﴿المتصدّقین والمتصدّقات﴾

۸ ـ همه‌ی توفیقات خود را از خدا بـدانـیم. (ذکـر خـدا در پـایان

کمالات آمده است.) ﴿و الذاکرین اللّه کثیراً﴾

۹ـ زن و مرد، در رشد کمالات معنوی و انسانی و دریافت پاداش یکسانند. ﴿انّ المسلمین والمسلمات... اعدّ اللّه لهم﴾

۱۰ـ عمل نیک، کلید بخشش الهی است. ﴿اعدّ اللّه لهم مغفرة﴾

۱۱ـ ابتدا بخشش الهی، سپس دریافت پاداش الهی. ﴿مغفرة و اجراً عظیـما﴾

﴿۳٦﴾ وَ مَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَ لَا مُؤْمِنَةٍإِذَا قَضَى ٱللَّهُ وَ رَسُولُهُ أَمْراً أَن يَكُونَ لَهُمُ ٱلْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَ مَن يَعْصِ ٱللَّهَ وَ رَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالاً مُّبِيناً

و هیچ مرد و زن با ایمانی حقّ ندارند هنگامی که خدا و رسولش امری را مقرّر کنند، از سوی خود امر دیگری را اختیار کنند و هر کس خـدا و رسـولش را نـافرمانی نـماید، پس بـدون شک بـه گمراهی آشکاری گرفتار شده است.

نکتـه‌ها:

▣ اگر مسلمانان تسلیم این آیه بودند، پس از آن که پیامبر اکرم ﷺ در غدیر خم به فرمان خداوند علی ؑ را به جانشینی خود و رهبری امّت اسـلام معرّفی کرد و فرمود: «من کنت مولاه فهذا عـلیّ مـولاه» دیگـری را بـر علی ؑ ترجیح نمی‌دادند.

▣ این آیه زمینه ساز آیه‌ی بعد است که بـه پـیامبر مـی‌فرماید: تـو بـاید سنّت‌های غلط را بشکنی و مردم حقّ ندارند در برابر خواست خداوند اعمال سلیقه کنند.

▣ این که آیه‌ی شریفه می‌فرماید: انسان در برابـر فـرمان خـدا و رسـول اختیاری ندارد، نباید برای کسی مایه تعجّب باشد زیرا ایـن کـار، درست مانند این است که پزشک با قاطعیّت به بیمار خود بگوید: تو حقّ نداری

غیر از آنچه من دستور داده‌ام غذا یا داروی مصرف کنی. خداوند نیز ما را از انتخاب آزاد، طبق میل شخصی در برابر فرامین الهی منع کرده است، زیرا او راه سعادت ما را بهتر از ما می‌داند.

در روایت می‌خوانیم که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «**یا عباد اللّه انتم کالمرضیٰ و ربّ العالمین کالطّبیب... اَلا فسلّموا للّه امره تکونوا من الفائزین**»[1] ای بندگان خدا! شما همچون بیمار و خدا مانند طبیب است، مصلحت مریض در نسخه طبیب است نه آنچه بیمار تمایل دارد، پس تسلیم امر خدا باشید تا رستگار شوید.

▣ در نظام حکومت دینی، خدا محوری بر دموکراسی و مردم‌سالاری حاکم است، زیرا نظر مردم مادامی ارزش دارد که مخالفِ حکم خدا نباشد.

پیام‌ها:

١ـ سنّ و سواد و نژاد و قدرت و ثروت و شهرت و قبیله و طرفدار و سازمان‌های بین المللی، هیچکدام سبب ایجاد حقّ در برابر قانون الهی نمی‌شود. ﴿**ما کان لمؤمن ولا مؤمنة**﴾

٢ـ نشانه‌ی ایمان، تعبّد در برابر خدا و رسول است. ﴿**ما کان لمؤمن ولا مؤمنة...**﴾

٣ـ در تسلیم و تعبّد، زن و مرد تفاوتی ندارند. ﴿**لمؤمن ولا مؤمنة**﴾

٤ـ هر کس در برابر قانون خدا و سنّت پیامبر، قانونی بیاورد، در ایمان خود شک کند. ﴿**ما کان لمؤمن ولا مؤمنة**﴾

٥ ـ دستورهای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، همچون دستورهای خداوند واجب الاجراست. ﴿**اذا قضی اللّه و رسوله**﴾

٦ـ خدا و رسول بر امور مردم ولایت کامل دارند. ﴿**قضی اللّه و رسوله امراً**﴾

١. میزان الحکمه، ج ٤، ص ٥٤٥.

٧ـ اجتهاد در برابر نصّ، ممنوع است. (آن جا که حکم الهی روشن است، هیچ کس حقّ اظهار نظر ندارد.) ﴿**ما کان ـ لهم الخیرة**﴾

٨ ـ آزادی انسان در چارچوب قوانین الهی است. ﴿**ما کان ـ لهم الخیرة**﴾

٩ـ عقل باید تابع وحی و سلیقه باید تابع وظیفه باشد. ﴿**ما کان ـ لهم الخیرة**﴾

١٠ـ هر انتخاب و نظریّه‌ای که مخالف قانون و قضاوت خدا و رسول باشد، معصیت و انحراف آشکار است. ﴿**و من یعص اللّه ... ضلالاً مبینا**﴾

﴿٣٧﴾ وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِیٓ أَنْعَمَ ٱللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَ ٱتَّقِ ٱللَّهَ وَتُخْفِی فِی نَفْسِكَ مَا ٱللَّهُ مُبْدِيهِ وَتَخْشَى ٱلنَّاسَ وَٱللَّهُ أَحَقُّ أَن تَخْشَاهُ فَلَمَّا قَضَىٰ زَيْدٌ مِّنْهَا وَطَراً زَوَّجْنَاكَهَا لِكَیْ لَا يَكُونَ عَلَى ٱلْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِیٓ أَزْوَاجِ أَدْعِيَآئِهِمْ إِذَا قَضَوْاْ مِنْهُنَّ وَطَراً وَكَانَ أَمْرُ ٱللَّهِ مَفْعُولاً

و (به یاد آر) زمانی که به (زید بن حارثه،) کسی که خداوند بر او نعمت (اسلام و ایمان) داده بود و تو (نیز) به او نعمت (آزادی) داده بودی می‌گفتی: همسرت را نگاه دار (و او را طلاق نده) و از خدا پروا کن و در دلت چیزی را پنهان می‌داشتی که خداوند آن را آشکار می‌کند و از مردم می‌ترسیدی در حالی که خداوند سزاوارتر است که از او بترسی. پس چون دوران کامیابی زید از همسرش پایان یافت (و از او جدا شد)، ما او را به همسری تو در آوردیم تا در مورد ازدواج مؤمنان با زنان پسر خوانده‌هایشان هنگامی که طلاق گیرند مشکلی نباشد، و فرمان خداوند انجام شدنی است.

نکته‌ها:

▣ «اَدعیاء» جمع «دعی» به معنای پسر خوانده است. «وَطَر» به معنای نیاز و حاجت است.

▣ به گفته‌ی اکثر مفسّران و مورّخان، این آیه مربوط به زید بن حارثه است. او برده‌ای بود که خدیجه به پیامبر اسلام بخشید و حضرت آزادش نمود. قبیله‌ی زید او را از خود راندند و پیامبر زید را فرزند خوانده‌ی خود قرار داد. بعد از ظهور اسلام، زید به آیین محمد صلی الله علیه و آله گروید و از مسلمانان ممتاز و فرمانده لشکر در جنگ موته شد و در همان جنگ به شهادت رسید.

پیامبر از دختر عمّه‌اش زینب ـ که زنی سرشناس و از نوه‌های عبدالمطلب بود ـ برای زید خواستگاری کرد. در آغاز، زینب خیال کرد حضرت او را برای خودش خواستگاری می‌کند. امّا بعد که فهمید برای زید است ناراحت شد، زیرا تا آن زمان هیچ زن آزادی (تا چه رسد به زنان سرشناس) همسر برده نمی‌شد. (گرچه برده‌ای آزاد و پسرخوانده پیامبر و از مسلمانان ممتاز باشد) پس از ازدواج، ناسازگاری بین آنان آغاز شد و زید تصمیم گرفت زینب را طلاق دهد. بارها نزد پیامبر رفت ولی آن حضرت به او می‌فرمود: همسرت را نگاه دار و طلاق نده، «**امسك عليك زوجك**». به هر حال زید او را طلاق داد و دو ضربه‌ی روحی و اجتماعی بر زینب وارد شد، یکی همسر زید شدن که جامعه‌ی آن روز این کار را نمی‌پسندید، دوم طلاق گرفتن.

▣ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به امر خداوند مأمور شد تا دو سنّت جاهلی را بشکند.

الف: گرفتن همسر پسر خوانده که در جاهلیّت مانند گرفتن همسرِ فرزند ناروا بود.

ب: گرفتن همسر برده‌ی خود که این هم در آن زمان، زشت و ناروا بود.

▣ پیامبر اکرم زینب را به ازدواج خود در آورد و به مردم اطعامی داد که برای هیچ یک از همسران دیگرش نداد. چون در این آیه جمله‌ی «**زوّجناکها**» آمده، یعنی ما زینب را به ازدواج تو در آوردیم تا عادات و رسوم جاهلی را با

عمل تو بشکنیم؛ زینب نیز بر سایر همسران پیامبر مباهات می‌کرد که ازدواج شما به خواست پیامبر اکرم بوده ولی ازدواج من به فرمان خداوند متعال بوده است.

▣ **سؤال**: مراد از جمله‌ی «**تُخفی فی نفسك مَا اللّه مُبديه**» که خداوند به پیامبر اکرم می‌فرماید: تو در دل، مسأله‌ای را پنهان داشتی که خدا آن را آشکار می‌کند؛ چیست؟

پاسخ: امام رضا علیه السلام در پاسخ سؤالات مأمون پیرامون عصمت انبیا فرمود: خداوند نام همسران پیامبر را به آن حضرت آموخته بود و در میان آنان نام زینب دختر جحش نیز بود؛ حضرت دید او همسر زید است و چگونه زن زید همسر او خواهد شد؟ این معنا در دل حضرت بود که با حکم خداوند به ازدواج پیامبر با زینب، حکمت آن آشکار شد.[1] بنابراین پیامبر هرگز کاری خلاف عصمت و مقام نبوّت انجام نداده و از قبل علاقه‌ای به هیچ زنی نداشت تا چه رسد به همسر زید، پسرخوانده خود! نعوذ باللّه.

▣ اوامر دوگونه است: مولوی، که باید عمل نمود و ارشادی که عمل کردنش به سود انسان است. در این جا امر پیامبر اکرم، که به زید فرمود: ﴿**امسك عليك زوجك**﴾ همسرت را نگاه‌دار، ارشادی بود وگرنه کسی که خداوند با جمله‌ی ﴿**انعم اللّه عليه**﴾ از او ستایش کرد، خلاف فرمان حضرت عمل نمی‌کرد. در آیه‌ی قبل نیز خواندیم: ﴿**و ما كان لمؤمن ولا مؤمنة اذا قضى اللّه و رسوله امرا ان يكون لهم الخيرة**﴾

▣ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تصمیم و رغبتی برای ازدواج با زینب نداشت، لذا سفارش او به زید، حفظ همسرش بوده نه طلاق او. ﴿**امسك عليك زوجك... زوّجناكها**﴾

▣ با توجّه به دو آیه‌ی بعد که می‌فرماید: مبلّغان واقعی از هیچ کس جز خدا

---

۱. تفاسیر المیزان و نورالثقلین؛ عیون الاخبار، ج ۱، ص ۲۸۱.

نمی‌ترسند، ﴿**ولا یخشون احد۳الاّ اللّه**﴾ مراد از ترس پیامبر در این آیه ﴿**و تخشی الناس**﴾، ترس از جوسازی‌هایی بود که به اهداف حضرت ضربه می‌زد زیرا ممکن بود مردم بگویند: پیامبر با همسر یک برده یا با همسر فرزند خوانده‌اش ازدواج کرده است.

پیام‌ها:

۱ـ انبیا، مرجع رسیدگی به مسایل مردم بودند. (زید بن حارثه بارها طلاق همسرش را به حضرت اعلام کرد ولی پیامبر همواره می‌فرمود: صبر کن.) ﴿**و اذ تقول**﴾

۲ـ خدا و رسول، ولیّ نعمت ما هستند. ﴿**انعم اللّه ـ انعمت**﴾

۳ـ در بیان نعمت‌ها، ابتدا نعمت‌های معنوی و الهی را نام ببرید، سپس نعمت‌های مادّی و دنیوی، ﴿**انعم اللّه علیه**﴾؛ که مراد هدایت زید و اسلام آوردن اوست، ﴿**انعمت علیه**﴾؛ که مراد آزاد کردن زید از بردگی است.

٤ـ اسلام و آزادی دو نعمت بزر است. ﴿**انعم اللّه علیه**﴾؛ (توفیق مسلمان شدن. ﴿**انعمت علیه**﴾؛ (آزاد کردن برده)

۵ ـ اگر خواستید به جای نام، صفتی از کسی ذکر کنید، بهترین صفاتش را نام ببرید. ﴿**لِلّذی انعم اللّه علیه و انعمت علیه**﴾

٦ـ هرگاه همسری نزد شما شکایت کرد فوراً پیشنهاد جدایی ندهید. ﴿**امسك علیك زوجك**﴾ (اسلام طرفدار تحکیم بنیاد خانواده است)

۷ـ در امر به معروف از اهرم عاطفه و تقوا استفاده کنید. ﴿**امسك علیك زوجك اتّق اللّه**﴾

۸ ـ تقوا سبب تحکیم پیوند خانوادگی است. ﴿**امسك علیك زوجك و اتّق اللّه**﴾

۹ـ ولیّ نعمت بودن، ایجاد حقّ امر و نهی می‌کند. ﴿**انعمت علیه**

امسك علیك زوجك﴾

۱۰ـ لازمه‌ی قاطعیّت و صلابت آن است که با افکار فاسد و منحرف، گرچه افکار عمومی باشد مبارزه کنیم. ﴿**و تخشی الناس واللّه احقّ ان تخشاهُ**﴾

۱۱ـ در شکستن عادت‌های غلط اجتماعی، از هیاهوی مردم نترسید. ﴿**تخشی النّاس و اللّه احقّ ان تخشاه**﴾

۱۲ـ در اجرای فرمان خدا منتظر تأیید مجامع بین المللی نباشید. ﴿**تخشی النّاس واللّه احقّ ان تخشاهُ**﴾

۱۳ـ همه‌ی طلاق‌ها و جدایی‌ها دلیل سرکشی و ناشزه بودن زن نیست. (بی علاقگی زن به شوهر نباید دلیل عدم تمکین او باشد.) ﴿**قضی زیدٌ منها وطراً**﴾

۱٤ـ زناشویی از نیازهای مهم انسان است. ﴿**وطراً**﴾ یعنی نیاز مهم واساسی.

۱۵ـ مسائل زناشویی را با کنایه بگویید. ﴿**قضی زیدٌ منها وطراً**﴾

۱٦ـ رهبران دینی جامعه باید در شکستن سنّت‌های باطل پیشقدم باشند. ﴿**لکی لایکون علی المؤمنین حرج**﴾ (هموار کردن راه حقّ برای دیگران یک ارزش است)

۱۷ـ زنان بیوه محترم هستند و ازدواج با آنان کسر شأن نیست. ﴿**زوّجناکها**﴾ خداوند می‌فرماید: این ازدواج را ما مقرّر کردیم.

۱۸ـ پای بندی به آداب و رسوم غیر الهی، زندگی را فلج می‌کند. ﴿**لکی لا یکون علی المؤمنین حَرَج**﴾

۱۹ـ ازدواج با همسر فرزند خوانده بعد از طلاق او جایز است. ﴿**اذا قضوا منهنّ وطراً**﴾ (فرزند خواندگی در اسلام بوده است.)

﴿٣٨﴾ مَا كَانَ عَلَى ٱلنَّبِيِّ مِنْ حَرَجٍ فِيمَا فَرَضَ ٱللَّهُ لَهُ سُنَّةَ ٱللَّهِ فِي ٱلَّذِينَ خَلَوْاْ مِن قَبْلُ وَكَانَ أَمْرُ ٱللَّهِ قَدَراً مَّقْدُوراً

بر پیامبر در (انجام) آنچه خداوند برای او تعیین کرده هیچ سختی و محذوری نیست، چنان که خداوند درباره‌ی انبیای قبلی نیز این سنّت را قرار داده بود (که آداب و رسوم جاهلی و بی‌اساس را بشکنند)، و فرمان خدا همواره سنجیده و اندازه‌گیری شده است.

نکته‌ها:

▣ این آیه به منزله قطعنامه‌ی آیه قبل است که رهبر دینی باید خط شکن باشد و از ملامت‌ها نترسد و منتظر رضایت این و آن نباشد.

▣ امام رضا علیه السلام فرمود: «چون خداوند می‌دانست که منافقان ازدواج پیامبر را با همسر زید که پسرخوانده حضرت بود، دستاویز عیب‌جویی او قرار خواهند داد، این آیه را نازل کرد».[1]

پیام‌ها:

۱ـ پیامبر نباید در انجام فرمان خدا به جوّسازی‌ها و مانع تراشی‌ها اعتنا کند. ﴿ما کان علی النبی ...﴾

۲ـ پیامبر، ممکن است وظایف و دستورهای اختصاصی نیز داشته باشد. ﴿فرض اللّه له﴾

۳ـ همه‌ی انبیا، خط شکن، و با افکار منحرف عمومی درگیر بوده‌اند. ﴿من قبل﴾

٤ـ سنّت خدا در شکستن سنّت‌های غلط است. ﴿سنّة اللّه﴾

۵ ـ فرمان‌های الهی، حساب شده و لازم الاجراست. ﴿امر اللّه قدراً

۱. تفسیر نورالثقلین و عیون الاخبار، ج ۱، ص ۲۰۳.

مقدورا﴾

﴿٣٩﴾ ٱلَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ ٱللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَداً إِلَّا ٱللَّهَ وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ حَسِيباً

کسانی که پیام‌های الهی را ابلاغ می‌کنند و از خدا می‌ترسند، و از هیچ کس جز خدا بیم ندارند، و خداوند برای حسابرسی کافی است.

نکته‌ها:

▣ در این آیه سخن از قاطعیّت و شهامت مبلّغ در ابلاغ دستورهای الهی به مردم است، ولی باید بدانیم که در مواردی مدارا، نرمش و سکوت برای جذب قلوب لازم است.

▣ خشیت غیر از خوف است، خشیت تأثر قلبی است که از عظمتِ امری ناشی می‌شود، ولی خوف انتظار وقوع امر ناپسندی است که موجب پرهیز از آن می‌شود. انبیا هیچ گونه خشیتی از غیر خدا ندارند، زیرا تنها خداوند را بزرگ می‌بینند.

پیام‌ها:

۱ـ موفقیّت در تبلیغ، شرایطی دارد:

الف: تداوم تبلیغ. ﴿یبلّغون﴾

ب: تقوا در عمل. ﴿یخشونه﴾

ج: شهامت و قاطعیّت. ﴿ولا یخشون احداً الا اللّه﴾

د: توکّل به خدا. ﴿وکفی باللّه حسیبا﴾

۲ـ همیشه تبلیغ با سخنرانی نیست، گاهی باید با عمل، حکم خدا را روشن ساخت. (در دو آیه قبل فرمود: زن زید را بگیر تا خرافه‌ای را از میان برداری، آنگاه در این آیه می‌فرماید:) ﴿الّذین یبلّغون رسالات اللّه﴾

٣ـ مبلّغان الهی، همواره دشمنان سرسخت وتهدیدکننده دارند. ﴿لایخشون احداً﴾

٤ـ خدا ترسی مقدّمه‌ی شجاعت و شهامت است. ﴿یخشونه ولا یخشون احداً﴾

٥ ـ مبلّغان الهی بدانند که حساب صبر و تحمّل آنان با خداست. ﴿کفی باللّه حسیبا﴾

﴿٤٠﴾ مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَآ أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَـٰكِن رَّسُولَ ٱللَّهِ وَ خَاتَمَ ٱلنَّبِيِّينَ وَكَانَ ٱللَّهُ بِكُلِّ شَىْءٍ عَلِيماً

محمّد ﷺ، پدر هیچ یک از مردان شما نبوده و نیست، بلکه رسول خدا و خاتم پیامبران است؛ و خداوند به همه چیز آگاه است.

نکته‌ها:

▣ در این آیه هم کلمه «رسول» و هم کلمه «نبیّ» آمده است. «رسول» صاحب کتاب و «نبیّ» خبر دهنده است، یا آنکه «رسول» پیام‌آور و «نبیّ» انجام دهنده رسالت است.[1]

▣ «خاتَم» به معنای نگین انگشتر است که در قدیم با حک کردن نام خود بر روی آن، پایان نامه‌ها و دستورها را با آن مُهر می‌کردند. خاتم و در اینجا کنایه از آخرین پیامبر بودن است.

▣ گرچه در قرآن آیات فراوانی بیانگر جهان شمولی و جاودانگی آیین حضرت محمّد ﷺ است، مانند: ﴿للعالمین نذیرا﴾[2]، ﴿لانذرکم به و من بلغ﴾[3]، ﴿کافّة للناس﴾[4] و در روایات، حدیث متواتر «لا نبیّ بعدی» و حدیث معروف «حلال محمّد حلال ابداً الی یوم القیامة»[5] و ده‌ها حدیث

۱. معجم‌الفروق اللغویة.
۲. فرقان، ۱ .
۳. انعام، ۱۹ .
٤. سبأ، ۲۸ .
٥. کافی، ج ۱، ص ۵۸ .

دیگر بر این مطلب تأکید کرده‌اند، ولی این آیه روشن‌ترین دلیل بر خاتمیّت پیامبر اسلام است.

▣ این آیه تنها آیه‌ای است که هم نام پیامبر و هم رسالت پیامبر را در قالب دو عنوان ذکر کرده است: «محمّد»، «رسول اللّه»، «خاتم النّبیّین»

چند سؤال

۱. چرا پس از اسلام انسان‌ها به پیامبر جدید نیاز ندارند؟

پاسخ: دلیل اصلیِ تجدید نبوّت‌ها و آمدن پیامبران جدید، دو چیز بوده است: یکی تحریف دین سابق، به گونه‌ای که از کتاب خدا و تعالیم پیامبر پیشین امور بسیاری تحریف شده باشد و دیگری تکامل بشر در طول تاریخ که مقتضی نزول قوانین جامع‌تر و کامل‌تر بود.

امّا پس از پیامبر اسلام، این دو امر واقع نشده است. زیرا اوّلاً قرآن، بدون آنکه کلمه‌ای از آن تحریف شود، در میان مردم باقی است و ثانیاً جامع‌ترین و کامل‌ترین قوانین در آن مطرح شده و بر اساس علم خداوند، تا روز قیامت هیچ نیازی برای بشر نیست، مگر آنکه حکمش در اسلام بیان شده است.

۲. چگونه نیازهای متغیّر انسان با خاتمیّت دین سازگار است؟

پاسخ: انسان در مراحل تحصیلی خود تا درجه‌ی اجتهاد و دکتریٰ به استاد نیاز دارد، پس از آن به مرحله‌ای می‌رسد که می‌تواند بدون استاد، نیازهای خود را از مطالبی که آموخته به دست آورد. باب اجتهاد باز است و می‌توان قوانین مورد نیاز را از قواعد کلّی استنباط کرد. البتّه بر اساس اصولی که فقها برای استخراج احکام تدوین نموده‌اند.

۳. چرا رابطه بشر با عالم غیب قطع شد؟

پاسخ: وحی نازل نمی‌شود ولی رابطه با غیب همچنان باقی است، امام

معصوم علیه‌السلام حضور دارد و فرشتگان الهی بر او نازل می‌شوند،[1] امدادهای غیبی به انسان‌های شایسته می‌رسد؛ حتّی افراد عادی اگر متّقی باشند نور الهی پیدا می‌کنند و خداوند راه حقّ را به نحوی به آنان نشان می‌دهد. ﴿اتّقوا اللّه... یجعل لکم نورا﴾[2]

پیام‌ها:

۱ـ پسرخوانده هرگز پسر نیست و پدرخوانده نیز پدر نیست تا ازدواج او با همسر مطلّقه‌ی پسرخوانده‌اش جایز نباشد. ﴿ما کان محمّد أبا أحد و رجالکم﴾

۲ـ حکم مادری همسران پیامبر برای مردم، (که در آیه ٦ مطرح شد) دلیل حکم پدری آن حضرت نیست. ﴿ما کان محمّد أبا أحد...﴾

۳ـ خاتمیّت پیامبر اسلام، بر اساس علم و حکمت الهی است. ﴿خاتم النبیّین ـ اللّه بکلّ شیء علیما﴾

﴿٤١﴾ يَآ أَيُّهَا ٱلَّذِينَ آمَنُواْ ٱذْكُرُواْ ٱللَّهَ ذِكْراً كَثِيراً

﴿٤٢﴾ وَ سَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلاً

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خدا را بسیار یاد کنید.

و او را در هر صبح و شام تسبیح نمایید (و به پاکی بستایید).

نکته‌ها:

▣ یاد خداوند تنها با زبان و گفتار نیست، بلکه در هر فکر، کار و حرکتی رضایت خداوند را در نظر داشتن است.

قرآن برای ذکر خدا آثار و برکاتی بیان کرده و یکی از دلایل نماز را ذکر خدا دانسته است، ﴿اقم الصلاة لذکری﴾[3] یاد خدا تنها وسیله‌ی آرامش

۱. بنگرید به اصول کافی بحث امامت.
۲. حدید، ۲۸. ۳. طه، ١٤.

دل‌هاست. ﴿الا بذکر اللّه تطمئن القلوب﴾[1] و روح آرام و نفس مطمئنّ به پرواز در می‌آید و به حقّ می‌رسد. ﴿یا ایّتها النّفس المطمئنّة . اِرجعی الی ربّك﴾[2] و اعراض از ذکر خدا زندگی نکبت باری را به همراه دارد ﴿و مَن اَعرض عن ذکری فانّ له معیشة ضَنکا﴾[3]

▣ گفته‌اند: تسبیحات حضرت زهرا علیهاالسلام نمونه‌ای از ذکر کثیر است.[4]

▣ رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: هر کس زبان ذاکری داشته باشد، خیر دنیا و آخرت به او عطا شده است. و امام صادق علیه‌السلام فرمود: هر چیزی حدّی دارد جز ذکر خدا.

▣ در حدیث می‌خوانیم: قلب و روح، مثل آهن زنگ می‌زند و ذکر خدا وسیله‌ی روشنی و جلای آن است.

▣ در روایات آمده است: ذکر خدا تنها با زبان نیست، ذکر واقعی آن است که هنگام حلال و حرام یاد خدا کنیم و از گناه دست برداریم.[5]

پیام‌ها:

۱ـ خطاب زیبا و محرمانه، وسیله‌ی جذب مردم و زمینه‌ی پذیرش آنان است. ﴿یا ایّها الّذین آمنوا﴾

۲ـ یاد خداوند، زمانی در انسان مؤثّر است که مستمرّ و بسیار باشد. ﴿اُذکروا اللّه ذکراً کثیرا﴾

۳ـ بهترین ذکر خدا، تسبیح و تنزیه اوست. ﴿اذکروا اللّه... و سبّحوه﴾

٤ـ آغاز و پایان روز را با تسبیح و یاد خدا بگذرانیم. ﴿سبّحوه بُکرةً و اصیلاً﴾

۱. رعد، ۲۸. ۲. فجر، ۲۷ ـ ۲۸.
۳. طه، ١٢٤. ٤. کافی، ج۲، ص ۵۰۰.
۵. میزان الحکمة و سفینةالبحار (ذکر).

﴿٤٣﴾ هُوَ ٱلَّذِی یُصَلِّی عَلَیْكُمْ وَمَلَـٰٓئِكَتُهُۥ لِیُخْرِجَكُم مِّنَ ٱلظُّلُمَاتِ إِلَى ٱلنُّورِ وَكَانَ بِٱلْمُؤْمِنِینَ رَحِیماً

او کسی است که بر شما درود می‌فرستد و فرشتگان او (نیز بر شما درود می‌فرستند) تا شما را از تاریکی‌ها (کفر، شرک، جهل، تفرقه و خرافات) به سوی نور (ایمان، تقوا، علم و وحدت) در آورند و او به مؤمنان مهربان است.

نکته‌ها:

▣ در آیه‌ی قبل فرمود: خدا را بسیار یاد کنید. در این آیه می‌فرماید: خداوند بر شما صلوات می‌فرستد؛ گویا صلوات خدا، ذکر کثیر شماست، مثل آیه‌ی ﴿اُذکرونی اَذکرکم﴾ [1]

پیام‌ها:

١ـ راه دعوت مردم به دین، درود و رحمت است. ﴿یُصلّی علیکم ... لیخرجکم﴾

٢ـ فرشتگان، هم بر مؤمنان درود می‌فرستند، ﴿یصلّی علیکم و ملائکته لیخرجکم﴾ و هم برای آنان استغفار می‌کنند. ﴿و یستغفرون للذین آمنوا﴾ [2]

٣ـ انسان در خارج شدن از ظلمات، به امداد الهی نیاز دارد و عقل و علم بشر کافی نیست. ﴿هو الّذی یصلّی ... لیخرجکم من الظلمات﴾

٤ـ تاریکی‌ها، متعدّد است. ﴿الظلمات﴾ تاریکی جهل، شرک، تفرقه، غفلت و خرافات.

٥ ـ ایمان به خداوند و حقایق الهی، نور راه انسان است. ﴿الی النور و کان بالمؤمنین﴾

١. بقره، ١٥٢. ٢. غافر، ٧.

٦ـ ایمان، کلید دریافت رحمت ویژه الهی است. ﴿بالمؤمنین رحیماً﴾

﴿٤٤﴾ تَحِیَّتُهُمْ یَوْمَ یَلْقَوْنَهُۥ سَلَـٰمٌ وَأَعَدَّ لَهُمْ أَجْراً كَرِیماً

تحیّت آنان در روزی که خدا را ملاقات کنند سلام است؛ و خداوند برای آنان پاداشی نیکو فراهم کرده است.

نکته‌ها:

▣ کلمه‌ی «تحیّت» از «حیات»، به معنای دعا کردن برای سلامتی و حیات دیگران است.

▣ مراد از ﴿یوم یلقونه﴾، «روز ملاقات»، روز رستاخیز است که با کنار رفتن پرده‌ها، انسان به مقام شهود باطنی و دید قلبی می‌رسد، گویا خدا را ملاقات می‌کند. [1]

▣ سلام، هم از طرف خداست. ﴿سلام قولاً من ربّ رحیم﴾ [2]

هم از سوی فرشتگان است. ﴿سلام علیکم بما صبرتم﴾ [3]

هم نشانه‌ی سلامتی است. ﴿ادخلوها بسلام آمنین﴾ [4]

هم سخن رسمی بهشتیان است. ﴿قیلاً سلاماً سلاماً﴾ [5]

پیام‌ها:

١ـ سلام، درودِ بهشتی و بهشتیان است. ﴿تحیّتهم... سلام﴾

٢ـ پاداش‌های الهی، هم بزرگوارانه است، هم بزرگ و گرانقدر. ﴿اجراً کریماً﴾، ﴿اجراً عظیماً﴾ [6]

١. تفسیر نمونه. ٢. یس، ٥٨ .
٣. رعد، ٢٤ . ٤. حجر، ٤٦ .
٥. واقعه، ٢٦ . ٦. نساء، ٤٠.

﴿٤٥﴾ يَآ أَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ إِنَّآ أَرْسَلْنَاكَ شَاهِداً وَمُبَشِّراً وَنَذِيراً

﴿٤٦﴾ وَ دَاعِياً إِلَى ٱللهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجاً مُّنِيراً

ای پیامبر! همانا ما تو را گواه (بر مردم) و بشارت دهنده و بیم‌دهنده فرستادیم. و (نیز) دعوت کننده به سوی خدا به فرمان او و چراغی تابان (قرار دادیم).

نکته‌ها:

▣ در این دو آیه، نقش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جامعه بیان شده است.

او مردم را به سوی خدا دعوت می‌کند و شیوه‌ی او در این دعوت، بشارت و انذار است، امّا نه فقط با زبان، بلکه عمل او نیز حجّت بر مردم و الگویی برای آنان است.

پیام‌ها:

۱ـ باید نقش و مسئولیّت افراد را به آنان و جامعه اعلام کرد. ﴿یا ایّها النبی انّا ارسلناك...﴾

۲ـ در برابر نیش‌ها و آزار دشمن، تجلیل لازم است. ﴿ارسلناك شاهداً و...﴾

(در آیه‌ی بعد می‌خوانیم: ﴿وَدَعْ اَذاهم﴾)

۳ـ پیامبر بر اعمال مردم گواه است. ﴿شاهداً﴾

٤ـ کسی می‌تواند بشارت و هشدار دهد که بر اعمال و رفتار مردم شاهد و در صحنه حاضر باشد. ﴿شاهداً و مبشّراً﴾

۵ ـ در تبلیغ و تربیت، بشارت و انذار هر دو لازم است. ﴿مبشّراً و نذیرا﴾

٦ـ بشارت و انذار، وسیله دعوت انبیاست. ﴿مبشّرا ونذیرا و داعیاً﴾

۷ـ انبیا مردم را به سوی خدا دعوت می‌کنند، نه خود. ﴿داعیاً الی اللّه﴾

۸ ـ انبیا نیز در برابر خداوند از خود استقلالی ندارند و موفقیّت و دعوت آنان با اذن الهی است. ﴿باذنه﴾

۹ـ پیامبر در جامعه، چراغ هدایتی است که نور آن سبب رشد، حرکت و تشخیص است. ﴿سراجاً منیرا﴾

﴿٤٧﴾ وَبَشِّرِ ٱلْمُؤْمِنِينَ بِأَنَّ لَهُم مِّنَ ٱللهِ فَضْلاً كَبِيراً

﴿٤٨﴾ وَلَا تُطِعِ ٱلْكَافِرِينَ وَٱلْمُنَافِقِينَ وَدَعْ أَذَاهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى ٱللهِ وَكَفَىٰ بِٱللهِ وَكِيلاً

و به مؤمنان بشارت ده که برای آنان از سوی خداوند بخششی بزرگ است. و کافران و منافقان را اطاعت مکن، و به آزارشان اعتنا مکن، و بر خدا توکّل نما که خداوند برای وکالت کافی است.

نکته‌ها:

▣ بی‌اعتنایی به آزار و اذیّت دشمنان به معنای سستی و کوتاهی در برخورد با آنان نیست، بلکه به معنای توکّل و امیدواری به رحمت الهی، دلسرد نشدن از برخوردهای آنان است.

▣ پیامبر، از جانب خداوند مأمور می‌شود تا به مؤمنان بشارت دهد که لطف و فضل ویژه او شامل حال آنان می‌شود و این خود بزرگ‌ترین لطف خداست.

▣ این آیه «و بشّر...» مصداق ونمونه آیه‌ی قبل است که فرمود: «مبشّراً».

پیام‌ها:

۱ـ ایمان، شرط دریافت الطاف ویژه‌ی الهی است. ﴿بشّر المؤمنین﴾

۲ـ رهبر باید به مؤمنان بشارت دهد. ﴿بشّر المؤمنین﴾

۳ـ رفتار خدا با مؤمنان بر اساس فضل است. ﴿من اللّه فضلاً﴾ البتّه تفضّلات الهی بر بندگان، درجات و مراتبی دارد. ﴿فضلاً کبیراً﴾

٤ـ کسی که به سرچشمه‌ی قدرتِ حقّ دلگرم شد، می‌تواند از

منحرفان جدا شود. ﴿من اللّه فضلا کبیرا ـ ولا تطع ...﴾

۵ ـ بی اعتنایی به کار شکنی‌های کفّار و منافقان و مقاومت در برابر خواسته‌های آنان، به توکّل نیاز دارد. ﴿لا تطع ـ دَع اَذاهم ـ توکّل﴾

٦ـ کفّار و منافقان در یک خط هستند. ﴿ولا تطع الکافرین و المنافقین﴾

کار هر دو آزار دادن مؤمنان است. ﴿اذاهم﴾

۷ـ در شرایطی، رهبر باید فقط ارشاد کند و به فکر مقابله به مثل و انتقام از مخالفان نباشد. ﴿دَع اَذاهم﴾

۸ ـ به خداوند توکّل کنیم، زیرا او وکیل لایق و با کفایتی است. ﴿و کفی باللّه وکیلا﴾

﴿۴۹﴾ يَآ أَيُّـهَا ٱلَّـذِينَ آمَـنُوٓاْ إِذَا نَكَـحْتُمُ ٱلْـمُؤْمِنَاتِ ثُـمَّ طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِن قَبْلِ أَن تَمَسُّوهُنَّ فَمَا لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِـنْ عِـدَّةٍ تَعْتَدُّونَهَا فَمَتِّعُوهُنَّ وَ سَرِّحُوهُنَّ سَرَاحاً جَمِيلاً

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هرگاه زنان با ایمان را به همسری گرفتید و پیش از آن که با آنان آمیزش کنید طـلاقشان دادیـد، عدّه‌ای برای شما به عهده آنان نیست تا حسابش را نگهدارید، پس آنها را (با پـرداخت مـهریه و هـدیه‌ی مـناسبی) بـهره‌مند سازید و به طرز شایسته‌ای رهایشان کنید.

نکتـه‌ها:

▣ مراد از «نکاح»، عقد ازدواج و مراد از «تماس» آمیزش جنسی و مراد از «سراحاً جمیلاً» طلاق بدون خصومت و خشونت است.

▣ «عِدّة» به مدّتی گویند که زنان پس از طلاق، باید تا پایان آن صبر کنند و همسر دیگری نگیرند. عدّه‌ی طلاق زن، سه مرتبه حیض شدن و پـاک شدن و عدّه‌ی وفات شوهرش چهار ماه و ده روز است.

▣ چند گروه از زنان به عدّه نیاز ندارند: یک گروه کسانی هستند که پس از

عقد، تماس جنسی نداشته‌اند، گروه دیگر، زنان یائسه‌انـد کـه از بـچّه‌دار شدن مأیوس‌اند. (زنان ۵۰ و ۶۰ ساله)

▣ در آیه‌ی ۲۳۶ سوره بقره نیز خواندیم که هدیه مرد به همسر مطلّقه‌ی قبل از آمیزش، باید به قدر معروف و توانایی باشد. ﴿علی الموسع قدره و علی المقتر قدره متاعاً بالمعروف﴾

▣ امام باقر علیه السلام فرمود: این گونه زنان (طلاق داده شده) با وحشت و غصّه و شماتت دیگران به خانه‌ی پدر بر می‌گردند و لذا باید به مقداری که توان دارید، با هدیه دل آنان را آرام کنید. ﴿فمتّعوهن و سرّحوهنّ﴾

پیـام‌ها:

۱ـ لازمه‌ی ایمان، عمل به دستورهای خداوند است. ﴿یا أیّها الّذین آمنوا اذا نکحتم...﴾

۲ـ اختیار طلاق، با مرد است. ﴿طلّقتم﴾ مگر مواردی کـه در شـرع مشخّص شده است.

۳ـ مهم‌ترین شرط ازدواج، ایمان است. ﴿آمنوا... نکحتم المؤمنات﴾

٤ـ طلاق، نشانه‌ی شکست دینی نیست. ﴿المؤمنات ـ طلّقتموهنّ﴾

۵ ـ عدّه، حقّ مرد است تا اگر خواست رجوع کند، امّا در طلاق قبل از تماس، مرد حقّ رجوع ندارد. ﴿فما لکم علیهنّ من عدّة﴾

٦ـ ضربه‌های روحی باید جبران شود. در طلاقِ پس از عقد، روحیهٔ زن خرد می‌شود که با پرداخت مهریه‌ای مناسب، بـخشی از آن جبران می‌شود. ﴿فمتّعوهنّ﴾

۷ـ جدایی و طلاق به معنای کینه و خشـونت نـیست. ﴿سرّحـوهنّ سراحاً جمیلاً﴾

﴿۵۰﴾ يَآ أَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ إِنَّآ أَحْلَلْنَا لَكَ أَزْوَاجَكَ ٱلَّـٰتِى ءَاتَيْتَ أُجُورَهُنَّ وَمَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ مِمَّآ أَفَآءَ ٱللَّهُ عَلَيْكَ وَبَنَاتِ عَمِّكَ وَبَنَاتِ عَمَّـٰتِكَ وَ بَنَاتِ خَالِكَ وَبَنَات خَالَـٰتِكَ ٱلَّـٰتِى هَاجَرْنَ مَعَكَ وَٱمْرَأَةً مُّؤْمِنَةً إِن وَهَبَتْ نَفْسَهَا لِلنَّبِىِّ إِنْ أَرَادَ ٱلنَّبِيُّ أَن يَسْتَنْكِحَهَا خَالِصَةً لَّكَ مِن دُونِ ٱلْمُؤْمِنِينَ قَدْ عَلِمْنَا مَا فَرَضْنَا عَلَيْهِمْ فِىٓ أَزْوَاجِهِمْ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ لِكَيْلَا يَكُونَ عَلَيْكَ حَرَجٌ وَكَانَ ٱللَّهُ غَفُوراً رَّحِيماً

ای پیامبر! ما برای تو همسرانی را که مهرشان را پرداخته‌ای حلال کردیم و همچنین کنیزانی را که (به عنوان غنایم جنگی) خداوند بر تو ارزانی داشته و مالک شدی (بر تو حلال کردیم) و نیز (ازدواج با) دختران عمویت ودختران عمّه‌هایت ودختران دایی ودختران خاله‌هایت را که با تو هجرت کرده‌اند، (برای تو حلال کردیم،) و زن با ایمانی که خود را به پیامبر ببخشد (و مهریّه‌ای از حضرت نخواهد) اگر پیامبر بخواهد می‌تواند او را به عقد خویش درآورد؛ (این قانونِ عقد بدون مهریّه) مخصوص توست نه دیگر مؤمنان؛ همانا می‌دانیم که برای مؤمنان درباره همسران وکنیزانشان چه حکمی کرده‌ایم، (این برای آن است که) تا برای تو مشکلی نباشد، و خداوند آمرزنده‌ی مهربان است.

نکته‌ها:

▣ «أَفَاءَ» از «فِیءْ» به اموالی گفته می‌شود که بدون جنگ به دست مسلمانان می‌رسد. در عرب کلمات «عمّ» و «خال» به صورت جنس به کار می‌رود و همه‌ی عموها و دایی‌ها را شامل شود، ولی «عمّة» و «خالة» به صورت جمع می‌آید. «عمّاتك»، «خالاتك»

▣ در اسلام سه نوع نکاح وجود دارد:

الف: نکاح با مهریّه (خواه دایم یا موقّت).

ب: نکاح از طریق مالک شدن کنیز.

ج: نکاح بدون مهریّه، که زنی خود را به مردی ببخشد.

نوع اوّل و دوم برای عموم است و نوع سوم تنها برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بوده است. روزی عایشه گفت: یا رسول الله! خداوند هوای تو را دارد!

پیامبر فرمود: «و انّكِ ان اطعتِ اللّه سارع فی هواك»[1] تو نیز اگر مطیع خدا باشی، امتیازاتی به تو می‌دهد.

▣ بر پیامبر جهاد یک تنه واجب بود. ﴿لا تكلّف الا نفسك و حرّض المؤمنين﴾[2] بر پیامبر نماز شب واجب بود و ... اکنون یک امتیاز مادّی در برابر آن همه سختی[3] چیزی نیست.

▣ **سؤال:** چرا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله زنان متعدّد داشت؟

پاسخ: اوّلاً: در ازدواج‌های رسول خدا صلی الله علیه و آله مسأله شهوت محور نبوده است، زیرا پیامبر عزیز اسلام از ۲۵ سالگی تا ۵۳ سالگی فقط با خدیجه زندگی کرد، زنی که هنگام ازدواج سنّش پانزده سال از حضرت بیشتر بود و پیامبر تا او را داشت با دیگری ازدواج نکرد.

ثانیاً: تمام قبایل علیه حضرت بودند و پیامبر باید با طرحی دقیق این وحدت نا مقدّس را می‌شکست و بهترین و ساده‌ترین و ارزان‌ترین و طبیعی‌ترین راه این بود که پیامبر داماد قبایل مختلف شود و مردم طبق رسوم آن زمان حمایت داماد را بر خود لازم می‌دانستند و پیامبر بدین وسیله می‌توانست مشکلات راه تبلیغ دین را هموار کند.

ثالثاً: بعضی ازدواج‌ها برای مبارزه با آداب و رسوم غلط بود. نظیر ازدواج پیامبر با زینب دختر عمّه‌اش که در آیه‌ی ۳۷ همین سوره گذشت.

---

۱. بحار، ج۲۲، ص ۱۸۰. ۲. نساء، ۸٤.

۳. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هیچ پیامبری چنان که من اذیّت شده‌ام آزار ندیده است. «ما اوذی نبیّ مثل ما اوذیت»

رابعاً: پیامبر بعضی زنان را تنها عقد نمود و با آنان همبستر نشد و از بعضی قبایل تنها خواستگاری نمود و عقد هم نکرد و همین رفتارها وسیله‌ی ارتباط می‌شد.

خامساً: اگر هدف مسأله‌ی جنسی بود باید از این همه همسر فرزندان بسیاری می‌داشت.

سادساً: عایشه بسیار کوچک بود که به عقد پیامبر درآمد و مدّت‌ها گذشت تا توانست همسر واقعی حضرت باشد. اگر هدف مسایل جنسی باشد انسان با بچّه ازدواج نمی‌کند.

سابعاً: ما نباید پیامبر را با خود مقایسه کنیم؛ ما با داشتن یک همسر از بسیاری توفیقات باز می‌مانیم، ولی پیامبر اکرم با داشتن چند همسر چنان غرق در عرفان و مناجات و تبلیغ بود که خداوند به حضرت خطاب می‌کند: چرا این قدر به خاطر هدایت مردم حرص می‌خوری ﴿لعلّك باخع نفسك﴾[1] چرا خود را به مشقّت می‌اندازی، ﴿لتشق﴾[2] چرا حلال‌هایی را بر خود حرام می‌کنی، «لم تُحرّم ...» آری، نسیم تند معرفت، خیمه‌ی وجودی پیامبر را چنان بلند می‌کرد که این همه زن، نمی‌توانست آن را از پرواز باز دارد.

به هر حال، ازدواج‌های مجدّد پیامبر بعد از سنّ ۵۳ سالگی بوده است، آن هم با زنان بیوه و متروکه یا داغدیده، با تمایل کامل آنان به ازدواج و اجرای عدالت از سوی پیامبر و آموختن درس عملی برای اداره چند همسر و انتخاب زندگی ساده و بی توجّهی به خواسته‌های تجمّل گرایانه‌ی برخی همسران. علاوه بر همه‌ی این‌ها در آن زمان داشتن چند همسر هیچ عیبی نبوده است و گاهی همسر اوّل به خواستگاری همسر دوم می‌رفت و ده‌ها نکته‌ی دیگر که باید در آنها دقّت نمود.

---

۱. شعراء، ۳. ۲. طه، ۲.

پیام‌ها:

۱ـ تعیین حلال و حرام به دست خداست. ﴿انّا احللنا لك﴾ (حتّی پیامبر در مسایل فردی تابع قانون الهی است.)

۲ـ مهریه برای زن لازم و پرداخت آن از سوی مرد واجب است. ﴿آتیت اجورهن﴾

۳ـ غرایز جنسی را جدّی بگیرید، حتّی کنیزان باید کامیاب باشند. ﴿ما ملکت یمینك﴾

٤ـ اسلام برای شخص پیامبر، تکالیف و همچنین امتیازات خاص قرار داده است. ﴿خالصة لك﴾

۵ ـ تعیین زنانی که می‌توان با آنان ازدواج کرد، از سوی خداوند است. ﴿فرضنا علیهم فی ازواجهم﴾

٦ـ خداوند دوست ندارد پیامبر در تنگنا قرار گیرد. ﴿لکیلا یکون علیك حرج﴾

﴿۵۱﴾ تُرْجِی مَن تَشَآءُ مِنْهُنَّ وَتُـْٔوِیٓ إِلَیْكَ مَن تَشَآءُ وَمَنِ ٱبْتَغَیْتَ مِمَّنْ عَزَلْتَ فَلَا جُنَاحَ عَلَیْكَ ذَٰلِكَ أَدْنَىٰٓ أَن تَقَرَّ أَعْیُنُهُنَّ وَلَا یَحْزَنَّ وَ یَرْضَیْنَ بِمَآ آتَیْتَهُنَّ كُلُّهُنَّ وَٱللَّهُ یَعْلَمُ مَا فِی قُلُوبِكُمْ وَكَانَ ٱللَّهُ عَلِیماً حَلِیماً

از همسرانت هر کدام را خواستی می‌توانی (نوبت او را) مؤخّرداری و هر که را خواهی نزد خود جای دهی، و بر تو باکی نیست هر کدام را که (برای مدّتی) ترک کرده‌ای دوباره طلب کنی؛ این (حکم) برای آن که چشمانشان روشن شود و ناراحت نشوند و همه‌ی آنان به آنچه در اختیارشان می‌گذاری راضی باشند مناسب‌تر است، و خداوند آنچه را در دل‌های شماست می‌داند، و خداوند دانا و بردبار است.

نکته‌ها:

▣ کلمه «تُرجی»، از «ارجاء» به معنای تأخیر انداختن و «تُؤی» از «مأویٰ» به معنای مکان دادن است. این دو کلمه کنایه از طلاق و نگهداری یا تأخیر و تقدّم در همبستری است.

▣ اجرای عدالت در میان همسران واجب است، ولیکن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به دلیل مشکلات فراوان و جهاد با دشمنان و تلاش برای جامعه، از طرف خداوند مجاز بود که موعد همسران خود را تغییر دهد، به جای این که هر شب در منزل یکی از آنان باشد، چند شب پیاپی در یک جا بماند، بعد چند شب دیگر منزل دیگری باشد.[1] البتّه بعضی مفسّران این آیه را درباره‌ی اختیار پیامبر در کم و زیاد کردن نفقه همسران یا رد کردن تقاضای زنان هبه‌ای و بعد پذیرفتن آنها و یا طلاق اولیّه و رجوع ثانوی تفسیر کرده‌اند.

پیام‌ها:

١ـ برای افرادی که مسئولیّت‌های سنگین دارند باید اختیاراتی ویژه گذاشت. ﴿ترجی من تشاء﴾ (کسانی که عدالت و تقوا و عملکردشان برای همه روشن است، می‌توانند در همان چهار چوب عدل و تقوا در زندگی خود تغییراتی ایجاد کنند. چنانکه همسران پیامبر صلی الله علیه و آله به موضع و تصمیم عادلانه آن حضرت درباره تأخیر و تقدّم همخوابگی با هریک از آنان اطمینان خاطر داشتند.)

٢ـ اختیارات پیامبر، به معنای نادیده گرفتن حقّ همسران نیست. ﴿تقرّ اعینهنّ ـ لا یحزنّ ـ یرضین﴾

٣ـ چشم همسر به دو چیز روشن می‌شود: یکی نداشتن غم و دیگری رضایت قلبی. ﴿تقرّ اعینهنّ و لایحزنّ و یرضینَ﴾

٤ـ راضی کردن همسر نباید مخصوص روزهای اول زندگی باشد،

١. مستفاد از حدیثی در کافی، ج٥، ص٣٨٨.

بلکه باید همواره چنین باشد. ﴿و یرضین﴾

٥ ـ جلب رضایت صد در صد چند همسر محال است، ولی باید چنان برنامه‌ریزی کرد که به آن نزدیک باشد. ﴿ادنی ان... یرضین﴾

٦ـ مرد باید درصدد راضی کردن تمام همسران خود باشد. ﴿کلّهنّ﴾

٧ـ احکام الهی برای برقراری عدالت و حفظ حقوق خانواده است، گرچه در دلها توقّع چیز دیگری باشد. ﴿واللّه یعلم ما فی قلوبکم﴾

٨ ـ احکام خانواده در اسلام، از سرچشمه‌ی علم الهی است. ﴿کان اللّه علیماً﴾

﴿٥٢﴾ لَا يَحِلُّ لَكَ ٱلنِّسَآءُ مِن بَعْدُ وَلَآ أَن تَبَدَّلَ بِهِنَّ مِنْ أَزْوَاجٍ وَ لَوْ أَعْجَبَكَ حُسْنُهُنَّ إِلَّا مَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ وَ كَانَ ٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ رَّقِيباً

از این پس، هیچ زنی بر تو حلال نیست، و نباید (همسرانت را رها کنی و) همسر دیگری به جای آنان بگیری، هر چند زیبایی آنان تو را به شگفت آورد، مگر کنیزانی که مالک آنها می‌شوی؛ و خداوند بر هر چیزی مراقب است.

نکته‌ها:

▣ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از طرف برخی قبایل تحت فشار بود تا همسری از آنان بگیرد و افتخار کنند که رسول خدا داماد آنهاست. لذا پیامبر طبق مصالحی زنانی را به ازدواج خویش در آورد. امّا این آیه تداوم این کار را منع فرمود.

پیام‌ها:

١ـ در قرآن، احکام ثابت و متغیّر وجود دارد. ﴿لا یحلّ... من بعد﴾ آری، عنصر زمان، می‌تواند در اجرای احکام مؤثّر باشد.

٢ـ تعدّد همسر حتّی برای پیامبر محدودیّت دارد. ﴿لا یحلّ.. من بعد﴾

۳ـ خداوند مراقب کسانی است که به خاطر زیبایی زنی را جایگزین همسر اول خود می‌نمایند. ﴿رقیباً﴾

٤ـ پیامبر موظف است حلال و حرام کار خود را از خداوند بگیرد. ﴿لا یحلّ لك﴾

﴿۵۳﴾ يَآ أَيُّهَا ٱلَّذِينَ آمَنُواْ لَا تَدْخُلُواْ بُيُوتَ ٱلنَّبِيِّ إِلَّآ أَن يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَىٰ طَعَامٍ غَيْرَ نَاظِرِينَ إِنَاهُ وَلَـٰكِنْ إِذَا دُعِيتُمْ فَٱدْخُلُواْ فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَٱنتَشِرُواْ وَلَا مُسْتَـْٔنِسِينَ لِحَدِيثٍ إِنَّ ذَٰلِكُمْ كَانَ يُؤْذِي ٱلنَّبِيَّ فَيَسْتَحْيِۦ مِنكُمْ وَٱللَّهُ لَا يَسْتَحْيِۦ مِنَ ٱلْحَقِّ وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعاً فَسْـَٔلُوهُنَّ مِن وَرَآءِ حِجَابٍ ذَٰلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ وَ مَا كَانَ لَكُمْ أَن تُؤْذُواْ رَسُولَ ٱللَّهِ وَلَآ أَن تَنكِحُوٓاْ أَزْوَاجَهُۥ مِن بَعْدِهِۦٓ أَبَداً إِنَّ ذَٰلِكُمْ كَانَ عِندَ ٱللَّهِ عَظِيماً

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به خانه پیامبر وارد نشوید مگر آن که به شما اجازه داده شود برای خوردن غذا، (به شرط آن که قبل از موعد نیایید) و در انتظار وقت غذا نباشید؛ ولی هرگاه دعوت شدید پس داخل شوید، و وقتی غذا خوردید پراکنده شوید، و (بعد از خوردن غذا) به گفتگو نپردازید؛ همانا این (گفتگوهای پس از غذا) پیامبر را آزار می‌دهد، امّا او از شما شرم می‌کند (و چیزی نمی‌گوید) ولی خداوند از (گفتن) حقّ شرم ندارد. و هرگاه از همسران پیامبر چیزی از وسایل زندگی (به عنوان عاریت) خواستید از پشت پرده بخواهید؛ این رفتار برای دل‌های شما و دل‌های آنان به پاکی و پاکدامنی است و شما حقّ ندارید که رسول خدا را آزار دهید و با همسران او پس از رحلتش ازدواج کنید که این کار نزد خداوند (گناهی) بزرگ است.

نکته‌ها:

▣ اجازه گرفتن برای ورود به خانه‌ی دیگران، مخصوص خانه‌ی پیامبر اکرمﷺ نیست، همان گونه که در سوره‌ی نور می‌خوانیم: ﴿لا تدخلوا بیوتاً غیر بیوتکم حتّی تستأنسوا﴾[1]

▣ در این آیه قسمت‌هایی از آداب مهمانی مطرح شده، و در آیات دیگر بخش‌های دیگری از آن آمده است:

* هنگام ورود، سلام کنید. ﴿فسلّموا﴾[2]

* اگر جواب ردّ دادند ناراحت نشوید و برگردید. ﴿اذا قیل لکم ارجعوا فارجعوا﴾[3]

* نوع پذیرایی به خصوص اگر دعوت کرده‌اید، خوب باشد. ﴿و جاء بعجل حنیذ﴾[4]

* سفره را نزد مهمان ببرید، نه آنکه مهمان را به محل پذیرایی ببرید. ﴿فقرّبه الیهم﴾[5]

در روایات نیز دهها نکته و دستور پیرامون آن وارد شده است.

▣ «اِناه» به معنای پخته شدن غذاست و «غیر ناظرین اناه» یعنی مهمان زودتر از وقت پذیرایی نیاید تا منتظر پخته شدن غذا بماند.

▣ خانه‌ی پیامبر، اتاق‌های متعدّد داشته و هریک از همسران در اتاقی زندگی می‌کردند. ﴿بیوت النبیّ﴾

▣ خطاب‌هایی که در این آیه درباره زنان پیامبر اکرمﷺ آمده است، در حقیقت مربوط به همه‌ی زنان مسلمان است، به دلیل ﴿اطهر لقلوبکم و قلوبهنّ﴾ که خداوند درباره‌ی هر زن و مردی پاکدلی را می‌خواهد.

▣ چون خطر سوء استفاده از همسران پیامبر، مهم‌تر از حقّ شخصی

---

۱. نور، ۲۷ .
۲. نور، ٦۱.
۳. نور، ۲۸.
٤. هود، ٦۹.
۵. ذاریات، ۲۷.

آنهاست، باید بعد از پیامبر حقّ ازدواج با دیگران از آنان سلب شود. ﴿ولا ان تنکحوا ازواجه﴾

پیام‌ها:

۱ـ ایمان، مستلزم رعایت ادب و آداب اجتماعی است. ﴿یا ایها الّذین آمنوا لا تدخلوا...﴾

۲ـ حقّ آرامش در مسکن برای همگان محترم است، خصوصاً برای رسول‌خدا صلی الله علیه و آله. ﴿لا تدخلوا بیوت النبیّ﴾

۳ـ بهتر آن است که مهمانی در منزل باشد. (نه در مهمانسرا و هتل) ﴿بیوت النبیّ... الی طعام﴾

٤ـ صاحب خانه حقّ دارد به کسی اذن ورود ندهد. ﴿الاّ ان یُؤذن لکم﴾

۵ ـ اجازه برای ورود به خانه دیگران، به هر صورت کافی است و لازم نیست خود او شخصاً اجازه بدهد. («یؤذن» به صورت مجهول آمده، یعنی اجازه صاحبخانه از هر طریقی حاصل شود.)

٦ـ پذیرایی از مهمان، از سیره‌ی پیامبر اکرم است. ﴿الی طعام... دُعیتم﴾

۷ـ اصل مهمانی مهم است، نه نوع غذا. ﴿الی طعام... دُعیتم﴾

۸ـ دین جامع آن است که هم برای مسایل جزیی همچون پذیرایی از مهمان و هم بزر ترین مسایل رحکومتی برنامه داشته باشد. ﴿یؤذن لکم ـ غیر ناظرین ـ فانتشروا ...﴾

۹ـ بی دعوت به مهمانی نروید. ﴿اذا دعیتم﴾

۱۰ـ در اسلام، مردم عادّی می‌توانند به خانه اول شخصیّت دینی رفت و آمد کرده و حتّی مهمان شوند. ﴿بیوت النبیّ... دُعیتم﴾

۱۱ـ از آداب مهمانی آن است که بعد از خوردن غذا خانه را ترک

کنید. ﴿فانتشروا﴾ و منزل میزبان را محلّ گفت وشنود قرار ندهید. ﴿و لامستأنسین لحدیث﴾

۱۲ـ اذیّت کردن میزبان ممنوع است. ﴿یُؤذی النبی﴾ (گرچه با بردن فرزندان و یا همراهان باشد. تحقیر غذا وناچیز شمردن آن نیز مصداق اذیّت میزبان است.)

۱۳ـ پیامبر، از اتلاف وقت در گفتگوهای بی‌مورد رنج می‌برد. ﴿لا مستأنسین لحدیث انّ ذلکم کان یُؤذی النّبی﴾

۱٤ـ رنجاندن لازم نیست ظاهری و جسمی باشد، فشار اخلاقی و روحی نیز نوعی آزار دادن است. ﴿ذلکم کان یُؤذی﴾

۱۵ـ صاحبخانه را در بن‌بست و رودربایستی قرار ندهید. ﴿فیستحی منکم﴾

۱٦ـ سکوتی که بر اساس حیا و رودربایستی باشد، علامت رضایت نیست. ﴿فیستحی منکم﴾

۱۷ـ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شخص با حیایی بود. ﴿فیستحی منکم﴾

۱۸ـ اگر به دلیلی شخصی از روی حیا سکوت کرد، دیگران سکوت را بشکنند و حقّ را بیان کنند و بار خجالت را از دوش او بردارند. ﴿واللّه لا یستحی من الحق﴾

۱۹ـ ارتباط با دیگران و داد و ستد زنان، با حفظ حجاب مانعی ندارد. ﴿فاسئلوهنّ من وراء حجاب﴾

۲۰ـ زنان پیامبر محصور نبوده و با بیرون از منزل در ارتباط بودند.[1] ﴿فاسئلوهنّ من وراء حجاب﴾

۲۱ـ در استدلال بر لزوم حجاب زن، دلیلی بیاورید که مورد اتّفاق

۱. شاید امروزه کسانی باشند که اگر یک لیوان آب از همسرشان بخواهی ناراحت می‌شوند که چرا با خانم من سخن گفتید، ولی قرآن می‌فرماید: با حفظ حجاب از زنان پیامبر نیز می‌توان چیزی درخواست نمود.

همه باشد. ﴿ذلکم اطهر لقلوبکم﴾

۲۲ـ در نحوه‌ی ارتباط زنان و مردان، باید محور کارها تقوا و پاکدلی باشد. ﴿اطهر لقلوبکم و قلوبهنّ﴾

۲۳ـ نگاه نامحرمان به یکدیگر، در دل آنان تأثیر گذار است. ﴿فاسئلوهن من وراء حجاب ذلکم اطهر لقلوبکم و قلوبهنّ﴾

ز دست دیده و دل هر دو فریاد
هر آنچه دیده بیند دل کند یاد

۲۴ـ حجاب به نفع زن و مرد هر دو است. ﴿اطهر لقلوبکم و قلوبهنّ﴾

۲۵ـ رابطه با نامحرم بدون حفظ حجاب، سبب رنجاندن رسول اکرم صلی الله علیه و آله است. ﴿و ما کان لکم ان تُؤذوا رسول اللّه﴾

۲۶ـ آزار پیامبر از گناهان کبیره است. ﴿کان عنداللّه عظیما﴾

﴿۵۴﴾ إِن تُبْدُواْ شَيْئاً أَوْ تُخْفُوهُ فَإِنَّ ٱللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيماً

اگر چیزی را آشکار نمایید یا پنهانش کنید پس بی شکّ خداوند به هر چیزی داناست.

پیام‌ها:

۱ـ خداوند، نه تنها به اعمال ما، بلکه به همه چیز آگاه است. ﴿فانّ اللّه کان بکلّ شیء علیما﴾

۲ـ علم خداوند به پنهان و آشکار امور یکسان است. ﴿کان بکلّ شیء علیما﴾

۳ـ اگر بدانیم همه چیز برای او روشن است، ریا و نفاق چرا؟ ﴿بکلّ شیء علیما﴾

۴ـ حفظ حجاب ظاهری و برقرای رابطه‌ی پنهانی، نشانه‌ی بی‌ایمانی به علم خداست. ﴿تبدوا شیئاً او تخفوه فانّ اللّه... علیما﴾

﴿۵۵﴾ لَا جُنَاحَ عَلَيْهِنَّ فِيٓ آبَآئِهِنَّ وَلَآ أَبْنَآئِهِنَّ وَلَآ إِخْوَانِهِنَّ وَلَآ أَبْنَآءِ إِخْوَانِهِنَّ وَلَآ أَبْنَآءِ أَخَوَاتِهِنَّ وَلَا نِسَآئِهِنَّ وَلَا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ وَٱتَّقِينَ ٱللَّهَ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيداً

بر زنان، (نداشتن حجاب) در مورد پدرانشان و پسرانشان و برادرانشان و پسران برادرانشان و پسران خواهرشان و دیگر زنان مسلمان و کنیزانشان گناهی نیست، و تقوای الهی پیشه کنید زیرا خداوند بر هر چیزی گواه است.

نکته‌ها:

▣ این آیه کسانی را که به واسطه‌ی نسبی به زن محرم هستند نام برده، امّا محرمانِ سببی همچون داماد و برادر رضاعی و نیز کودکانی که به سنّ تکلیف نرسیده و مسایل شهوانی را درک نمی‌کنند، بر زنان مَحرم هستند.[1]

▣ گرچه بعضی این آیه را مربوط به زنان پیامبر دانسته‌اند، ولی به نظر می‌رسد که آیه مربوط به تمام زنان باشد.

پیام‌ها:

۱ـ در اسلام سختی و حَرَج نیست، بستگان درجه‌ی اوّل که دایماً در خانواده رفت و آمد می‌کنند، با یکدیگر مَحرمند. ﴿لا جناح ...﴾

۲ـ میان زنان مسلمان، حجاب لازم نیست، ولی نزد زنان غیر مسلمان حجاب لازم است. ﴿نسائهنّ﴾

۳ـ مَحرم بودن، به معنای بی‌مبالاتی و بی‌تقوایی نیست. ﴿لاجناح علیهنّ... واتّقین اللّه﴾

۴ـ گواه بودن خدا بر اعمال انسان، بهترین عامل و اهرم رعایت تقواست. ﴿واتّقین اللّه انّ اللّه کان علی کلّ شیء شهیدا﴾

---

۱. در مورد مسائل حجاب و مَحرم و نامحرم به توضیح المسائل مراجع تقلید مراجعه شود.

﴿٥٦﴾ إِنَّ ٱللَّهَ وَ مَلَآئِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى ٱلنَّبِيِّ يَآ أَيُّهَا ٱلَّذِينَ آمَنُواْ صَلُّواْ عَلَيْهِ وَسَلِّمُواْ تَسْلِيماً

همانا خداوند و فرشتگان او بر پیامبر درود می‌فرستند؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! شما (نیز) بر او درود فرستید و به او سلام کنید سلامی همراه با تسلیم.

نکته‌ها:

▣ در کتاب‌های ششگانه‌ی اهل سنّت روایاتی آمده که از پیامبر اکرم ﷺ پرسیدند: چگونه صلوات بفرستیم؟ فرمود: بگویید: **«اللّهم صلّ علی محمّد و آل محمّد»**

در صحیح بخاری[1] (باب چگونگی صلوات بر پیامبر) وقتی این حدیث را نقل می‌کند، در همان نقل حدیث، کلمه‌ی **«آل محمّد»** را حذف کرده، چنین می‌نویسد: از محمّد «صلّی اللّه علیه و سلّم» پرسیدند: چگونه صلوات بفرستیم؟ فرمود: بگویید: **«اللّهم صلّ علی محمّد و علی آل محمّد»**!؟

▣ در کنار نام پیامبر، ذکر صلوات مهم است. رسول خدا ﷺ فرمود: «هرکه درکتاب ونوشته‌ای بر من صلوات فرستد تا آن صلوات در آن نوشته باقی است، برای او پاداش خواهدبود».[2]

▣ در حدیث می‌خوانیم: «هرکس بر حضرت محمّد ﷺ یک صلوات فرستد، خداوند ده صلوات بر او می‌فرستد و ده لغزش او را می‌پوشاند».[3]

▣ صلوات، کلید استجابت دعا و سبب سنگین شدن میزان مؤمن در قیامت می‌شود.

▣ خداوند در قرآن به پیامبرش می‌فرماید: به زکات دهندگان صلوات فرست، **﴿خذ من اموالهم صدقة... صلّ علیهم﴾**[4]، در این آیه به مردم

۱. صحیح بخاری، حدیث ۵۸۸۰.
۲. تفسیر روح‌البیان.
۳. تفسیر مجمع البیان.
٤. توبه، ۱۰۳.

سفارش می‌کند که بر پیامبر صلوات فرستاده شود. آری، در اسلام رابطه مردم و رهبر، رابطه صلوات ودرود است همان‌گونه که در آیه ۵۴ سوره انعام خدا به پیامبرش دستور می‌دهد به کسانی که به ملاقاتت می‌آیند سلام کن. **﴿اذا جاءك الّذین یؤمنون بآیاتنا فقل سلام علیکم﴾**

▣ امام صادق علیه السلام فرمود: «درود خداوند به معنای رحمت، درود ملائکه به معنای به پاکی یاد کردن و درود مردم به معنای دعاست».[1]

پیام‌ها:

۱ـ هرگاه خواستید دیگران را به کار خیری دعوت کنید، اوّل خود و دست اندرکاران شروع کنید. (خداوند برای فرمان صلوات به مردم، اوّل از صلوات خود و فرشتگان نام می‌برد.) **﴿انّ اللّه و ملائکته یصلّون﴾**

۲ـ صلوات خدا و فرشتگان دایمی است. **﴿یصلّون﴾**

۳ـ صلوات بر پیامبر، لازمه ایمان و از وظائف مؤمنان است. **﴿یا ایّها الّذین آمنوا صلّوا﴾**

٤ـ درود لفظی کافی نیست، تسلیم عملی نیز لازم است. **﴿صلّوا علیه و سلّموا﴾**

۵ ـ رابطه‌ی مردم و رهبر در حکومت الهی، صلوات و سلام است. (علاقه‌ی قلبی کافی نیست، اظهار علاقه لازم است.) **﴿صلّوا علیه و سلّموا﴾**

۱. تفسیر نورالثقلین.

﴿٥٧﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ يُؤْذُونَ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ ٱللَّهُ فِي ٱلدُّنْيَا وَٱلْآخِرَةِ وَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَاباً مُّهِيناً

همانا کسانی که خدا و رسولش را آزار می‌دهند، خداوند در دنیا و آخرت آنان را لعنت می‌کند، و برای آنان عذاب خوار کننده‌ای آماده کرده است.

نکته‌ها:

▣ آزار خداوند، یعنی انجام کاری بر خلاف خواست و رضای او که به جای جلب رحمت الهی، غضب و لعنت خداوند را به دنبال دارد.

▣ شاید مراد از اذیّت خدا، اذیّت بندگان خدا باشد، نظیر قرض دادن به بنده که قرض دادن به خداست، و مراد از اذیّت کردن پیامبر ﷺ تکذیب و تهمت و برخورد بی‌ادبانه با آن حضرت و اذیّت کردن اهل بیت اوست، همان گونه که در چند روایت آمده است که پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «**فاطمة بضعة منّی فمن اغضبها اغضبنی**»[1] فاطمه پاره‌ی تن من است، هر که او را خشمگین سازد مرا به خشم آورده است.

پیام‌ها:

۱ـ بنده‌ی مخلص به جایی می‌رسد که رنجاندن او، رنجاندن خدا می‌شود. ﴿**یؤذون اللّه و رسوله**﴾

۲ـ بخشی از کیفر توهین و تحقیر و آزار و اذیّتِ اهل ایمان، در همین دنیا ظاهر می‌شود. ﴿**لعنهم اللّه فی الدنیا**﴾

۳ـ چون هدف ایذا کننده اهانت است، کیفر او نیز اهانت در آخرت است. ﴿**عذاباً مهینا**﴾

۱. صحیح بخاری، ج ٥، ص ٢٦ و صحیح مسلم، ج ٤، ص ١٩٠٣.

﴿٥٨﴾ وَٱلَّذِينَ يُؤْذُونَ ٱلْمُؤْمِنِينَ وَٱلْمُؤْمِنَاتِ بِغَيْرِ مَا ٱكْتَسَبُواْ فَقَدِ ٱحْتَمَلُواْ بُهْتَاناً وَإِثْماً مُّبِيناً

و کسانی که مردان و زنان با ایمان را بدون آن که کاری کرده باشند آزار می‌دهند بدون شکّ بهتان و گناه روشنی را بر دوش کشیده‌اند.

نکته‌ها:

▣ در ضررهای جسمی، قصاص و مقابله به مثل جایز است، ﴿**والعین بالعین و الانف بالانف و الأذن بالأذن و السّن بالسّن**﴾[1] ولی در ضربه‌های روحی و آبرویی دستور مقابله به مثل نداریم. قرآن نمی‌فرماید که اگر کسی به شما تهمت زد، شما هم به او بهتان بزنید، بلکه به گناهکار هشدار می‌دهد و در صورت لزوم به دستور حاکم شرع حدّ می‌خورد.

▣ شاید بتوان از جمله ﴿**بغیر ما اکتسبوا**﴾ استفاده کرد که آزارِ مسلمان خلافکار در چهار چوب قانون الهی مانعی ندارد.

پیام‌ها:

۱ـ اصرار بر گناه به زشتی و کیفر آن می‌افزاید. («**یُؤذون**» نشانه استمرار و اصرار بر اذیّت است.)

۲ـ آبروی زن و مرد مؤمن، محترم و لطمه زدن به آن گناه بزرگی است. (حفظ آبرو به زن یا مرد بودن ربطی ندارد.) ﴿**المؤمنین والمؤمنات**﴾

۳ـ گناهی تنبیه دارد که انسان با علم و عمد مرتکب شود. ﴿**اکتسبوا**﴾

٤ـ گناه، بار انسان را سنگین می‌کند. ﴿**احتملوا**﴾

٥ ـ مهم‌ترین اذیّت، زخم زبان و تهمت است. ﴿**یُؤذون ـ بهتاناً**﴾

٦ـ آزار و اذیّت دیگران به هر شکلی که باشد، از جمله گناهانی

۱. مائده، ٤٥.

است که خشم الهی را بدنبال دارد. ﴿یُؤذون... اثماً مبیناً﴾

﴿۵۹﴾ يَآ أَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ قُل لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَآءِ ٱلْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِن جَلَابِيبِهِنَّ ذَٰلِكَ أَدْنَىٰ أَن يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ ٱللَّهُ غَفُوراً رَّحِيماً

ای پیامبر! به همسران و دخترانت و زنان مؤمنان بگو: روسری‌های بلند بر خود بیفکنند، این (عمل) مناسب‌تر است، تا (به عفّت و پاکدامنی) شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند، و خداوند آمرزنده مهربان است.

نکته‌ها:

▣ «جلابیب» جمع «جِلباب»، به معنای مقنعه‌ای است که سر و گردن را بپوشاند،[1] و یا پارچه بلندی که تمام بدن و سر و گردن را می‌پوشاند.[2]

▣ در آیات گذشته سخن از اذیّت و آزار مؤمنان به دست منافقان بود. این آیه می‌فرماید: برای آنکه زنان مؤمن مورد آزار افراد هرزه قرار نگیرند، به گونه‌ای خود را بپوشانند که زمینه‌ای برای بی‌حرمتی آنان فراهم نشود.

▣ بر اساس این آیه، نوعی روسری مورد استفاده‌ی زنان آن زمان بوده، لیکن زنان در پوشاندن خود از نامحرم دقّت نمی‌کرده‌اند. لذا سفارش این آیه، نزدیک کردن جِلباب به خود است، نه اصل جلباب که امری مرسوم بوده است.

▣ این آیه که فرمان حجاب می‌دهد، با تهدید مطرح نشده بلکه فلسفه‌ی حجاب را چنین تبین می‌کند: زنان و دختران، اگر بخواهند از متلک‌ها، تهمت‌ها، تهاجم‌ها و تهدیدهای افراد آلوده و هرزه در امان باشند باید خود را بپوشانند.

۱. تفسیر مجمع‌البیان. ۲. تفسیر المیزان.

آفات بی‌حجابی

۱. رونق گرفتن چشم چرانی و هوسبازی.
۲. توسعه‌ی فساد و فحشا.
۳. سوء قصد و تجاوز به عنف.
۴. بارداری‌های نامشروع و سقط جنین.
۵. پیدایش امراض روانی و مقاربتی.
۶. خودکشی و فرار از خانه در اثر آبروریزی.
۷. بی مهری مردان چشم چران نسبت به همسران خود.
۸. بالا رفتن آمار طلاق و تضعیف روابط خانوادگی.
۹. رقابت در تجمّلات.
۱۰. ایجاد دلهره برای خانواده‌های پاکدامن.

پیام‌ها:

۱ـ در امر به معروف، اوّل از خودی‌ها شروع کنیم سپس دیگران. ﴿قل لازواجك و بناتك و نساء المؤمنين﴾

۲ـ در احکام الهی، تفاوتی میان همسران و دختران پیامبر با دیگر زنان نیست. ﴿لازواجك و بناتك و نساء المؤمنين﴾

۳ـ پوشیدن لباسی که معرّف شخصیّت زن برای تأمین عفّت و آبرو باشد، لازم است. ﴿يعرفن فلا يؤذين﴾

٤ـ بهانه به دست بیماردلان و مزاحمان عفّت عمومی ندهید. (در آیات قبل هشدار به اذیّت کنندگان بود، در این آیه تکلیف اذیّت شوندگان را مطرح می‌کند.) ﴿يعرفن فلا يؤذين﴾

۵ ـ رفت و آمد زنان در خارج از منزل، با حفظ عفّت عمومی مانعی ندارد. ﴿يعرفن فلا يؤذين﴾

٦ـ در امر به معروف و نهی از منکر، دلیل امر و نهی خود را بیان کنید.

﴿فلا يُؤْذين﴾

۷ـ نوع لباس مردم در جامعه، می‌تواند معرّف شخصیّت، مکتب و هدف آنها باشد. ﴿یعرفن فلا یؤذین﴾

۸ ـ سرچشمه‌ی بسیاری از مزاحمت‌های هوسبازان نسبت به زنان و دختران، نوع لباس خود آنهاست. ﴿یعرفن فلا یُؤذین﴾

۹ـ زنان با حجاب باید با حضور خود در صحنه، جوّ عمومیِ عفاف و پاکدامنی را حفظ کنند و فرصت مانور را از هوسبازان بگیرند. ﴿یعرفن فلا یؤذین﴾

۱۰ـ بد حجابی‌های گذشته قابل عفو است. ﴿غفوراً رحیماً﴾

۱۱ـ مغفرت خداوند همراه با رحمت اوست. ﴿کان اللّه غفوراً رحیماً﴾

﴿۶۰﴾ لَئِن لَّمْ يَنتَهِ ٱلْمُنَافِقُونَ وَٱلَّذِينَ فِى قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَ ٱلْمُرْجِفُونَ فِى ٱلْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَآ إِلَّا قَلِيلاً

اگر منافقان و کسانی که در دل‌هایشان بیماری است و آنان که در مدینه شایعه پراکنی می‌کنند (از کارشان) دست بر ندارند، حتماً تو را بر ضّد آنان می‌شورانیم، آنگاه جز مدّت کوتاهی نمی‌توانند در کنار تو در این شهر بمانند.

نکته‌ها:

▣ «مُرجفون» از «اِرجاف»، به کسانی گفته می‌شود که با شایعه‌سازی، در جامعه اسلامی دلهره ایجاد می‌کنند.

کسانی که به جبهه نمی‌رفتند، امّا در شهر شایعه می‌کردند که مسلمانان شکست خوردند و کفّار پیروز شدند یا پیامبر اسلام شهید شد، آنان با این اقدام زشت سبب نگرانی مردم می‌شدند.

▣ «لنُغرینّك» از «اِغراء» به معنای چسباندن، کنایه از تسلّط همه جانبه است.

▣ این آیه را اگر در ادامه آیه قبل ببینیم، مراد آن است که منافقان و بیماردلان مدینه مزاحم زنان مؤمن بودند که خداوند در آیه قبل به زنان دستور پوشش کامل داد و در این آیه به این بیماردلان هشدار می‌دهد و ممکن است این آیه مستقل باشد، و مراد این باشد که با توطئه‌گرانی که با جنگ سرد و شایعه‌سازی، ایجاد دلهره می‌کنند برخورد کرده و آنها را قلع و قمع نمایید.

▣ با آن که تندترین تهدیدها در این آیه آمده و جامعه‌ی اسلامی همواره بزرگ‌ترین ضربه‌ها را از شایعه سازان خورده است، امّا متأسفانه در کتب فقهی کمتر به این موضوع توجّه شده و حتّی یکی از مجتهدان که سال‌ها قاضی بود می‌گفت: من ۵۴ کتاب فقهی را گشتم و تحت عنوان «اِرجاف» بابی را نیافتم.

▣ جمله‌ی آخر این آیه «لنغرینّك بهم ثمّ لا یجاورونك ...» را دوگونه می‌توان معنا کرد:

الف: چنان تو را بر آنان می‌شورانیم که همگی قلع و قمع شوند و جز مدّت کمی نتوانند در کنار تو بمانند.

ب: چنان آنان را تار و مار می‌کنیم که جز تعداد کمی از آنان در مجاورت تو باقی نمانند.

پیام‌ها:

۱ـ قبل از برخورد با متخلّفان، اتمام حجّت کنید. ﴿لئن لم ینته... لنغرینّك﴾

۲ـ سعه‌ی صدر حدّ و اندازه دارد. ﴿لئن لم ینته المنافقون﴾ همیشه تساهل و تسامح جوابگو نیست.

۳ـ بیمار دلان در کنار منافقانند. ﴿المنافقون ـ الّذین فی قلوبهم مرض﴾

٤ـ قیام مسلمانان، بر اساس انتقام یا هوس نیست، بلکه با اراده و فرمان خداست. ﴿لنغرینّك﴾

۵ ـ امّت وفادار باید در رهبر ذوب شود و یکی شوند. ﴿لنغرینّك﴾ به جای «لنغرینّکم»

٦ـ اوّل کسی‌که باید در برابر به مخاطره اندازان امنیّت جامعه قیام کند، رهبر اسلامی است. ﴿لنغرینّك بهم﴾

۷ـ اسلام چنان به امنیّت جامعه اهمیّت می‌دهد که فرمانِ اخراج کسانی را که در میان مردم دلهره و ناامنی ایجاد می‌کنند، صادر نموده است. ﴿لَنُغرینّك بهم ثمّ لا یجاورونك﴾

۸ ـ دشمنان را باید از شورش و اقدام انقلابی مسلمانان ترساند. ﴿لَنُغرینّك بهم ثمّ لا یجاورونك﴾

﴿٦١﴾ مَلْعُونِينَ أَيْنَمَا ثُقِفُوٓاْ أُخِذُواْ وَقُتِّلُواْ تَقْتِيلاً

﴿٦٢﴾ سُنَّةَ ٱللَّهِ فِى ٱلَّذِينَ خَلَوْاْ مِن قَبْلُ وَ لَن تَجِدَ لِسُنَّةِ ٱللَّهِ تَبْدِيلاً

آنان لعنت شدگانند، هر کجا یافت شوند باید دستگیر شده و به سختی کشته شوند. این سنّت خداوند درباره‌ی کسانی است که پیش از این بوده‌اند (و این فتنه انگیزی‌ها و دلهره‌ها را در جامعه به وجود می‌آوردند) و هرگز برای سنّت خداوند تغییری نخواهی یافت.

نکته‌ها:

▣ «ثُقِفوا» از «ثِقافة» به معنای دست یافتن و چیره شدنِ دقیق و ماهرانه است، لذا به علم و فرهنگ، ثقافة گفته می‌شود.

▣ بعضی مفسّران تمام این سخت‌گیری‌ها را در مورد اذیّت کننده مؤمن که در آیات قبل بود می‌دانند، ولی به نظر می‌رسد این همه تهدید و اعلام مهدورالدم بودن برای کسانی است که قصد اخلال در امنیّت جامعه و شکست نظام را دارند، نه تنها مزاحمان ناموس مردم.

پیام‌ها:

۱ـ «مر بر منافق» یک شعار قرآنی است. ﴿المنافقون... ملعونین﴾

۲ـ اجرای حکم خدا در مورد فتنه انگیزانِ حقّ ستیز، به زمان و مکان و مرز محدود نیست. ﴿اینما ثقفوا اُخذوا﴾

۳ـ برای فتنه انگیزان و اخلالگران امنیّت جامعه، هیچ جایی نباید محل امن باشد. ﴿اینما ثقفوا اُخذوا﴾

٤ـ فرار فتنه انگیزان، نباید مانع برخورد شما شود. ﴿اینما ثقفوا اُخذوا﴾

۵ ـ در دستگیری دشمنان، همه مردم باید بسیج شوند. ﴿اینما ثقفوا اُخذوا﴾

٦ـ آنان که امنیّت مردم را به هم می‌زنند، امنیّت جانی ندارند. ﴿اُخذوا و قتّلوا﴾

۷ـ گاهی باید توطئه‌ی شوم دشمن را که در قالب جنگ سرد است با جنگ گرم پاسخ داد. ﴿مرجفون ـ قُتّلوا﴾

۸ ـ کسانی که از ایجاد فتنه و دلهره دست بر نمی‌دارند، باید با شدّت و ذلّت کشته شوند. ﴿قتّلوا تقتیلا﴾

۹ ـ جهاد علیه فتنه‌گران، یک سنّت الهی در همه‌ی ادیان بوده است. ﴿سنّة اللّه﴾

۱۰ـ در شیوه‌ی تبلیغ، احکام سخت و سنگین را با سابقه‌ی آن در طول تاریخ گره بزنید. ﴿کتب علیکم الصیام کما کتب علی الّذین من

قبلكم﴾[1]، ﴿و كايّن من نبيّ قاتل معه...﴾[2]، ﴿قتّلوا تقتيلا سنّة اللّه ... من قبل﴾

۱۱ـ مقام انسانیّت و ارزش امنیّت در همه‌ی ادیان الهی به قدری است که سخت‌ترین مجازات‌ها در مورد کسانی که از این راه به جامعه ضربه می‌زنند اعمال می‌شود. ﴿قتّلوا ـ سنّة اللّه ... من قبل﴾

۱۲ـ قانون اعدامِ فتنه‌انگیزان و اخلال‌گران، تبدیل‌ناپذیر است. ﴿ولن تجد لسنّة اللّه تبديلا﴾

﴿٦٣﴾ يَسْئَلُكَ ٱلنَّاسُ عَنِ ٱلسَّاعَةِ قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِندَ ٱللَّهِ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ ٱلسَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيباً

مردم پیوسته از زمان وقوع قیامت از تو می‌پرسند، بگو: علم آن تنها نزد خداست و تو چه می‌دانی؟ شاید قیامت نزدیک باشد.

نکته‌ها:

▣ انگیزه‌های سؤال متعدّد است:

* گاهی سؤال، برای آزمایش کردن است. مانند سؤالات امتحانی.
* گاهی سؤال، از روی استهزاست. مانند پرسش قدرتمند متکبّر از ضعیف.
* گاهی سؤال، از روی تعجّب است. مانند پرسش انسان ترسو از انسان شجاع.
* گاهی سؤال، برای به بن بست کشاندن است. مانند پرسش بازپرس از مجرم.
* گاهی سؤال، برای به انحراف کشیدن است. مانند پرسش استاد منحرف از شاگرد.
* گاهی سؤال، برای ایجاد شک در دیگران است. مانند پرسش منحرفان.

۱. بقره، ۱۸۳ . ۲. آل عمران، ۱٤٦ .

* گاهی سؤال، برای رفع نگرانی است. پرسش مادر از فرزند.
* گاهی سؤال، برای دانستن است. مانند پرسش جاهل از عالم.
* گاهی سؤال، برای توبیخ است. مانند پرسش معلم از دلیل تنبلی شاگرد.

در این آیه نیز، سؤال از زمان قیامت می‌تواند انگیزه‌های متفاوتی داشته باشد.

▣ کلمه «قریب» برای مذکّر ومؤنّث بکار می‌رود.«لعلّ الساعة تكون قريبا» و نفرمود: «قريبة»، نظیر جمله ﴿انّ رحمت اللّه قريب من المحسنين﴾[1]

▣ پایان آیه نوعی دلجویی از پیامبر است که از بهانه‌های کفّار خسته مباش که به زودی به حسابشان رسیدگی می‌شود. ﴿تكون قريبا﴾

پیام‌ها:

۱ـ با این که خداوند انبیا را از غیب آگاه می‌کند، ﴿لا يظهر على غيبه احداً الاّ مَن ارتضى من رسول﴾[2] لیکن آگاهی انبیا نیز محدود است. ﴿علمها عند اللّه﴾

۲ـ نه لازم است همه چیز را بدانیم و نه لازم است به هر سؤالی پاسخ دهیم. ﴿علمها عند اللّه﴾

۳ـ ندانستن زمان وقوع قیامت، به ایمان و یقین به اصل آن، ضرری نمی‌زند. ﴿علمها عند اللّه﴾

٤ـ برخی علوم مخصوص خداست. ﴿علمها عند اللّه﴾

۵ ـ هر ندانستنی عیب نیست. ﴿و ما يدريك﴾ (بلکه اگر زمان وقوع قیامت را بدانیم تعادل خود را از دست می‌دهیم.)

٦ـ در تربیت باید افراد را میان بیم و امید نگاه داشت. ﴿لعلّ﴾

۷ـ برای وقوع قیامت هر لحظه باید آماده باشیم. ﴿لعلّ السّاعة تكون قريبا﴾

۱. اعراف، ٥٦ . ۲. جن، ٢٦ ـ ٢٧ .

﴿۷۰﴾ يَآ أَيُّهَا ٱلَّذِينَ آمَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللهَ وَقُولُواْ قَوْلاً سَدِيداً

﴿۷۱﴾ يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَمَن يُطِعِ ٱللهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزاً عَظِيماً

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! تقوای الهی پیشه کنید و سخن (حقّ و) استوار گویید. تا خداوند کارهای شما را اصلاح کند و گناهانتان را بیامرزد؛ و هر کس خدا و رسولش را اطاعت کند، بدون شکّ به رستگاری بزرگی دست یافته است.

نکته‌ها:

▣ «قول سدید» سخنی است که در آن سستی و لغو و دروغ و نفاق نباشد. سخنی که همچون سدّی محکم، جلو شکّ و شبهه و فساد را بگیرد.

پیام‌ها:

۱ـ لازمه‌ی ایمان، داشتن تقواست، ﴿یا ایّها الّذین آمنوا اتّقوا اللّه﴾ و لازمه‌ی تقوا سخن استوار است. ﴿اتّقوا اللّه و قولوا قولا سدیداً﴾

۲ـ انسان مؤمن شایستگی تقوا و قول سدید را دارد. ﴿الّذین آمنوا ـ اتّقوا ـ قولوا﴾

۳ـ نشانه‌ی ایمان، هم ظاهری است، ﴿قولا سدیداً﴾ و هم باطنی. ﴿اتّقوا اللّه﴾

٤ـ سخن سدید تنها به الفاظ آن نیست، بلکه به محتوای آن است، در واقع این فکر و اندیشه است که باید محکم و استوار باشد. ﴿قولوا قولاً سدیداً﴾

۵ ـ هر شنیده‌ای قابل بازگو کردن نیست. ﴿قولاً سدیداً﴾

٦ـ اگر انسان در رفتار و کردار تقوا را مراعات کند، باقی مسائل را خداوند حل می‌کند. ﴿یصلح لکم اعمالکم و یغفر لکم﴾ (نظیر آیه ۳۱ سوره نساء که می‌فرماید: ﴿اِن تجتنبوا کبائر ما تُنهون عنه نکفّر عنکم سیّئاتکم﴾، اگر از گناهان بزرگی که از آن نهی می‌شوید دوری کنید، گناهان کوچک شما را می‌پوشانیم.)

۷ـ کلید رستگاری، پیروی از خدا و رسول است. ﴿و مَن یطع اللّه و رسوله فقد فاز فوزاً عظیماً﴾

﴿۷۲﴾ إِنَّا عَرَضْنَا ٱلْأَمَانَةَ عَلَى ٱلسَّمَٰوَاتِ وَٱلْأَرْضِ وَٱلْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَن يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا ٱلْإِنسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُوماً جَهُولاً

همانا ما امانت (الهی) را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه کردیم، پس، از حمل آن سر باز زدند و از آن ترسیدند، ولی انسان آن را بر دوش گرفت، امّا او بس ستمکار و نادان است.

نکته‌ها:

▣ در حدیث می‌خوانیم: هنگامی که وقت نماز فرا می‌رسید، لرزه بر اندام حضرت علی علیه‌السلام می‌افتاد و می‌فرمود: وقت نماز است، نماز همان امانت الهی است که کوه‌ها و آسمان‌ها از تحمّل آن سرباز زدند.[1] در زیارت جامعه کبیره خطاب به اهل بیت علیهم‌السلام می‌خوانیم: «انتم الامانة المحفوظة» شما آن امانت حفظ شده هستید.

▣ بین حمل و تحمیل فرق است. انسان امانت الهی را پذیرفت و آن را حمل کرد، نه آنکه بر او تحمیل شده باشد.

▣ شاید این آیه واقعیّت‌هایی را در مورد انسان بیان می‌کند که هنوز عقل بشر به آن نرسیده است. امّا آنچه از ظواهر آیه فهمیده می‌شود این است که خداوند ویژگی‌ها و امتیازات خاصّی به بشر داده که هیچ یک از موجودات

۱. تفسیر نورالثقلین.

در آسمان و زمین آن را ندارند و این امتیازات امانت الهی است و برای انسان مسئولیّت‌آور است، امّا بسیاری از انسان‌ها در این امانت خیانت کرده و از آن در مسیر خلاف خواست خداوند بهره می‌برند.

عقل و اراده که باید در مسیر شناخت حقّ و انتخاب آن به کار رود تا مایه‌ی رشد و کمال بشر شود، راههای باطل به کار گرفته شده و منجر به گسترش ظلم و ستم گشته است، تا آنجا که رفتار بشر جاهلانه و نابخردانه شمرده می‌شود.

پیام‌ها:

۱ـ انسان، برتر از آسمان‌ها و زمین است. انسان، امین خدا در هستی است. ﴿**انّا عرضنا الامانة علی السموات و الارض... فابین ... و حملها الانسان**﴾

۲ـ هستی شعور دارد. ﴿**عرضنا الامانة علی السموات و الارض و...**﴾

۳ـ نعمت‌های الهی به انسان (عقل، اراده، فطرت، هدایت پیامبران و...) امانت الهی است. در امانت خیانت نکنیم که از بزرگ‌ترین ظلم‌ها است. ﴿**انّا عرضنا الامانة... ظلوماً**﴾

٤ـ آنچه انسان پذیرفت ولی آسمان و زمین نپذیرفتند، چیزی غیر از قنوت و تسبیح و سجده بود، زیرا تسبیح و قنوت را زمین و آسمان‌ها به راحتی پذیرفته‌اند. ﴿**و اِن من شیء الا یسبّح بحمده**﴾[1]، ﴿**کلّ له قانتون**﴾[2]

۱. اسراء، ٤٤. ۲. روم، ۲٦.

﴿۷۳﴾ لِيُعَذِّبَ ٱللَّهُ ٱلْمُنَافِقِينَ وَ ٱلْمُنَافِقَاتِ وَ ٱلْمُشْرِكِينَ وَ ٱلْمُشْرِكَاتِ وَ يَتُوبَ ٱللَّهُ عَلَى ٱلْمُؤْمِنِينَ وَ ٱلْمُؤْمِنَاتِ وَكَانَ ٱللَّهُ غَفُوراً رَّحِيماً

تا خداوند مردان و زنان منافق و مردان و زنان مشرک را (به علّت ضایع کردن امانت) عذاب کند، و لطف خود را بر مردان و زنان با ایمان برگرداند (و توبه‌ی آنان را بپذیرد) که خداوند آمرزنده‌ی مهربان است.

نکته‌ها:

▣ توبه خداوند بر بندگان، به معنای برخوردار کردن آنان از عنایت‌های ویژه است که با حرف «عَلیٰ» می‌آید، «**یتوب اللّه علی**» و توبه بندگان، بازگشتن به سوی خدا و روکردن به سوی اوست که همراه با «اِلیٰ» می‌آید.

پیام‌ها:

۱ـ امانت الهی مسئولیّت‌آور است. آنکه امانت را حفظ کند، مشمول رحمت و آنکه با کفر و شرک، خیانت کند، کیفر می‌بیند. ﴿**لیعذّب اللّه المنافقین... و یتوب اللّه علی المؤمنین**﴾

۲ـ منافق، در ردیف مشرک است. ﴿**المنافقین... المشرکین**﴾

۳ـ زن و مرد در صعود به کمالات یا سقوط در پستی‌ها، یکسانند. ﴿**المنافقین و المنافقات، المشرکین و المشرکات، المؤمنین و المؤمنات**﴾

٤ـ گرچه خداوند مشرکان و منافقان را کیفر می‌دهد، امّا اصل در برخورد او با انسان‌ها، مغفرت و رحمت است. ﴿**لیعذّب اللّه المنافقین... کان اللّه غفوراً رحیما**﴾

«**و الحمد للّه ربّ العالمین**»

پرسشنامه

۱ـ اولین فرمان الهی در سوره احزاب چیست؟

الف) لا تطع الکافرین　　ب) اتّق اللّه

ج) اقیموا الصلاة　　د) یا ایّها النبیّ

۲ـ آیه «النبیّ اولی بالمؤمنین...» در چه زمانی نازل شد؟

الف) در غدیر خم　　ب) در آستانه جنگ تبوک

ج) در آستانه جنگ بدر　　د) در حجة الوداع

۳ـ اولویت داشتن پیامبر اکرم بر مؤمنان چگونه است؟

الف) اولویت در مسائل حکومتی

ب) اولویت در مسائل فردی و تمام امور

ج) برتر از ولایت مردم بر خودشان　　د) هر سه مورد

۴ـ پیامبران اولوا العزم و صاحب شریعت در کدام آیه نامبرده شده‌اند؟

الف) ۵　　ب) ٦　　ج) ۷　　د) ب و ج

۵ ـ با توجه به آیه ۸، لازمه تفکیک‌ناپذیر ایمان کدام است؟

الف) عمل صالح　　ب) عمل خالصانه

ج) نماز　　د) صداقت

۶ـ کدام گزینه صحیح نیست؟

الف) معوّق = بازدارنده　　ب) بأس = سختی، میدان جهاد

ج) شحّ = بخل همراه حرص　　د) حداد = آهنگر

۷ـ کدام یک از انواع برادری در قرآن ذکر نشده است؟

الف) برادری دینی　　ب) برادری سیاسی و حزبی

ج) برادری رفتاری به واسطه پیروی　　د) برادرخواندگی

۸ ـ عامل تباهی و نابودی اعمال در آیه «فاحبط اللّه اعمالهم» چیست؟

الف) نفاق　　ب) شرک

ج) فرار از جنگ　　د) ترس و بخل

۹ـ خداوند در قرآن کریم چه کسی را اسوه معرفی کرده است؟

الف) پیامبر اسلام　　ب) پیامبر اسلام و حضرت ابراهیم

ج) تمام پیامبران　　د) صالحان و نیکوکاران

۱۰ـ آیه‌ای که امام حسین هنگام وداع اصحاب و بر بالین شهدا می‌خواند؟

الف) ۲۳　　ب) ۲٤　　ج) ۲۰　　د) ۲۱

۱۱ـ کدام گزینه درباره آیه ۲۳ صحیح نیست؟

الف) از راههای تربیت، نقل کمالات دیگران است

ب) بزرگداشت شهدا، پیام قرآن است

ج) انتظار شهادت مهمتر از شهادت است

د) عمل به تعهدات نشانه صداقت است

۱۲ـ مصداق تحقق و نزول آیه «ردّ اللّه الذین کفروا بغیظهم» کدام است؟

الف) شکست در جنگ احزاب

ب) کشته شدن عمرو توسط امام علی

ج) کندن خندق و ناکامی در هجوم به مدینه

د) ترس و رعب و یاری فرشتگان

۱۳ـ در چه موردی گناه صغیره در حکم گناه کبیره است؟

الف) گناه در زمان و مکان خاص

ب) تکرار و اصرار بر گناه

ج) گناه افراد برجسته و الگو　　د) هر سه مورد

۱۴ـ در آیه ۳۲ کدام گزینه درخواست خداوند از زنان پیامبر است؟

الف) پرهیز از خودآرایی　　ب) اقامه نماز و پرداخت زکات

ج) اطاعت از خدا و رسول　　د) هر سه مورد

۱۵ـ کدام گزینه درباره آیه ۳۲ صحیح نیست؟

الف) با ناز و کرشمه سخن گفتن زن بی تقوایی است

ب) چشم چرانی و هوسبازی، بیماری روحی است

ج) در جامعه نبوی همه افراد سالم هستند

د) نباید گفتار و رفتار زنان تحریک کننده باشد

۱۶ـ کدام گزینه درباه آیه تطهیر صحیح است؟

الف) مراد اراده تشریعی خداوند است

ب) اهلبیت همه خاندان پیامبرند

ج) شامل زنان پیامبر نمی‌باشد　　د) مراد ۱۲ امام است

۱۷ـ پیامبر اکرم رابطه انسان را با خدا به چه تشبیه کردند؟

الف) بیمار و طبیب　　ب) فقیر و غنی

ج) بنده و مالک　　د) ربّ و مربوب

۱۸ـ کدام گزینه در مورد پیامبر اکرم در آیه ۴۰ آمده است؟

الف) رسول اللّه　　ب) محمّد

ج) خاتم النبیین　　د) هر سه مورد

۱۹ـ خاتمیت دین چگونه با نیازهای متغیر انسان سازگار است؟

الف) وجود قرآن و روایات　　ب) امامان و نوّاب آنان

ج) باز بودن باب اجتهاد و استنباط　　د) جامعیت اسلام

۲۰ـ نمونه ذکر کثیر در آیه «واذکروااللّه ذکراً کثیراً» کدام است؟

الف) قرآن و نماز　　ب) تسبیحات حضرت زهرا

ج) یاد خدا با زبان و رفتار　　د) طواف در حج

۲۱ـ مهم‌ترین شرط ازدواج در آیه ۴۹ کدام است؟

الف) خانواده　　ب) والدین　　ج) ایمان　　د) هم کفو بودن

۲۲ـ آداب میهمانی و پذیرایی ذیل کدام آیه بیان شده است؟

الف) ۵۰　　ب) ۵۱　　ج) ۵۲　　د) ۵۳

۲۳ـ آیه ۵۵ به کدام یک از محارم انسان اشاره دارد؟

الف) داماد و برادر رضاعی　　ب) محارم نسبی

ج) محارم سببی　　د) کودکانی غیر مکلّف

۲۴ـ هر کس در کتاب و نوشته‌ای بر پیامبر صلوات بفرستد....؟

الف) در پاداش هر خواننده‌ای شریک است

ب) فرشتگان تا قیامت برایش درود می‌فرستند

ج) تا آن نوشته باقی است پاداش دارد

د) تا اثر آن باقی است فرشتگان برایش دعا می‌کنند

۲۵ـ کدام گزینه فرمان خداوند به پیامبر است؟

الف) به زکات دهندگان صلوات بفرست

ب) به کسانی که به ملاقاتت می‌آیند سلام کن

ج) مردم باید به تو صلوات بفرستند　　د) الف و ب

۲۶ـ مجازات اذیت و برخورد بی ادبانه با پیامبر اکرم کدام است؟

الف) لعنهم فی الدنیا و الآخرة　　ب) اعدّ لهم عذابا مهینا

ج) لعنة الله و الملائکة و الناس　　د) الف و ب

۲۷ـ دستور حجاب و چگونگی پوشش در کدام آیه آمده است؟

الف) ٥٦　　ب) ٥٧　　ج) ٥٨　　د) ٥٩

۲۸ـ کدام آیه حکم برخورد با شایعه سازان و متخلفان اجتماعی است؟

الف) ٥٧ تا ٦٠　　ب) ٦٠ تا ٦٢　　ج) ٦٢ تا ٦٤　　د) ٥٧ تا ٦٤

۲۹ـ خداوند در مورد چه کسانی فرمود: «فقد فاز فوزاً عظیماً»؟

الف) اطاعت کنندگان از خدا و رسول　　ب) مؤمنان به مبدأ و معاد

ج) شهدای در راه خدا　　د) ملاقات کنندگان خداوند

۳۰ـ امام علی (ع) امانت الهی عرضه شده به انسان را چه می‌داند؟

الف) نماز　　ب) اهلبیت　　ج) محبت پیامبر　　د) دین اسلام

پاسخـنامه سوره احزاب

لطفاً مشخصات خود را کامل و خوانا وارد نمایید.

نام: ..... نام خانوادگی: .....

نام پدر: ..... شماره شناسنامه: .....

تحصیلات: ..... تلفن: .....

نشانی : ....

لطفاً در این قسمت چیزی ننویسید: P

*	الف	ب	ج	د		*	الف	ب	ج	د
۱						۱۶				
۲						۱۷				
۳						۱۸				
۴						۱۹				
۵						۲۰				
۶						۲۱				
۷						۲۲				
۸						۲۳				
۹						۲۴				
۱۰						۲۵				
۱۱						۲۶				
۱۲						۲۷				
۱۳						۲۸				
۱۴						۲۹				
۱۵						۳۰				

سؤال تشریحی:

۱ـ پنج اصل مهم در نهی از منکر را بیان کنید؟

۲ـ مراد از اهلبیت در آیه تطهیر چیست؟ (با ذکر دو دلیل)

۱ـاولین فرمان الهی در اولین آیه سوره احزاب چیست؟

الف) لا تطع الکافرین　　ب) اتّق اللّه ×

ج) اقیموا الصلاة　　د) یا ایّها النبیّ

۳ـآیه «النبیّ اولی بالمؤمنین...» در چه زمانی نازل شد؟

الف) در غدیر خم　　ب) در آستانه جنگ تبوک ×

ج) در آستانه جنگ بدر　　د) در حجة الوداع

٤ـاولویت داشتن پیامبر اکرم بر مؤمنان چگونه است؟

الف) اولویت در مسائل حکومتی　　ب) اولویت در مسائل فردی و تمام امور

ج) برتر از ولایت مردم بر خودشان　　د) هر سه مورد ×

٥ ـ پیامبران الوالعزم و صاحب شریعت در کدام آیه نامبرده شده‌اند؟

الف) ٥　　ب) ٦

ج) ٧ ×　　د) ب و ج

٦ـ با توجه به آیه ۸، لازمه تفکیک‌ناپذیر ایمان کدام است؟

الف) عمل صالح　　ب) عمل خالصانه

ج) نماز　　د) صداقت ×

۷ـکدام گزینه صحیح نیست؟ ٢٤

الف) معوق = بازدارنده　　ب) بأس = سختی، میدان جهاد

ج) شحّ = بخل همراه حرص　　د) حداد = آهنگر ×

۸ ـکدامیک از انواع برادری در قرآن ذکر نشده است؟ ۲۵

الف) برادری دینی　　ب) برادری سیاسی و حزبی

ج) برادری رفتاری به واسطه پیروی　　د) هیچکدام ×

۹ـعامل تباهی و نابودی اعمال «فاحبط الله اعمالهم» چیست؟

الف) نفاق×　　ب) شرک

ج) فرار از جنگ　　د) ترس و بخل

۱۰ـخداوند در قرآن کریم کدام را اسوه می‌داند؟

الف) پیامبر اسلام　　ب) پیامبر اسلام و حضرت ابراهیم ×

ج) تمام پیامبران　　د) صالحان و نیکوکاران

۱۱ـآیه‌ای که امام حسین (ع) هنگام وداع اصحاب و بر شهدا می‌خواندند؟

الف) ۲۳　　ب) ٢٤　　ج) ۲۰　　د) ۲۱

۱۲ـکدام گزینه درباره آیه ۲۳ صحیح نیست؟

الف) از راههای تربیت، نقل کمالات دیگران است

ب) بزرگداشت شهدا، پیام قرآن است

ج) انتظار شهادت مهمتر از شهادت است ×

د) عمل به تعهدات نشانه صداقت است

۱۳ـآیه «ردّ الله الذین کفروا بغیظهم» چه زمان تحقق پیدا نمود؟ ٣٤

الف) شکست در جنگ احزاب

ب) کشته شدن عمرو توسط امام علی

ج) کندن خندق و ناکامی در هجوم به مدینه

د) ترس و رعب و یاری فرشتگان

١٤ـدر چه موردی گناه صغیره در حکم گناه کبیره است؟ ٤٣

الف) گناه در زمان و مکان خاص

ب) تکرار و اصرار بر گناه

ج) گناه افراد برجسته و الگو　　د) هر سه مورد ×

۱۷ـکدام گزینه درخواست خداوند در آیه ۳۲ از زنان پیامبر است؟

الف) پرهیز از خودآرایی　　ب) اقامه نماز و پرداخت زکات

ج) اطاعت از خدا و رسول　　د) هر سه مورد ×

۱۵ـکدام گزینه درباره آیه ۳۲ صحیح نیست؟

الف) با ناز و کرشمه سخن گفتن زن بی تقوایی است

ب) چشم چرانی و هوسبازی، بیماری روحی است

ج) در جامعه نبوی همه افراد سالم هستند ×

د) نباید گفتار و رفتار زنان تحریک کننده باشد

۱۶ـ کدام گزینه درباه آیه تطهیر صحیح است؟

الف) یرید یعنی اراده تکوینی نه تشریعی

ب) اهلبیت همه خاندان پیامبر نیستند

ج) آیه شامل زنان پیامبر نمی‌باشد　　د) هر سه مورد ×

۱۸ـ پیامبر اکرم رابطه انسان با خدا به چه تشبیه کردند؟ ٥٤

الف) بیمار و طبیب　　ب) فقیر و غنی

ج) بنده و مالک　　د) رب و مربوب

۱۹ـ کدام گزینه در مورد پیامبر اکرم در آیه ٤٠ آمده است؟

الف) رسول الله　　ب) محمّد

ج) خاتم النبیین　　د) هر سه مورد

۱۹ـ خاتمیت دین چگونه با نیازهای متغیر انسان سازگار است؟

الف) وجود قرآن و روایات　　ب) امامان و نواب آنان

ج) باز بودن باب اجتهاد و استنباط　　د) جامع الاطرافی اسلام

۲۰ـ نمونه ذکر کثیر در آیه «واذکروالله ذکراً کثیراً» کدام است؟

الف) قرآن و نماز　　ب) تسبیحات حضرت زهرا ×

ج) یاد خدا با زبان و رفتار　　د) هر سه مورد

۲۱ـ مهم‌ترین شرط ازدواج در آیه ٤٩ کدام است؟ ٧١

الف) خانواده　　ب) والدین　　ج) ایمان　　د) هم کفو بودن

۲۲ـ آداب میهمانی و پذیرایی ذیل کدام آیه بیان شده است؟

الف) ٥٠　　ب) ٥١　　ج) ٥٢　　د) ٥٣ ×

۲۳ـ آیه ٥٥ به کدامیک از محارم انسان اشاره دارد؟

الف) داماد و برادر رضاعی　　ب) محارم نسبی ×

ج) محارم سببی و کودکان　　د) الف و ب

۲٤ـ هر کس در کتاب و نوشته‌ای بر پیامبر صلوات بفرستد....؟ ٨٤

الف) در پاداش هر خواننده‌ای شریک است

ب) فرشتگان تا قیامت برایش درود می‌فرستند

ج) تا آن نوشته باقی است پاداش دارد ×

د) تا اثر آن باقی است فرشتگان برایش دعا می‌کنند

۲٥ـ کدام گزینه فرمان خداوند به پیامبر است؟ ٨٢

الف) به زکات دهندگان صلوات بفرست

ب) به کسانی که به ملاقاتت می‌آیند سلام کن

ج) مردم باید به تو صلوات بفرستند　　د) الف و ب ×

۲٦ـ مجازات اذیت و برخورد بی ادبانه با پیامبر اکرم کدام است؟٨٦

الف) لعنهم فی الدنیا و الاخرة　　ب) اعدّ لهم عذابا مهینا

ج) لعنة الله و الملائکة و الناس　　د) الف و ب ×

۲۷ـ دستور حجاب و چگونگی پوشش در کدام آیه آمده است؟

الف) ٥٦　　ب) ٥٧　　ج) ٥٨　　د) ٥٩×

۲۸ـ کدام آیه حکم برخورد با شایعه سازان و متخلفان اجتماعی است؟

الف) ٥٧ تا ٦٠　　ب) ٦٠ تا ٦٢　　ج) ٦٢ تا ٦٤　　د) هر سه مورد

۲۹ـ خداوند در مورد چه کسانی فرمود: «فقد فاز فوزاً عظیماً»؟

الف) اطاعت کنندگان از خدا و رسول　　ب) مؤمنان به مبدأ و معاد

ج) شهدای در راه خدا　　د) ملاقات کنندگان خداوند

۳۰ـ امام علی (ع) امانت الهی عرضه شده به انسان را چه می‌داند؟ ٧٢

الف) نماز　　ب) اهلبیت　　ج) محبت پیامبر　　د) دین اسلام